هیچ نوع عذر وحیله وشفاعت خواهی شخص نو وارد را
نمی پذیرد وشخص نو وارد را از مرزی که مربوط
پهره دار است کاملاً تحت کنترول و قوماندهٔ خود
می آورد وبعد از خود به پهره دار مابعد تسلیم میکند
و یا مستقیماً بمقام صلاحیت دار خویش شخص
نو وارد را می سپارد وخود سرانه در حصهٔ آزاد
شدن وحبس کردن او اقدام نمی کند .
۱۷ ـ دشمن در وقت نگهداری از حریم شی سپرده شده
پهرهٔ دار و یا محل سپرده شده کوشش مینماید که پهره
دار را فریب بدهد و پهره دار را در تحت تأثیر
خود بیاورد ، بنا آ پهره دار هر وقت متکی باخود
باشد ومطیع قانون باشد ، طبق قانون عمل نماید .
۱۸ ـ اشتباه وسهو در پهره داری برای یک
پهره دار جرم است ، بطور مثال پهره دار بخواب
برود ، اینجاست که از پهره داری شی سپرده شده
وجای سپرده شده تا توان می ماند ، اما نتیکه در

اختیار اوست خیانت می‌شود و از اختیار پهره دار
می برابد و این اشتباه پهره دار جرم نابخشودنی است
۱۹ - بخشیدن برای پهره دار از شی سپرده شده
و محل سپرده شده بدشمن و بیگانه اجازه و جائز
نیست ، بخشیدن را حق ندارد و چیزی را خود سرانه
بکسی ببخشد و خیانت را حاصل نماید .
۲۰ - قبل از حاضر شدن خدمت و وظیفه بمرام
و طرز فکر یک اندیشه ایمان داشتن و آن اندیشه
را آگاهانه قبول کردن و با اطمینان بخاطر حمایتش کمر
بستن کار خوب و اصولی میباشد ، پهره داران
باید از همین قسم افراد مطمئن موظف شوند تا از
پهره دار نااهل ضربه نخوریم ، نباید مار در آستین
ما باشد .
۲۱ - پهره داران قرارگاه ، مرکزیت ، مهمات
سلاحگوت ، مخابرات ، رادیو ، تلویزیون و هر
شی ارزنده و مهم ما بدقت باید انتخاب شوند

و در شناخت گذشته اش دقت شود، عقیده اش
در نظر گرفته شود، عملش محک گرفتن وظیفه اش
باشد، نباید کورکورانه پهره داران انتخاب
شوند تا ما در اجرا آیات خود به عواقب خطرناک
گرفتار نشویم.

۲۲ - بهترین پهره دار در حصه نگهداری شی سپرده
شده مردان مؤمن می باشند که در وقت خطر
از حریم شی و محل بخاطر عقیده و ایمانش تا آخرین
قدرت خود از آن دفاع و نگهداری مینماید.

۲۳ - پهره دار باید بیدار و هوشیار در حصه
نگهداری شی و محل سپرده شده باشد، اگر ما پهره
داران فعال، بیدار، هوشیار، کارکن داشته
باشیم با اطمینان کامل و آرام گرفتن در محل خود
مقاومت کرده میتوانیم.

۲۴ - پهره داران باید اوصاف ذیل را دارا باشند
جور باشند، کور نباشند، زبان داشته باشند

گنگ نباشند، تا همه چیز را ببینند و بیان کرده
بتوانند و در حصهٔ خود و بیگانه موفق باشند.
۲۵ - پیره داران راز فهم، راز دار، متعهد
بیک طرز و فکر انقلابی حیاتی استوار و ایماندار
باشند و مطابق اصول اسلام عقیده و ایمانش
به او حکم بکند که شی امانت همچون ناموس است
و نگهداری اش بر بالای او واجب می باشد.

نوت :

نگهداری بمعنای واقعی کلمه قیمت دادن
و ارزش دادن به عقیده و ایمان.

سپر :

عبارت از مانع یا سد است که ما را از
آتش دشمن و دید دشمن محفوظ میدارد مانند
دیوار ها، تیکه مرمی از آن عبور نکند، پلوان های

زمین ها ، درختان بزرگ و تنه دار ، موضع های مستحکم ، تپه های بلند و با ارتفاع .

تام سپر :

عبارت از سد یا مانع است که از دید هوائی و زمینی ما را نگهمیدارد مانند خانه های کانکریتی سوف های ارتباطی چندین راهه ، کانال های چندین راهه .

الف : تام سپر ما را از فیر و آتش سلاح پیاده دشمن و دید آنها محفوظ میدارد .

ب : تام سپر ما را از چهار جهت از تعرض سلاحهای خفیفه دشمن وحتی سلاح های ثقیله آنها محفوظ میدارد .

ج : در تام سپر باید جای دید و ترصد برای افراد موجود باشد که از آنجا خوبتر دشمن را دیده

و بالایش انداخت صورت گیرد و مطمئنانه مقاومت
کرده بتواند .

نیم سپر :

عبارت از سد یا مانعی است که بصورت
مکمل از آتش دشمن ما را محفوظ کرده نتواند
و تنها نیم تنه ما را از آتش دشمن محفوظ کرده بتواند
مانند جویچه های لب سرک ها ، پلوان های زمینها
دیوار باغها ، تنه درختان ، سنگ های کوه ها
تپه های با ارتفاع و دیگر سد یکه مانع آتش خفیف
دشمن باشد .

۱ - چیزیکه انسان را از ترصد و آتش
دشمن محافظه می کند سپر نامیده میشود .

موضع :

عبارت از جائی است که ما در آنجا قرار میگیریم خود ، سلاح ، مهمات خود را آنجا جا بجا کرده و از آنجا بالای دشمن آتش کرده میتوانیم و بشکلهای مختلف در اراضی موضع گرفته میتوانیم

الف : موضع ولاند (ایستاده) عبارت از آن موضعیست که سد یا مانعش از یکنیم متر شروع الی دو متر باشد که درین وقت ما باید - ایستاده مقابل دشمن بجنگیم و مانع که مقابل ما وجود دارد ما را از آتش دشمن محفوظ کرده خوبتر بالای دشمن فیر و آتش کرده میتوانیم .

ب : موضع نشسته : عبارت از آنجائیست که سد یا مانعش از « ۷۵ » سانتی متر شروع و تا « ۱۳۰ » سانتی متر برسد ، بشکل خم خم ، چارغوک نشسته بلند ، نشسته پست ، میتوان از عقب

مانع بخوبی استفاده کرد و از آنجا بالای دشمن آتش نموده و در هر شرایطی که قرار داریم تابع آن شرایط اراضی عمل و اجرا آت مینمائیم .

موضع پروت ویا دراز کشیده :

عبارت از جائیست که سد یا مانعش از (۱۰) سانتی متر شروع تا چهل سانتی متر برسد و در حالت اضطراری در زمین های هموار پروت بخوبی ما را از فیر و آتش اول دشمن محفوظ نگهداری کرده بتواند و بعداً جای پروت اول تغییر بخورد ویا بجناح راست ویا جناح چپ غلطانده شود تا از دید دشمن برآمده و به آسانی دشمن ما را از بین برده نتواند .

شرایط موضع : الف : موضع ها عموماً باید

ارتباط نظری با هم داشته باشند تا در وقت آتش و فیر دشمن ما بتوانیم دوست خویش را دیده و با آنها معاونت کرده بتوانیم و هم جنگ هم آهنگ بالای دشمن ادامه بدهیم .

ب : موضع ها بین خویش راه ارتباطی داشته باشند تا در موقع خطر برای افراد لازم است که به سرعت جای را اشغال کنند و هم پیش روی شان سپر باشد که دفعتاً تحت آتش دشمن قرار نگیرد و هم از آنجا فیر کرده بتواند .

ج : برادران مجاهد کوشش نمایند که دو نفر در یک سنگر در حال جنگ پهلوی همدیگر قرار نگیرند تا هر دو بیک ضربه دشمن از بین نروند ، فاصله بین افراد از ۸ الی ۱۰ متر دور و نزدیک نباشد

د : مجاهد وقتی که داخل موضع میگردد کوشش کند تا به استقامت دشمن موضع را اخذ نموده و ارتباط نظری را از دشمن قطع نکند .

نوت : بصورت عام جائیکه انسان حرکات محاربوی را عملی و اجرا مینماید موضع گفته می شود .

ه : موضع گرفتن :

موضع گرفتن عبارت از جائیست که به قوماندهٔ قوماندان هر نفر کوشش می کند که به بسیار سرعت یک جای فیر و آتش را بخود انتخاب کند که پیشروی آن یک سپر واقع باشد که بواسطه آتش دشمن از بین نرود ، در وقت گرفتن موضع باید دقت شود دو نفر در یک موضع نباشد .

و : زمانی که موضع مجاهدین از طرف دشمن کشف گردید بواسطه یک فیر دو نفر از بین میرود بناءً موضع باید با استقامت دشمن باشد و فاصله بین مجاهد از یک متر تا ده متر باشد .

ز : موضع ولار یا موضع ایستاده :

موضع ولار وقتی ما گرفته میتوانیم که پیشروی

بالای دشمن عملیات خویش را اجرا و بعد از آن به نقطه مورد نظر حرکش مخفی شده و در عقب پرده، پنهان از دید و ترصد دشمن سنگر بندی مجدد را در نظر می گیرند و در موقع برخورد بی مهابا بر دشمن حمله برده ضربه میزنند و در حال آمادگی دشمن چریکها بالای دشمن حمله نمی آورند، بلکه جنگ چریکی، حمله و گریز می باشد.

د : ذخیره و راه چریکها :

چریکها از ذخیره دشمن اعتیاجات خود را طبق بهبود های اسلام رفع می کنند و بالای موتر های حامل گندم روغن، کشمش، میوجات، روغنیات، لباس های عسکری و سایل زندگی شهری هجوم می آورند که بتوانند مواد حاصله را بزود ترین وقت به جاهای محفوظ نقل دهند.

ما مانع دومتری باشد و از عقب آن ما بتوانیم
مقاومت را آغاز نمائیم

موضع نشسته «زنگ نگزد»:

وقتی انتخاب میشود که از حالت ولا راز
دشمن ما دیده شویم و درین وقت سپر را در
نظر گرفته موضع نشسته را اخذ مینمائیم.

موضع دراز کشیده یا پروت:

این موضع از ده سانتی متر شروع تا چهل
سانتی متر باشد، این وقت ما پروت
مینمائیم که از حالت نشسته جنگیده نمیتوانیم

نوت : درشرایط جنگ پیاده وجنگ زمینی مطلق تابع اراضی بوده و با در نظر داشت اراضی موضع برای خود تعین کرده میتوانیم نظر بشرایط محیطی اراضی موضع ولاد ، نشسته و پروت را اخذ میکنیم.

جنگ در اراضی کوهساری :

اراضی کوهساری عبارت از اراضی است که دارای کوه های متعدد و بارتفاع های مختلف بوده که برای تعرض ومدافعه بهترین اراضی میباشد .

الف : خصوصیات کوه ها : کوه ها بشکلهای مختلف بوده مثلاً کوهی که ما میخواهیم آنجا بالا شویم مثل دیوار راست بلند شده که درین نوع کوه ها بالا و پائین شدن بسیار مشکل است ، جنگ درکوه قرغ وشنخ همیشه بمشکل صورت میگیرد .

ب : جنگ درکوه های مایل : درین نوع

کوه ها بالا و پائین شدن آسان است و برای
جنگ تدافع خوب می باشد بشرط آنکه از
عقب کوه راه بالا شدن و دخول دشمن
موجود نباشد یعنی تانکها و زرهپوشهای دشمن
از عقب کوه آمده نتوانند.

ج : اگر کوه ها پشت سرش هموار و بالای سرش
هموار و راه آمدن و رفتن تانک های زرهپوش
ها موجود باشد در روی کوه یا پیش روی کوه
جبهه گرفتن مجاهدین غلط است که با شروع شدن
جنگ در تحت تاثیر آتش دشمن قرار میگیرند،
بناً موضع جائی گرفته شود که از طرف عقب
مجاهد در محاصرهٔ دشمن قرار نگیرد و پیش روی
مجاهد سد یا مانعی باشد که مجاهد را از تاثیر آتش
دشمن محفوظ نماید.

د : مجاهدین در کوه ها در جائی سنگر و موضع
بگیرند که سلسله کوه های آن توسط کوه های گردنه

و یا پشته باهم وصل شده باشند و از عقب برای
دشمن راه بالا شدن و آمدن بطرف مجاهد
نباشد و امکان دخول شدن قوای دشمن
به نفع دشمن نباشد ، در کوه های یکه و تنها
آنجا از گرفتن موضع همیشه خود داری شود .

ه : کوه های سلسله دار و گردنه دار باهم
وصل که از یکطرف امکان بالا شدن و موضع گرفتن
است و مجاهدین در همین جهت قرار دارند برای
جنگ و کمین گرفتن و حتی پایگاه قرار گاه
جای مناسب و خوب می باشد ، بنا مجاهدین
زیاد کوشش نمایند که دشمن را در صورت
موجودیت همین نوع اراضی تحت تعرض خود قرار
بدهند موفقیت به نفع شان تمام میشود .

ترتیب حرکت در اراضی کوهسار :

۱ ـ در اراضی کوهسار قبل از فعالیت جنگی

برای افراد آن مهم است که تعلیم و تربیه نظامی را دیده باشند .

۲ - به دوش های دو امدار یکساعته ، دو ساعته عادت داشته باشند .

۳ - کماندوی خوب بوده باشند با همه وسائل نظامی آشنائی داشته باشند مکس و مشت زدن را تمرین نمایند .

۴ - استقامت و جهت را خوب پیدا کرده بتوانند .

۵ - ترتیب جابجا شدن افراد و سلاح را همه افراد جزو تام باید یاد داشته باشند .

۶ - ترتیب بالا شدن و پائین شدن از کوه ها را دیده و یاد داشته باشند .

۷ - ریسمان در کوه ها از ضروریات یکنفر مجاهد می باشد که با خود داشته باشند و در صورت بودن زینه قاطکی با خود داشته باشند

۸ - بوت های کف را بری برای مجاهدین که در کوه ها میخواهند با دشمن بجنگند باید درپا های شان باشد تا به آسانی درکوه بالا و پائین شده بتوانند بوت های میخ دار وکف چرم درکوه برای مجاهدین خطرناک تمام میشود .

۹ - سلاح و مالزمه و لباس که در اراضی - کوهسار برای یک گروپ و یا فرد ضروری می باشد قرار ذیل است .

الف : تفنگ ماشیندار یا اتوماتیک معه مهمات آن .

ب : سلاح ضد تانک و زرهپوش که امکان دارد توسط طیاره ، هلیکوپترها ، تانکها جابجا شده باشند راکت وسط R-P-G-7 ضروری است .

ج : سلاح دافع هوا که تحت تاثیر آتش هوائی دشمن قرار نگیرند .

د : بمبهای دستی تعرضی و دفاعی هرفرد از

افراد گروپ .

ه : هاوان های کوچک و هاوان های بزرگ درصورت امکان .

مالزمه وضروریات برای مجاهدین :

۱ - بیل های سنگر کنی وبیلچه های پورتاتیف باکلنگ ، تیشه و زاغ نول .

۲- ریسمان ، میخ ، برمه زمینی کنی سبک .

۳ - بی سیم درصورت امکان ، دوربین دستی مخابره نما ، تبر ، اره ، پتک ، ادویه و داکتر خیمه های بزرگ وخیمه های پورتاتیف کوچک .

ز : به ترتیبی که مجاهدین درکوه ها جابجا میشوند قرار ذیل است :

۱ - قبل ازموضع وسنگر گرفتن مجاهد باید درچندین خط بشکل قدمه دار و دندانه اره و مثلث جابجا

شوند و همه در یک صف قرار نگیرند تا در وقت آتش
و فیر دشمن اساسات انداخت آنها بر مجاهد
تطبیق نشود و به فیر اول آنها مجاهدین از بین نروند
۲ - خط اول، خط دوم، خط سوم بهمین
ترتیب بشکل دندانه اره بفاصله ده متری پهلو
و عقب یکدیگر قرار گیرند و جابجا شوند، اگر ده نفر
میباشند سه نفر آن در خط اول بفاصله ده متر
یا زیاده تر از ده متر موضع بگیرند و سه نفر در عقب
آنها قرار بگیرند و سه نفر دیگر پشت سر شش
نفر قرار بگیرد. و یک نفر شش حالت متر صد را
با خود داشته باشد، دشمن را از هوا و زمین
ترصد نماید.
۳ - مجاهدین وقتیکه در کوه ها و یا تپه ها سنگر و
موضع اخذ مینمایند کوشش زیاد کنند که شاهراه
های عمومی قبل از آمدن قوا بقسم فنی مین گذاری
شود تا قطار های جنگی دشمن در راه اکمالات

آنها مسدود شده و در صورت آمدن قوا بالای
مین از بین بروند .

الف : مین ها از موضع خود ما باید لااقل صد متر
دور فرش شوند .

ب : مین ضد تانک و مین پرسونل در قدمهٔ
اول باید نزدیک راه و سرک فرش شود .

ج : سلاح دافع تانک ما باید قبلاً نزدیک
سرک جابجا شود و از فاصلهٔ پنجاه متری کمتر
موضع دافع تانک یعنی سلاح راکت لانچر
آر ، پی ، جی ۷ و آر ، پی ، جی ۲ نباشد .

د : در وقت کمین و حمله بالای دشمن تمام
مجاهدین ، افراد و پرسونل و وسائل باید ستر و
اخفا باشند و ما باید جائی موضع بگیریم که سپر
موجود باشد تا از تاثیر پارچه های توپچی دشمن
و سلاح خفیفهٔ آنها یک اندازه محفوظ باشد و هم
راه عقب نشینی برای ما باشد .

ه : موضع و سنگر در جائی که نقطه نیرنگی باشد باید
گرفته نشود که به بار اول از طرف دشمن کشف میشود

و : گروپ ها در کمین و در جنگهای چریکی تلاش
نمایند که ارتباط بین آنها موجود باشد تا به یاری
یکدیگر رسیده بتوانند و هم ارتباط نظری بین دوست
و دشمن شرط ارزنده جنگ بخاطر ادامه جنگ
برای مجاهدین می باشد .

ز : قبل از رسیدن دشمن به منطقه دوست باید راه
ها کنترولش در نظر و پلان مجاهدین جاداده باشد تا در
موقع خطر با اطمینان خاطر توانسته باشند با دشمن
بجنگند .

خ : مجاهدین در هر سه کیلومتری راه یک خبرسان
داشته باشند و به ترتیب در تمام نقاط ساحه
مربوط خویش پوسته های امنیت را جابجا
کرده و ارتباطات دائروی در حوزه صلاحیت
نفوذ خود داشته باشند و در صورت شروع

۵ : هستهٔ مرکزی :

گروپ های چریکی برای هم آهنگ نمودن عملیات خود به هسته مرکزی متشکل از افراد باتجربه نیاز دارند که هر واحد از گروپهای چریکی را رهبری کند و همه افراد در محور فرمانده واحد فرماندان آزموده که به فنون حربی آگاه است بتوانند روی پلان منظمی بر دشمن هجوم آورده و تمام نیرو های دشمن را تخریب و یا کاملاً نابود نمایند، فرمانده واحد برقدرت چریک ها می افزاید و دشمن را با همه چیز آن به رنج و غم مبتلا ساخته و سرانجام شکست میدهد، بناءً استفاده از نیروهای مبارز که در قسمت های مختلف عسکری و چریکی کار کرده و دارای تجارب جنگی و نظامی می باشند لازمی است در انقلاب اسلامی ما حصه بگیرند .

جنگ قبل از جنگ همه باخبر شوند و آمادگی جنگ را
بگیرند و با مقابله شدن دشمن توانسته باشند
که غافل گیر نشوند تا به آسانی از بین نروند .

ط : اسم معرفت در تمام ساحهٔ تحت قوماندهٔ
باید از مرکزیت توزیع شود و به همه گروپ بوقت
معین برسد و به اشخاص مسئول سپرده شود
و اشخاص در نگهداری اسم معرفت امانت
دار باشند و اسم معرفت کوشش شود تا بدست
دشمن نیفتد ، درصورت افشا شدن اسم معرفت
اسم معرفت جدید انتخاب شود .

ظ : وقتیکه ما در یک جای موضع اخذ کردیم
برای ما راپور آمدن قوای دشمن رسید ما فوراً
آمادهٔ آتش و حمله بالای دشمن باشیم و برای قوای
دشمن وقت بدهیم که بداخل تنگی و سلسله کوه های
مربوط ما شوند و از موضع اصلی ما بگذرند تا به منطقه
ایکه مین فرش کرده ایم برسند .

ع : اینجا یک تعداد تانکها توسط مین ما از بین میروند و یک تعداد تانکهای دیگر توسط گروپهای راکت لاینچر ما و یکتعداد دیگر در حفرهائیکه آنرا خس پوشک کرده ایم بلغطند متباقی تانکها و زرهپوش ها و افراد پیاده دشمن را باید مجاهدین ضربه بزنند تا جان بسلامت نبرند نابود و یا اسیر ما شوند .

غ : اگر چند تانک دشمن توسط مین ، راکت لاینچر و خس پوشک از بین رفت برای متباقی قوای دشمن قوماندهٔ تسلیم شوید داده شود تا تسلیم شوند تا آنها زنده بگیریم خوب می شود و در غیر آن بدشمن وقت فعالیت داده نشود - نتیجه اش منفی می باشد .

ف : وقتی یک تانک و یا زرهپوش دشمن تخریب میشود و موضع ما افشا نشده کوشش شود که موضع را افشا نسازیم و در همین وقت دشمن از وسایط

و تانک خود دیدن می کنند و اطرافش جمع میشوند بار
دوم وقتی مناسب برای ماست که بالای جمع شده
دشمن فیر و آتش نمائیم دسته جمعی از بین
بروند .

ق : درصورتیکه تانکهای دشمن پی در پی می آیند
سلاح های ضد تانک مجاهد فوراً پردهٔ آتش را
تشکیل کنند و با سرعت آنها را محو و تخریب
نمایند و اگر امکان داشت شرایط فرار دشمن
را محدود سازند که دشمن عقب نشینی کرده
نتوانند .

ک : بند ساختن راه امکاناتش درنظر گرفته
شود از ویران نمودن پل های بزرگ ، لولیدن
سنگهای بزرگ استفاده شود و هم درطول
راه مین و باروت با افراد کوتکی جابجا شوند .

ل : تمام افراد در وقت حمله قوای هوائی دشمن
تمام ستر و اختفا باشند و اگر سپر موجود بود ، تمام

سپر بگیرند و هیچکس حق حرکت کردن بی مورد را ندارد و کوشش شود که ارتباط بین مجاهدین برقرار باشد .

م : در وقت حمله هوائی دشمن سلاح های جلو دار ، ساعت مخفی باشد وحتی اقرادستر و اخفاء شود .

ن : در وقت تعرض قوای هوائی دشمن باید مستقیم بطرف طیارات از قبیل هلیکوپترها ، میگ ها ، جیت ها و طیارات میراژ نباید دیده شود که جبهه جلو دار متقابل طیارات معلوم میشود و ما را تحت آتش خود قرار میدهند باید ارتباط کنج چشم را با طیارات برقرار سازیم .

ی : اگر هلیکوپترها وجیت ها در حال پرواز پست خود بالای موضع ما می آیند با همه سلاح دست داشته بالای طیارات فیر شود ، بکدام جای اساسی و یا به بدن پیلوت اصابت می کند شاید هلیکوپتر

وجیت ها سقوط کند .

نوت :

۱ - همیشه مجاهدین کوشش کنند که در نقاط بارز حاکم و سرکوه ها تحت نفوذ و منطقهٔ خود پهره ایستاده نمایند تا دشمن قوای پراشوتی خود را پائین نکنند و نقاط حاکم را از ما نگیرند .

۲ - اگر سلاح دافع هوا چند میل داریم در نقاط حاکم در عقب آن دافع هوای ما جایجا شود و مجاهدین آنجا سنگر بگیرند و با مجرد رسیدن قوای هوائی دشمن فیر و آتش شروع شود، قوای هوائی دشمن فعالیت کرده نمی توانند .

و شرط محافظت دافع هوای ما آنست که افراد پیاده ما موضع های مستحکم حفر کرده باشند و خندق های ارتباطی را کنده باشند تا از تعرض هوائی

دشمن به امن بمانند و یا ستر و اخفا شده بتوانند امکان دفاع سلاح هوائی ما می باشد .

۳ - مجاهدین در موضع سنگر گرفتگی خویش ضربه و فشار بالای دشمن پی در پی وارد سازند تا قوای دشمن را ضعیف نموده و دشمن بخاطر بقای خود کار کرده نتوانند ، اینجاست که شکست میخورند .

نوت :

خیلی ها کوشش شود و احتیاط صورت گیرد قوائیکه تسلیم به مجاهد می شوند از حیله کار نگیرند و چانس و نیرنگ را پیشه قرار نداده باشند ما را از نزدیک ضربه نزنند ، قوای تسلیم شونده دشمن باید قوماندهٔ ما را در حالت تسلیم شدن خویش بپذیرند ، اول سلاح از اختیار آنها برآید و در اختیار ما قرار بگیرد و بعداً بیک جای امن آبرو مندانه عسکر تسلیم شده جابجا شوند

البته طریق گرفتن سلاح از دشمن قسمی باشد
که مجاهدین قوماندهٔ صادر می نمایند سلاح را
بگذارید دست های تان بالا باشد وخود تان
بیست متر دور بروید بعد مجاهدین سلاح
را جمع کرده بطرف عسکر پیش بروند .

۴ - سلاحهای مجاهدین قسمی جابجا شود که
در وقت انداخت بالای دشمن از تمام ساحهٔ
نفوذی خود و از تمام پرسونل خود حفاظت کرده
بتواند وسلاحهای های وان بفاصله دو کیلومتر در
عقب جبهه جابجا شود ، سلاحهای دافع هوا
همیشه درعقب تپه ها و قله های بلند کوه ها جابجا
شوند .

۵ - مجاهدین تلاش نمایند تا در پرده دود
وغبار مرمی های هاوان ، توپ خود را بدشمن
نزدیک بسازند و یا از دشمن دور بسازند .

۶ - سلاح های ضد تانک به قدم اول

باید جا بجا شود و سلاح پیاده در قدمه دوم جا بجا شوند .

۷ - ماشینداره های دافع هوا از قبیل زیکو یک دهشکه وغیره سلاح دافع هوا پشت سر همه قوای مجاهدین جا بجا شوند که قدمهٔ سوم یا خط سوم را در برگیرد و در وقت خطر بالای مجاهدین که از طرف هوا و یا زمین حمله صورت می گیرد آتش دوا مدار بالای دشمن کرده بتوانند و دشمن را ضربه بزنند و برادران را در حمایه خود داشته باشند

۸ - سلاح های دافع هوا قسمی جا بجا و داخل موضع شوند که در وقت انداخت آتش قیچی را بالای قوای هوائی دشمن تشکیل بدهند و از طرف دیگر کوشش شود که یک پرده آتش مقابل طیارات جنگی تشکیل کرده و مانع دخول طیارات دشمن به ساحهٔ نفوذ خود شویم .

نوت : آتش قیچی سلاحهای دافع هوا مانع

درآمد طیارات دشمن در ساحهٔ نفوذی ما شده
میتواند و ما را از تعرض هوائی دشمن و ضربه
زدن آنها در حمایه نگاه کرده میتوانند .

ستر و اخفاء :

عبارت از آن مانع دید است که ما خود
را در تحت و یا عقب آن قرار داده و خود و سلاح
را هم رنگ اراضی ساختن ستر و اخفاء میباشد .
ستر و اخفاء عموماً مانع و یا شفاف و باریک میباشد
که ما خود، سلاح و مهمات و وسایط خود را در
تحت و عقب آن قرار میدهیم، ستر و اخفاء از
آتش دشمن ما را محفوظ ساخته نمی تواند تنها
از دید دشمن پنهان شده میتوانیم، طور مثال
سبزیجات، برگ های درختان، قدیفه خود ما
پرده های نازک، تور های ستر و اخفاء، بته های

گل وخار، بته های کچالو، کدو وغیره وسایل ستر واخفا می باشد.

ستر واخفا طبیعی:

۱ - بته ها، درخت ها، ابر های روی زمین وغیره.

۲ - ستر واخفا صنعی، تور های ستر واخفا پرده های باریک، چادر های مجاهدین به هم رنگ اراضی باشند.

ترتیب ستر واخفاء:

ما به ترتیبی خود را از دشمن مخفی میسازیم که قبل از فیر وآتش ما را ببیند ونظر اول خود دشمن دیده و پیدا کرده نتوانند و هیچ فکر نکنند که در اینجا

س : غافلگیری :

غافلگیری عملیه ایست که ناگهان ما دشمن را در محل و حالیش تحت فشار قرار میدهیم و عمل ما سبب می شود تا دشمن تحت قوماندهٔ ما حرکت کرده و مرام را قبول کند و در غیر آن او را از بین می بریم. غافلگیری عامل مهم برای عملیات طرفین بوده ولی برای ما مجاهدین اسلام عامل قطعی برای جبران ضعف و کمبودی اسلحه و موفقیت در عملیات است. غافلگیری باید طوری مورد استفاده قرار گیرد و بدشمن در جای و موقع ضربه صورت گیرد که کمتر منتظر آن باشد، و بخیال آرام و مطمئن در جای خود قرار گرفته است و از حمله ما بی خبر است و درین حالت دشمن ما اگرچه قوی است، شکست میخورد، ما مجاهدین همیشه باید از غافلگیری بعنوان عامل درجه اول استفاده کنیم و برای اینکه ما از طرف دشمن غافل گیر نشویم لازم

کسی و یا چیزی قرار دارد ، درست و اخفا آرام گرفتن شرط است .

۱ - برادران ما در جائی ستر و اخفا کنند که بخوبی بتوانند خود را هم رنگ اراضی ساخته و ارتباط دیدن و نظر کردن با دشمن برقرار باشد تا دشمن ما را غافل نگیرند .

۲ - مجاهد باید قسمی خود را ستر و اخفا کنند که از ترصد و دید قوای هوائی دشمن و قوای زمینی محفوظ باشند ، کوشش زیاد شود که درین حالت هم از حرف های بلند و حرکت های بیجا اجتناب شود .

۳ - درست و اخفا از کشیدن سگرت ، روشن کردن آتش ، روشن کردن برق دستی ، روشن ساختن حصه سلاح جلا دار مثل میل تفنگ برچه ، ساعت ، احتیاط زیاد شود تا دشمن نبیند و باعث افشا شدن ما نشود ، بنا از عمل کردن به چیز های فوق جداً خود داری شود .

۴ - زمانیکه در اثنای روز و یا روشنی شب طیارات جنگی میخواهند بالای منطقه و موضع های ما بم اندازی نمایند و توسط راکت و دهشکه خود فیر و آتش مینمایند ما درین حالت قوماندان هنر و اخفاء را به همه برادران صادر سازیم تا همه تام سپر را اجرا و عملی نمایند .

۵ - تام سپر در وقت آمدن طیارات قرار - شرح ذیل می شود :

الف : برادران همه تا معلوم شدن طیارات - آماده گی تام سپر را بگیرند و قبل از ساحه تاثیر فیر و آتش نفوذی طیارات ، خود را بطرف زمین دراز بکشند و قسمت جلد اسلاح خود را ، ساعت خود ، زیر تنه خود بنمایند و حتی به چشمها مستقیماً بطرف طیارات دیده نشود ، ارتباط با کنج چشم با طیارات چهار اطراف و جوانب باشد تا از طرف پیاده دشمن ضربه نخوریم و در محاصره

ایشان قرار نگیریم .

ب : سلاحهای دافع هوا اگر به تعداد زیاد باشد کوشش شود دریک خط مستقیم بالای سر جبهه یا پیش روی جبهه جایگاه و موضع اخذ شود .

ج : و اگر سلاح دافع هوا دو میل و یا سه میل میباشد بشکل مثلث رویش بطرف دشمن و خارج ساحهٔ دوست داخل موضع شوند و هر سلاح شرید خود را تحت آتش بگیرند و پردهٔ آتش در حصهٔ شرید خودش مقابل طیارات تشکیل شود و تا حصه و حدی که حق دارند فیر نمایند یعنی به خط مستقیم در مرکز سلاح دافع هوای ما زاویه (۹۰) درجه را با هدف بسازند ، یعنی تا حصه پارامتر حق دارند که بالای دشمن آتش نمایند .

د : و اگر سلاحهای دافع هوا زیاد داشته می باشیم هر سلاح بفاصلهٔ پنجصد متری باید از هم دور نصب شوند و آتش شان قسم قیچی هدف را

بگیرد و برای از بین بردن یک هدف اقلاً سه تیر صورت بگیرد تا هدف از بین برود .

ه : کوشش شود تا سلاحهای دافعهوا در عقب دوشاخه های کوه در عقب یک شاخه نصب شود و موضع گرفته شود ، بخاطر اینکه طیارات دشمن همه وقت از راه دوشاخه کوه ها می آیند و بالای موضع ها و هستی ما ، قرار گاه و مرکزیت بمباردمان می کنند .

ز : قبل از رسیدن طیارات جنگی به موضع نفوذی مرمی ها ، اشخاص مترصد را با آله ترصد و دوربین وظیفه دار ساخته باشیم و درصورت بروز طیارات مترصد بما اطلاع بدهد و قوماندان دافعهوا را مرآماده باش فیر و آتش را به مجاهدین صادر کنند و بمجرد رسیدن طیارات در ساحه مؤثر مرمی دافع هوای ما فیر و آتش شروع شود .

و : برای اطلاع و خبر دادن مجاهدین بین

فاصله سه الی چهار کیلومتری بی سیم، تیلفون، عیار
باشد و در صورت توان و بودن رادار های
مدرن در منطقه، مانصب و به فعالیت مشغول
باشند و از اجراآت خود به مرکزیت اطمینان بدهند
خ : قبل از معلوم شدن قوای هوائی مجاهدین
در بین خویش پلانه های مخصوص، طیارات
آمد، دو طیاره آمد، طیارات زیاد آمد، طیارات
به جهت ما آمدند، طیارات از ما دور می شوند
طیارات بار دار هستند، طیارهٔ کشف آمد، -
هلیکوپترها آمدند، را باخود داشته باشند و در
موقع معلوم شدن قوای هوائی دشمن از جائیکه
برادر مترصد مؤظف است به مرکزیت اطلاع بدهد
یا توسط خبرسان و یا توسط بی سیم، تیلفون
و غیره وسایل خبری .
د : برادران مجاهد کوشش کنند وقتیکه طیارات
جنگی در ساحهٔ موضع نزدیک شد مستقیم

بطرف طیارات چشم خود را اندوزند .

نوت :

وقتی که هلیکوپتر زرهدار دشمن از بالای سر موضع ما بیست الی سی متر دور شدند درین وقت مجاهدین بالایش انداخت ضربوی نمایند.

۱ - از عقب هلیکوپتر، پروانه اش (چرخ خورد عقبی اش) تحت فیر و آتش قرار گیرد .

۲ - قسمت بالائی بال هلیکوپتر باندازهٔ دو فت و یا چهل سانتی متر میشود آنجا تانکی مواد سوخت است هدف گرفته شود طیاره ازبین میرود .

۳ - قسمت پیش روی هلیکوپتر یا سرکابین یعنی پوش موتور نشان گرفته شود و بعداً فیر شود .

۴ - قسمت عقبی برج خورد هلیکوپتر تقویه کننده ها نشان گرفته شود و فیر شود .

۵ - قسمت پیش روی موتور هلیکوپتر یعنی بالای شیشه پیش روی پیلوت اگر مرمی اصابت کند هلیکوپتر سقوط می کند .

۶ - هرگاه مجاهدین در موضع های خود که بالاتر از هلیکوپتر قرار میگیرند همه مجاهدین بالای هلیکوپتر انداخت کنند سقوط هلیکوپتر حتمی است .

۷ - طیارات میگ ، جیت ، میراژ ، اگر سرعت آنها بطی میشود و در ساحه تاثیر مرمی ما قرار می گیرند ، بالای طیارات انداخت شود ، پروا ندارد سلاح خفیفه باشد یا ثقیله بمجرد اصابت مرمی طیاره سقوط می کند .

ارتباط :

عبارت از بهم پیوستن برقرار شدن

افهام و تفهیم بخاطر یک هدف که بین قوای متقابل و دوست بوده و بشکل های مختلف اجرا می شود

۱ - روی عهد و پیمان دو جانبه قبلاً هر دو جانب باهم می بینند و یک مفهوم و یا یک مطلب را بین خود تعین و قرار داد مینمایند .

۲ - ارتباط بی سیم ، تیلفون ، مخابره روان نمودن و فرستادن افراد ، فیر شدن فشنگ مخصوص با رنگ های مختلف آن فیر کردن یک یا چندین مرمی بوقت معین از جای معین فیر صورت میگیرد ، بنا اً به چیز های فوق میتوانیم ارتباط را با دوست باشد یا دشمن قایم کنیم .

۳ - ارتباط در بین یک فرقه ، در بین یک جمعیت انقلابی ، در بین یک گروپ در بین قوای دوست روح آنها بوده که در حقیقت [illegible] ارتباط اعصاب اردو می باشد و در بقای

قوای دوست ارتباط روح زنده قوای دوست
می باشد و به انواع مختلف قایم شده میتواند :

الف : ارتباط توسط بی سیم .
ب : ارتباط توسط تیلفون .
ج : ارتباط توسط خبرسان .
د : ارتباط توسط اشاره .
و : ارتباط توسط فلامه .

۴ — وقتی بین برادران مجاهد ارتباط موجود
نباشد یک بی نظمی مطلق بار خ دادن جنگ
با دشمن بمیان می آید سبب پریشانی مجاهدین
وسبب بدبختی واز بین رفتن آنها می شود ،
بناءً مجاهدین بخاطر حفاظت خود ، بقای خویش
ارتباط را در بین خود درسخت ترین حالات
جنگ حفظ ونگهداری کنند .

تدابیر تحفظ :

الف : زمانیکه از طرف دشمن گاز خفه کن، زهر آلود اشک آور و خنده آور استعمال میشود، کوشش شود اگر ماسکه گاز و دیگر سامان مثل یالان باید پوشیده شود .

ب : درصورت نبودن سامان تحفظ مجاهدین فوراً پروت کنند وکوشش نمایند که خود را در چقوری که عمود باشد و یا درهٔ که جریان هوا موجود نباشد برسانند و تا گاز استعمال شده گی آنها را از بین نبرد .

ج : درصورت بودن آب وقتیکه گاز استعمال میشود مجاهدین یک تکه را ترنموده به بینی و دهن خود بگیرند و اگر دریا موجود بود و آببازی را یاد داشت فوراً خود را در آب بیاندازند و یک غوطه بخورند در آب تاثیر گاز کم می شود .

است از تکنیک های جنگی ما خبر باشیم و احتیاط را در هیچ حالت از دست ندهیم . در غافلگیری در اوقات اضطرازی و در روزهای بارانی که در آن شب ها تاریک و روزها غبار آلود می باشد یک مانور سریع و مفید تمام می شود که مجاهدین باید کوشش بخرج دهند که دشمن را با همه قدرتش غافلگیر و جزای سنگین و عبرت دهنده بدهند برای پیروزی چریکها تدابیر ذیل ضروری است :

۱ - چریکهای خوب بدرجه اول کوشش مینمایند که از موقعیت و از جای بود و باش و مهمات دشمنیکه آنرا مورد حمله قرار میدهند آگاهی داشته باشند و با پلان سنجیده شده عمل نمایند و اگر این مراتب را در نظر بگیرند یقیناً موفق اند .

۲ - چریک ها کوشش نمایند که در وقت حمله بتعین ساعات و طول جنگ را در اختیار خویش داشته باشند و وقتی چریکها بالای دشمن حمله نمایند که از قدرت و نیرویی که دشمن در اختیار دارد معلومات

د : وقتی که گاز استعمال می‌شود مجاهدین قسمی پروت کنند سرشان باستقامت وزیدن گاز نباشد یعنی باد گاز را بجهتی که مجاهد است نیاورد، درین وقت تأثیر گاز کم میشود، به مرور ذیل تأثیر گاز از بین میرود .

انواع گازها :

۱ ـ گاز سوزنده که تمام وجود انسان با استعمالش می‌سوزد .

۲ ـ گاز خفه کننده که گلوی انسان را خفه میسازد .

۳ ـ گاز اشک آور که با استعمال آن از چشم های انسان اشک میریزد .

قبل از نیکه در تحت فشار گاز های دشمن قرار بگیریم باید از وسایل وسامان تحفظ کیمیاوی

استفاده شود تا در وقت استعمال گاز ها ما همه تحت تأثیر گاز قرار نگیریم و توانسته باشیم بخود باشیم بنا اگر شرط مهم است در وقت استعمال گاز از سامان تحفظ کیمیاوی استفاده شود .

گزمه :

۱ - عبارت از حرکت کردن از محل قرارگاه با وجود داشتن اسم معرفت بخاطر معلومات گرفتن همه منطقه از دوست شروع تا سلاح ، مهمات ، افراد پیاده ، نقاط بارز جنگی ، موضع های برادران ، سلاحکوت ، نظام قراول خط اول آتش ، همه داخل منطقه ، ساحهٔ نفوذ ما ، دیدن همه سرگروپ ها ، دیدن راه آمد و رفت دشمن ، جای مواد ارتزاقی خود ما ، روغنیات وسایط و موتر ها ، همه هستی و موجودیت ما

که در ساحهٔ تحت نفوذ و کنترول ما است آنها را
اول می بینیم و بعداً از امنیت همه چیز خویش
را پور مطمئن را بدست می آوریم که چنین عملکرد -
گزمه است .

۲ - گزمه بخاطر اطمینان و تسلیت ما در منطقه آغاز
و با جمع کردن را پور امنیت و خطر از داخل و خارج
و همه جوانب قطعه خود ما ختم می شود که چنین ارتباط
قایم ساختن در بین قطعه و قوای دوست مستحکم
ساختن محیط خویش را قوی میسازیم .

۳ - بعد از ختم گزمه تمام گذارشات داخل قطعه
و خارج باید محفوظ باشد و تنها را پور مکمل آن بمقام
مسئول در قرارگاه وهسته مرکزی به شخص مسئول
آن سپرده شود و کوشش شود که گزمه کننده در وقت
گزمه خود و قوای دوست را افشا نسازد .

۴ - گزمه کنندگان اشخاص مورد اعتماد و مطمئن
و با تقوی باشند که در وقت گزمه بکار های باطل

و نامشروع آغاز نمایند که از یکطرف وقت ضایع میشود و از طرف دیگر در همان وقت تعین شده گزمه کننده ها بمقام مسئول راپور خیریت و اطمینان را داده و رسانده نمیتوانند .

نوت :

خلاصه گزمه عبارت حرکت کردن در داخل و یا خارج منطقه و راپور امنیت وخطر را به آرا می و برخورد بدست آوردن بوده که بخاطر مستحکم بودن قوای خویش محیطی که بود و باش داریم امنیت و ارتباط آنرا زنده نگاه میداریم که این حالت ما بشکل مخصوص و اسم معرفت مخصوص توأم است میتوانیم دوست را از دشمن جدا سازیم .

۱ ـ برادران در وقت گزمه کوشش بخرچ دهند که اطراف خود را یعنی سمت پیش روی جناح

راست ، جناح چپ را از نزدیک شروع بطرف دور ترصد کرده پیش بروند و از طرف عقب خود هم باید مطمئن باشند تا در حمله کمین دشمن قرار نگیرند .

۲ - گروپ گزمه سخت ترین حالت را طی مینماید خصوصاً گزمه در حصه جنگل ها ، دامنه کوه ها ، در بلندی وچقوری ها ، در گولائی ها ، خیلی خطرناک بوده بناءً باید افراد گروپ گزمه پیاده با سلاح اتوماتیک ، ماشینداران های خفیف ، تفنگچه ، بم های دستی ، سلاحهای دافع تانک ، راکت لانچر ، چراغ دستی ، چراغهای مخصوص برای اشاره که از ضروریات گروپ گزمه میباشد همراه خود داشته باشند .

۳ - گروپ گزمه در شب باید دونفر را با وسایل سلاح و مهماتش پیش روی گروپ گزمه بفاصله بیست متر روان کرده و در حال رفتن به پیش باشد و بعد از را پور اطمینان بگروپ گزمه ، گروپ گزمه

با دیدن همه جانبه خصوصاً جناح راست وچپ وپیش روی را بدقت ببینند وپیش بروند .

۴ - گروپ گزمه در روز نفرهای مترصد خویش را بفاصله پنجاه تا صد متر پیش بفرستند ونفرهای مترصد بعد از بررسی درست و دیدن طول راه راپور صحیح بخاطر اطمینان برای خود گروپ گزمه بدهند وگروپ گزمه با حاصل کردن راپور حاصله مطمئنانه و با دید و ترصد خویش پیش بروند با تصادم آنی همراه دشمن گروپ گزمه حالت جنگ و فرار را با خود بگیرند وکوشش نمایند که جنگ دوامدار با دشمن نکنند .

شمال چند نوع است :

۱ - شمال حقیقی عبارت از استقامت است که با دیدن ستاره قطب تثبیت میشود واستقامتی را که ستاره قطب نشان میدهد شمال حقیقی است .

۲ - شمال مقناطیسی عبارت از استقامتی است که ابرهٔ پوصله نشان میدهد شمال مقناطیسی است

۳ - شمال شبکه عبارت از استقامتی است که خط های خریطه نشان میدهد .

استقامت :

عبارت از جهت وسمتی معمول جغرافیائی می باشد که ما چهار سمت وطرف را میشناسیم.

۱ - شرق .

۲ - شمال .

۳ - غرب .

۴ - جنوب .

بناءً بخاطر پیدا کردن استقامت برای هر نفر ضروری می باشد تا در اراضی ناشناخته ونابلد به مشکل روبرو نشویم باید درشناختن استقامت مهارت

شرایط ذیل را درنظر میگیریم :

۱ - درجائی که ما راه گم می شویم استقامت را پیدا کرده نمیتوانیم باید از آثار و چیز های موجود در آنجا استفاده شود ، قبرستان را کوشش شود پیدا کنیم دست راست ما بطرف سر میت و دست چپ ما بطرف پای میت قرار بگیرد پیش روی ما غرب ، دست راست ما شمال ، دست چپ ما جنوب و پشت سر ما شرق می باشد .

۲ - برای پیدا کردن سر میت که بکدام طرف است باید دو قبر زن و مرد موجود باشد که هردو نشان سنگ مرد به تیغه بالای قبر ایستاده می باشد و نشان سنگ قبر زن هردو یکسان نمیباشد نشان سنگ سرش به تیغه می باشد و نشان سنگ طرف پایش به عرض یا بروی ایستاده میباشد و بعداً ما بطرف نشان سنگ تیغه قبر زن دست راست خود را برابر مینمائیم که دست چپ ما

بطرف نشانهٔ سنگ بعرض قرار بگیرد . پس همین
جاست که درمی یابیم که دست راست ما شمال
ودست چپ ما جنوب است وطرف رو بروی
ما غرب وپشت سر ما شرق می باشد .
۳ - پیدا کردن استقامت در شرایطی که ما جهت
را نمی شناسیم باید کوشش شود در محل نزدیک
اگر کدام خرابه موجود باشد آنجا شاید مسلمانها
زندگی کرده باشند مسجد را جستجو کنیم تا از محراب
مسجد که بطرف شرق بیت الله شریف ما قرار
داریم حتمی محراب مسجد طرف غرب است با پیدا
کردن یک سمت ، سمت های دیگر را پیدا کرده
میتوانیم .
۴ - استقامت را ما میتوانیم توسط درخت هائیکه
در نزدیک ما قرار دارند دریابیم ، درخت ها همیشه
نسبت وزیدن باد بطرف جنوب مایل میباشند .
۵ - استقامت را توسط خانهٔ مورچه میتوانیم

دریابیم ، مورچه ها نسبت وزیدن باد از استقامت شمال و از سمت شمال خاک خانه خویش را بطرف جنوب می کشند و طرف جنوب خاک کوت میباشد.

۶ - پیدا کردن استقامت توسط ساعت در موقع روز آفتابی مایک چوب بسیار باریک را در بین زمین محکم و چوبک از خود سایه تولید می کند و بعداً ساعت را طوری بزمین میگذاریم که عقرب ساعت گرد به استقامت سایه همان چوبک تطبیق شود و بعد از آن فاصله بین عدد ۱۲ ساعت و عقرب دقیقه گرد نصف می شود و درین وقت استقامت شمال و جنوب پیدا میشود .

انفجار :

هرگاه یک مادهٔ جامد یا مایع بر اثر شعله ، ضربه ، اصطکاک ، حرقه و یا فیر مرمی

درست داشته باشند .

۳ - چریک های مسلمان کوشش نمایند که ذخایر دشمن که آنرا اسلام جائز میداند استفاده صورت گیرد ، برای نیل باین هدف باید با سرعت و مهارت بالای ذخایر دشمن حمله صورت گیرد . چیز های حرام دشمن را مجاهدین مسلمان نابود و از استفاده آنها تا حد امکان می کشند .

اوصاف قوماندان مسلمان :

قوماندان مسلمان که پابند و مطیع فرمان خداوند "ج" در خفا و در محضر مردم بوده بخاطر برتری نام الله "ج" رضا و خشنودی او و آزادی انسان از تحت ظلم و ستم از پیلهای اسلامی خویش با خود آگاهی و تعهدی که با خدای خویش نموده ، آگاهانه عمل مینماید و آزموده فن حرب بوده و یا در آینده قدرت کسب فن حرب را دارا می باشد

و دگرگونی سریع در آن ایجاد شود ، در نتیجه مقدار زیاد حرارت و گاز تولید شود و اینجاست توام با صدای مهیب تخریب همراه باشد و موج انفجاری بوجود آید انفجار نامیده می شود .

تخریب :

عبارت از عملیاتی است که با استفاده از مواد منفجره ، احتراق برای از بین بردن ـ استحکامات و امکانات دشمن انجام می گیرد بنام تخریب یاد می شود .

محل تجمع :

عبارت از نقطه و جائیست که قبلاً از طرف خود ما تعیین شده است که قبل از عملیات فرماندان

و شخص مسئول قوماندہ برای مجاہدین معلومات
خصوصی میدہد و مجاہدین در نگہداری آن نقاط
بارز حیاتی، سیاسی و اجتماعی خویش کوشش
مینمایند تا آن محل تعین شدہ را افشاء نکرده
وافراد و قوای ما را در حالت برگشت از عملیات
نظامی همه بتوانند بجای تعین شده حاضر شوند
این جای را محل تجمع می نامند .

مساعی مشترک :

عبارت اجرا و کوشش نمودن حل مشکلات،
کار، پرابلم های زندگی بصورت دسته جمعی بوده
که همه از قوماندان گرفته تا افراد بخاطر یک هدف
مشترک در یک راه کوشا باشیم تا توانسته باشیم
مردم خود را به اثر زحمت کشی و رنج همگی ما از بدبختی
نجات داده و اسلام بالای سرنوشت ما حاکم شود

مثلاً برای بقای خود ، نفع خود و امنیت خود ما در محل تحت نفوذ و مرکزیت خویش وظیفه داریم تا پهره ، گزمه و امنیت منطقه را فعالانه در نظر بگیریم بخاطر رفت و آمد خود ما همه مسئولیم که در تهیه کردن راه تا آنرا هموار سازیم و یا کارهای دیگر اجتماعی در آن حصه بگیریم مساعی مشترک نامیده میشود .

مقاومت آخری با دشمن :

از تمام قدرت دست داشته خود بصورت قاطع و فیصله کن استفاده کردن و نیرو های خویش را همه حاضر کردن و در راه کوبیدن ظلم و ستم حاضر هر نوع قربانی شدن ، خود و یا دشمن را زبین بردن ، مبارزه آخری با دشمن است ، جهاد دین نباید حیله و نیرنگ دشمن را قبول کنند ، دشمن اگر در جنگ صلح را در پیش می گیرند و در صلح

فتنه درنظر دارد ، باید مجاهدین تا سرحد مرگ آنها را تعقیب نمایند تا نابود شوند و یا تسلیم ماشوند .

۱ - برای هرفرد از مجاهدین لازم وضروری است جسماً خود را مبارز بسازند ، بکس بازی مشت زنی ، جیدو و کاراته ، کانفو ، آببازی اسپ سواری خیرمانع ، عبور از زیر سیم خاردار ، موتررانی ، کوه گشتی ، بالاشدن توسط ریسمان درکوه ، نیزه بازی وغیره تکتیک های فوق برای مجاهدین رول ارزنده دارد ، درحالت برخورد مجاهد با دشمن مجاهد را به موفقیت نایل میسازد .

راه گیری مجاهدین :

برای مجاهدین لازم است قبل از نیکه دشمن را در وسط راه توقف بدهند ، قوای خود را

بشکل ایجابی سلاح خود در منطقه عملیات جابجا
نمایند و به مجرد رسیدن دشمن همه برق آسا
با یک فرمانده هر فرد از خود عمل نشان میدهد
مثل اینکه سوچ برق زده شود همه برق ها ی
مربوط روشن می شود ، به همین ترتیب و قتیکه
قطار روی جاده رسید ، هیچ یکی از افراد حق
ندارند که خاموش باشند و عمل نمودن و وظیفه
خود را بدوش برادر خود بیاندازند و این راه گیری
ما البته به معلومات قبلی و رسیدگی بمارسیده است
بستگی دارد .

توطئه غافلگیرانه :

عبارت از آن دعوت و تنظیم نمودن و همه
افراد پاک را به حیله و نیرنگ بخاطر تحکیم بخشیدن
یک طرز فکر و یک هدف در دام خویش ـ

درآوردن و در نتیجه و آخر کار همه را فدای آرزوی
شوم و ناجائز خود ساختن و دست بسته
و کورکورانه آنها را در نابودی مبتلا نمودن و در
نابودی نیروی نسل جوان بحکم شریکان استعماری
خویش قدم بقدم پلانهای نابودی نسل آینده
مردم را پیاده کردن و خود و شریکان را حاکم
برسرنوشت مردم ساختن می باشد که از راه های
مختلف در اثر زندگی، هوشیاری، استعماری
صورت میگیرد و انجام میشود، طور مثال:

الف: پشک شناخته شده به همه اعمالش
سند برتری خویش، ریش سفیدی، کلان سالاری
عفو، و معذرت، عجز و کمینی را با چانس و نیرنگ
تازه دم خویش باز هم بر بالای موشک های متضرر
ستم دیده، تطبیق و پیاده مینماید، همه را دعوت
کرده دارد تا نفع ببرد.

ب: پشک با چهرهٔ آراسته و پیراسته

با منصب بزرگواری اش امروز حاضر شده است
تا در میدان قصاص و عدالت حقوق همه موشهای
بدبخت جاهل و متضرر را بدهد و درین حال
کجاوکی ها، که امین کس باید اشتراک کنند،
پس در سالون بزرگ این مهمان نوازی را
ترتیب میدهیم همه افراد جوان موشها صحت
مند وفربه حاضر شوند وریش سفیدان، مریضان
اطفال لاغر وضعیف معاف اند، ونگران همه
بیایند، من امروز از نزد موشها عفو میخواهم
و در روز محشر در پیش گاه خداوند (ج) قدرت
آنرا ندارم که جواب بدهم و در آتش جهنم
بسوزم بنا" قبلاً" باید شما را در دنیا راضی
ساخته وسند عفو وبخشش از شما بدست آورم
ج : موش های بی دفاع وساده و بدون سیاست
دعوت پشک ولی و بزرگوار را پذیرفتند همه باسر
خواست پشک در سالون بزرگ تشریف آوردند

با چهره نزدیک بمرگ که خود آنها نمیدانند موشها منتظم
ولبش در انتظار عفو و بخشش از طرف سردار
آقا ، ولی و بزرگ جدید (پشکل) نشسته اند -
عاقبت و سرانجام تلخ و نابودی در پیش دارند ولی
بیچاره گان با امید آزادی نشسته اند .

د : سالون بزرگ مهمان نوازی از وجود
موش ها پر شده و دیگر جای برای نشستن موشها
باقی نمانده پشکل چه باید کند که زیاده تر ازین
وقت دادن به موشهای احمق دور از همت
وغیرت انقلابی پشکل می باشد هرچه زود تر
شرایط انقلابی را باید حاکم نمود ، دروازه بسته
شود همه حاضر شده اید ؟ هیچکس دیگر از جوانان
فربه و قوی هیکل نمانده همه آماده اند که مرا بتکلیف
نسازید از طرف موش ها صدای عاجزانه و آهسته
برمیخیزد ، بلی همه ما آماده ایم .
از پشکل بشنوید بدبخت ها چقدر مرا عقب

خود ها به تکلیف میکردید و همه تان سوراخهای
طولانی و چقور حفر کرده اید که همه روز در انتظار
یکی از شما روز و شب خود را عقب تان سپری
می کردم و شب را سحر میکردم به چنگم نمی آمدید
کین و قابو هم جاهلانه بود و انیک عاقلانه با شما
عمل مینمایم تا جهان است سیر و آرام باشم .
ه : پشک موفقیت و پیروزی استعماری خویش
را می بیند به موش ها انیک چهره اصلی خود را که
همان پشک شناخته شده به اعمالش است به
موشها اعلام میدارد ، موشها ! بدانید که راه
نجات ندارید مرا خیلی ها عقب تان میدوانیدید و
شکارم یکی تان ندرتاً می بود و انیک از برکت
بزرگی ، کمال و ولایتم توانستم که از نعمت خداوندی
استفاده کنم . موش ها ! همه تان زحمت
شکارم بیاشید ، آرام باشید به ترتیب
میخورم شما را . از ین بدبخت تر روز و

مصیبت آور کدام روزی دیگر برای موش ها موجود
خواهد شد .

نوت :

در وطن و مملکتی که استضعاف همه اشکالش
بالای مردم حکومت کند افراد آن همچو موش های
متضرر ، ضعیف ، وبخیل بوده و سرانجام بچنگال
پشک صاحب ولایت و بزرگی می افتد و راه
نجات جز مرگ منفی و ناکام نفع اخروی و پاداش
ندارند .

۱ - بناءً مجاهدین مومن و مسلمان افغانستان
باید چهره اصیل اسلام را بشناسیم ، آگاهانه ،
و دانسته از اسلام اطاعت کنیم ، تقلید های -
طاغوتی و جاهلی را بگذاریم و دام های حیله گران
را با زنجیر های پولادین آنها بشکنانیم زنده

که از طرف ملت مسلمان بخاطر ادای مسئولیت ، رفاه پیشبرد کار و آزادی مردم و آزادی طرز فکر مردم نماینده مطمئن قرار میگیرد که درین حالت آرزوی شرین ، عالی و انسانی مردم در قدم گذاشتن و عمل قوماندان تبارز می نماید .

وظیفه یك قوماندان مسلمان :

پیاده نمودن برنامه های اسلامی ، برنامه جنگی و کار اسلامی بوده باتدابیر آگاهانه قدم بقدم مطلب و مرام جنگی اسلامی خویش درمحل اجرا ، تطبیق و پیشبرد قرار میدهد و اطراف و جوانب خود را از سد و مانع ایجاد شدگی که درحالت قبلی باشد و یا آنی صورت گیرد زمینه صحنه فعالیت افراد خود و بقای خویش را حاصل کرده مربوط قوماندان است .

وسر سلامت به حلقوم اژدها فرو نرویم .

۲ - دشمن را از طرز فکر و اندیشهٔ او باید شناسیم خوشباوری و اعتماد بهرکس را بخود راه ندهیم پلان های تازه دم دشمن برادران مجاهدم در کمین بالای سرنوشت ما می باشد نباید که ساده شود و ما را به صفت دوست در دام شکار گرفتار سازد . ما مجاهدین متکی بخود باشیم و معاونت ونصرت از خداوند ج ، بخواهیم .

۳ - تعهد و قرار داد استعماری را هرکسی که مخفی نموده باشند ما مجاهدین مؤمن افغانستان بهیچ وجه قرار داد استعماری را قبول نداریم ولو از هر منبع و مقامی که باشد ، با قرار داد استعماری سازش نمیکنیم و آنرا حرام میدانیم ، بخاطر انیکه نابودی موجودیت ما ، عقیدهٔ ما ، ایمان و اسلام ما به نظر گرفته شده درین تعهد و قرار داد عملی و پیاده میشود .

۴ - در افغانستان حیله ها، نیرنگ ها قبل از انقلاب و جهاد اسلامی افغانستان بکار رفته بود، مردم ما را اغوا کرده بودند که امروز دوچار همه فشار ها، بمباردمان، قتل، سوختن خانه ها، آواره شدن مردم بی گناه، دادن هزاران شهید، حاصل آن حیله و نیرنگ های پشک های ولایت مآب زمامداران خود فروخته و خود باخته قبلی بود که ما اکنون رنج می بریم و خورد میشویم. و اکنون در جریان جهاد متوجه بخود و مردم باشیم.

۵ - ما مجاهدین باید سرنوشت زندگی اسلامی - خویش را از تسلط همه ستمگاران بدون قید و شرط بدست ملت خویش بسپاریم و ملت را بپا ایستاد کنیم تا ملت ما متکی بخود و آزاد باشند.

فلامه :

عبارت از آن اشاره و نشانه مخصوص است که صورت تثبیت شده وی قبلاً برای دو جانب ثابت و معین باشد مثلاً اگر ما بتوانیم از فاصله دو هزار متری بیسیم نمائیم درین حالت لازم است که خود یا شفر بی سیم نزد دو طرف ما موجود باشد و یا اینکه از فاصله پنجصد متری ما توانسته باشیم دوست را از دشمن بشناسیم با شفر یکه قبلاً تعین کرده ایم عبارت از فیر های ما برای دقیقه تا فیر دوم ما بعد از یک دقیقه دیگر صورت بگیرد ما درین حالت روی شفر تعین شده خود میدانیم که دشمن هجوم آورده و یا عقب نشینی دارند وقبل از رسیدن قوای دشمن تدابیر تعرض و امنیت محل بود و باش موضع و از سنگر خود را میگیریم یا ساده تر بگویم فلامه جسم

ماده جلادار ، رنگ دار بوده که از یک نقط
بارز و نیرنگی میتوان قطعه وافراد را توسط
فلامه قوماندہ را فهماند و به آن عمل کرد .

الف : درنقاط بارز نمبر ۱ نشان تکه سرخ
ما علامه شروع جنگ با دشمن را نشان میدهد .

ب : درنقاط بارز نمبر ۲ تکه سیاه شکست
دشمن را نشان میدهد .

ج : درنقاط بارز نمبر ۳ نشان تکه بالاشد
سبز علامت موفقیت را نشان میدهد .

د : درنقاط بارز نمبر ۴ تکه سفید علامت
صلح و آرامش مؤقتی را نشان میدهد .

ه : بالاشدن شمشیر بشکل تیغه وراست
حالت حاضر بودن و مقابله با دشمن را نشان
میدهد .

و : بالاشدن شمشیر ازطرف ما و یا دشمن
بشکل عریض دو انجام آن بدست گرفته شده

باشد قبضه و نوک شمشیر بدست باشد حالت
اسیر گرفتن دشمن را نشان میدهد .

ز : بالا کردن شمشیر یا بالا کردن تفنگ
به اطراف سر خود در حرکت آوردن غلبه و فشار
بالای دشمن را نشان میدهد .

خ : بالا کردن شمشیر و یا تفنگ بشکل عادی آماده
هر نوع قربانی و ایثار مقابل دشمن بوده که قبضه
شمشیر و تفنگ بطرف پائین و سر آن بطرف
بالا باشد قسمیکه از خود ما دور گرفته شده باشد .

ارتباطی ما در بین دشمن به چه ترتیب باشد :

ارتباطی ما در بین افراد دشمن عبارت از آن
فرد مطمئن ، با تعهد ، هم نظر ، هم عقیده و هم فکر ما
بوده که قبلاً بخاطر فعالیت مخفی و زیر زمینی بدون
انکه شناخته شود و یا خودش بکسی خود را معرفی

کند از طرف ما تعیین شده است که برای وی وظیفه
منظور هدف خویش را سپرده ایم و در اجرای برنامه
مشخص تعیین شده ارتباطی با ما مسئولیت دارد
با ما همکاری و معاونت مشترک خویش را تا اندازه
قدرت خود بنماید و در صورت لزوم دشمن را
از درون ضربه بزند و نابود نماید و بعد از اتمام
فعالیت ، فعالیت خود را بما بررسی نماید تا ما توانسته
باشیم روی فعالیت و راپورهای مسندوی معلومات
حاصله را حل مشکل نمائیم .

۱ ـ نفر ارتباطی در بین قطعه دشمن کوشش
نماید که چهره اش افشا شده نباشد و همه
کس او را نشناسد ، از افراد هوشیار ، پائین
به بالا ارتباطی وظیفه خود را شروع کند ، بوسیله
رساندن مطلب بدوست باشد .

۲ ـ نفر ارتباطی ما باید قبلاً در طرز فکر ، عقیده
ولسان دشمن معلومات داشته باشد و قسمی

به آنها خود را نزدیک بسازد، دشمن او را از
خود بداند و شریک کارهای دشمن قرار گیرد
تا از نزدیک در تمام کارهای آنها سهم فعالیت
را کسب کرده و راز آنها را با خود حاصل داشته
باشد.

۳ - نفرهای ارتباطی ما نباید در بین قوای دشمن
آنجا که وفاداران طرز فکر، عقیده دشمن موجود
است بیان حقایق را کند بلکه با چهره آنها تا حدی
که اسلام اجازه میدهد سازش کند و کوشش
نماید که افراد را بر علیه دشمن بشوراند و به قیام
وادار نماید و آهسته آهسته طرفدار بخود پیدا
کرده یکروز افراد دشمن را یک بهانه مقابل دشمن
بسیج نماید و با خلق کردن توطیه از قدرت دشمن
بکاهد.

۴ - نفر ارتباطی ما باید کوشش کند که قدرت رهبری
و کلید راز دشمن را تا حد امکان در بین دشمن

بدستش بیاید و در دادن نظر در اجرائیه قوای دشمن نظر مخالف را بخود در موقع که حساس است بگیرد و مقابل آن قدرت دشمن که واقعاً کار می‌کند مانع و سد شوید و یا آنرا تخریب عاقلانه نمائید .

امنیت منطقه چطور گرفته میشود :

مجاهدین در شناخت خود شناخت راه خود شناخت منطقه ، اندازهٔ قدرت افراد و سلاح پایگاه خویش بیک شناخت عینی ظاهری ، درونی ، فکری و معنوی ضرورت عالی و دوامدار بکار دارند که نقاط بارز ، نیرنگی ، افراد فعال ، افراد ضعیف ، ترسو و خوفناک را همه بشناسیم و از طرف دیگر دوست را از دشمن فرق کرده بتوانیم تا دشمن بشکل جاسوس ، راپورچی و نفر خویش را در بین ما موظف ساخته نتوانند تا ما از درون هرچه که با ماست

ضربه بخوریم و دشمن اطلاع مکمل بدست نداشته باشند.

۱ ـ قوای خویش را ما مجاهدین بصورت منظم پوسته، پوسته ساخته و نقاط مربوط را بین مجاهدین گروپ وار تقسیم می کنیم و به اندازهٔ سلاح خود از نقطه تعین شده در وقت خطر وآمدن قوای دشمن دفاع می کنیم و راپور شفری بین ما برقرار می باشد تا اطمینان ما زنده وقوی باشد.

نقطه نیرنگی :

عبارت از آن نقاط و محل معلوم و آشکار است که مقابل ما قرار دارد که ما آنرا بدید اول خویش بچشم سر و یا دوربین مشاهده می کنیم مثلاً :

درآمدن یک نفر روسی که با یونیفورم مشخص و قیافه جدا از ما دیده میشود در بین مجاهدین نقطه بارزو

و نیرنگی می باشد و یا دیدن ما بار اول از خواجه مسافر
علیه الرحمه تا کوتی ستاره پشه ئی یعنی مشاهده
میشود که همین کوتی ستاره نقطه نیرنگی است که
این نقطه را نقطه بارز هم گفته میتوانیم .

اسم معرفت :

عبارت از قرارداد انتخابی است که از طرف
قوماندان قرارگاه و افراد مسئول قوا وضع و
تعین می شود و به سلسله مسئول بودن افراد
کارکنان برآنها میرسد و از نگهداری راز تعین
شده با قیمت خون خود مسولیت داریم دفاع
شود که کلید مستحکم قطعه ما یان بدست دشمن
نیفتد در حالت اضطراری با افشاء شدن اسم
معرفت ، اسم معرفت فی الحال عوض شود و به
همه افراد دوست رسانده و تفهیم شود .

قوماندان فعال :

یک قوماندان فعال شخص معقول و آگاهیست
که در درجه اول با ساحه بود و باش خودش
و منطقه دشمن، تا حد ممکن دوست، سلاح دشمن
و سلاح دوست را دانسته، گفته های راست
و دروغ مردم را در نظر گرفته و به همه چیز ارزش
میدهد و آن چیز سدشدگی را هم بداند و برای
شکستاندن سد وارد شدگی آگاهانه و دلیرانه
بصورت جدی عمل نماید و گفته های بی اساس را
که باعث ضایع وقت میگردد اهمیت ندهد و در هیچ
حالت از شنیدن سخن های راست و دروغ غرق
در خیالات نشود و یک جانبه فکر ننماید، همه جوانب
در فکر قوماندان جا داشته باشد .

ترصد :

روی

عبارت از دیدن و پالیدن اطراف پیش وعقب بوده که از نزدیک شروع وبطرف دور ادامه دادن است .

۱ ـ در ترصد زمینی وهوائی در جائی قرار بگیریم که شعاع آفتاب ، دوربین ، آینه ، میل تفنگ ما را جلایش آنرا دشمن نبیند ما باید قسمی ترصد کنیم که بدید دشمن از محل بود و باش آنها معلوم نشویم البته از بین جنگل زارها ، بته ها ، عقب دیوارها زیر درختان ، وسه های اراضی استفاده میشود تا دشمن را خوب تحت نظر خویش آورده بتوانیم واز طرف دیگر ارتباط ما بین دشمن و برادران برقرار باشد .

عملیات :

عبارت از عملی ساختن یک

برنامه فکری است که از یک عقیده نشئت و سرچشمه میگیرد و ما آنرا مطابق برنامه قبول شده گی پیاده کرده و عملی می سازیم که بحالت برخورد ، ضربه زدن تصادمات ، پی گیر آنرا آشکار می بینیم و در چنین برنامه هدف ما حاکم شدن حق و برچیدن بساط باطل و ظلم است .

رفتار مجاهدین در شب :

مجاهدین ما در وقت شب بشکل قطار دولینه یکی عقب دیگر بفاصله یکنیم متر و میان (منغ) نیم متر از یک منطقه به منطقه دیگر بدون غالمغال و سروصدای بی مورد به آهستگی آهسته گذاشتن پای بالای اراضی راه میرود و میگذرد و کوشش شود که با داشتن شفر معین همه فهمیده حرکت کنند و به هیچکس حق داده نشود که نو وارد داخل قطار ولین ما شود .

۱ - مجاهدان در شناخت تعداد خود متوجه باشند.
۲ - انتخاب راه نزد خود مجاهد در نظر گرفته شود.
۳ - تعیین کاشف و مترصد قبلاً شده باشد و مجاهد به جهتی که میروند مترصدین از مجاهد بیست یا بیست و پنج متر پیش حرکت کنند و با دیدن دشمن یک نفر از مترصدین برگردند و را پور مطمئن و ثابت به قوماندان یا گروپ خویش بدهند.
۴ - ارتباط نظری را مترصدین کوشش کنند از دشمن از دست ندهند.
۵ - در تقسیمات وظیفه هر برادر کوشش نمایند که وظیفه را بخوبی انجام دهند و مجاهدین مطمئنانه قدم بقدم پیش بروند و بجای و نقطه ایکه منظور نهائی مجاهدین است تلاش نمایند برسند و در صورت امکان اگر برادر قدرت داشت کار برادر دیگر را انجام دهد بدنیت.

کشف :

عبارت از معلومات درست ، اخبار مکمل و مفصل در باره دشمن جمع آوری نمودن و بعداً بمرکزیت خویش آنرا سپردن بقرار شرح ذیل :

الف : کشف ذریعه دوربین که تعداد براوان از دو نفر شروع الی سه نفر می باشد راجع بدشمن اخبار جمع نموده و بصورت پنهانی اجرا میگردد البته این نفرها از محل دشمن می باشند که با ما داخل ارتباط هستند .

ب : کشف ذریعه گروپ جنگی که این گروپ بالای سلاح ، دوربین ، ساعت دستی ، قطب نما و نان یک شبانه روز را می داشته باشند تعداد این گروپ از پنج الی پانزده نفر میباشد که اخبار جمع می نمایند و اگر کدام جای دشمن به همراه شان مقابله کرد با دشمن می جنگند .

کشف قایم :

عبارت از گروپی میباشند که جهت محافظه چارچ های مدفون شده ما فعالیت می کنند، و همچنان در وقت وقوع دشمن توجه تانکهارا بخود می گردانند و برای آنها یک سد واقع میشود تا وقتیکه دشمن تلف شود .

کشف حفاظتی :

عبارت از گروپی می باشد که محافظت قوماندان را مینماید وهم از محل عملیات در مجموع معلومات را حاصل میدارند .

وظایف گروپهای کشف :

۱ - حاصل کردن اخبار درباره طاقت وقدرت دشمن

۲ - معلومات درباره مقدار سلاح دشمن و محل آن

۳ - معلومات درباره قوای هوائی دشمن یعنی (سیم دار) مین ها وغیره .

۴ - معلومات در باره تکتیک جنگی دشمن .

۵ - معلومات راجع به هدف ما ، قدرت و طاقت دشمن در آن .

۶ - معلومات درباره پهره دار های دشمن .

۷ - معلومات درباره عادت دشمن که چه مصروفیت را بخود می گیرند و وقت حمله ما کدام وقت است .

۸ - معلومات درباره راه رفت و آمد به هدف .

۹ - تعین اهداف مانند پلها ، دیپو ، سلاحکوت ذخیره نفتی ، ذخیره مواد ارتزاقی ، مرکز تجمع دشمن ذخیره برق ، مخابرات وغیره چیز ها .

۱۰ - معلومات درباره علاقه دشمن (حالت طبیعی مانند تپه ها ، پشته ها ، بلندی ها ، پشتی ها وغیره

۱۱ - تعین راه رفت و آمد مجاهدین و وقت

پهره وگزمه دشمن

۱۲ - تعین ساعت و وقت نان خوردن دشمن
باید گروپ کشف ما بصورت صحیح و درست مواد ات
فوق را اطمینان بخش بدست آرند .

نوت : تعریف دیگر کشف :

عبارت از معلومات و اطلاعات حاصله ایست
که ما بصورت آگاهانه راز دشمن ، جای بود
و باش دشمن ، قرارگاه دشمن ، دیپو وسلاحکوت
دشمن ، روغنیات ، تلویزیون ، مخابرات ، رادیو
ذخیرهٔ برق وغیره چیز ها را از دشمن بدست
می آوریم ونقشه مکمل آن بدست ما میرسد وبرادر
کشف مینمایند برآنها لازم است تا آگاه باسواد
بوده باشند واز طرف دیگر صبر و حوصله مد نظر
است که درصورت رسیدن به محل دشمن بتواند تمام

جوانب و موجودیت دشمن را بررسی نمایند و در حالت
دستگیر شدن راز دوست را بدشمن ندهند و افشا
نسازند و چیزیکه می بینند و یا می شنوند در حالت
کشف بدون کدام کم و زیاد آنرا به نفرهای مسئول
خود برسانند تا اجرا آتشیکه در نظر است عملی شود .

تخمین مسافه و یا معلوم کردن مسافه :

۱ — درصورتیکه کیلومتری فاصله برای مجاهدین
ثابت نباشد برادران باید ذریعهٔ چشم با گرفتن
یک نقطه ، که آن نقطه را ابتداء شروع تخمین
دانسته از حصه نشانی فاصله تخمین و اندازه -
می گیریم ، بطور مثال از نقطه بارز نمبر۱ طرف
شمال تا نزدیک ما سه صد متر می باشد .
۲ — مجاهدین فاصله را با تعین نشانگاه تفنگ
خویش با اجرای فیر و آتش اندازه میگیرند مثلاً

نشانگاه تفنگ روکش را در پنجصد متر عیار بسازند
و بعداً فیر و آتش شروع کنند ، مرمی تفنگ
وقتی که با برآمدن خودش از دهن میل به نقطه آخرین
قدرت خود رسید و در نقطه ایکه مرمی اصابت میکند
از همان نقطه شروع تا موضع و فیر یکه ما قرار
داریم پنجصد متر می باشد .

۳ - مجاهدین توسط خیز انگشت کلان دست
راست خود مسافه را بدین ترتیب پیدا می کنند
انگشت دست راست خود را بسمت پیش روی
خود تا جائیکه امکان دارد ، دراز می کنند و بعداً
توسط یک چشم مانند هدفیکه در تفنگ نشان
می گیرد ، بهمین ترتیب می بینند و باز همان چشم
را بسته کرده توسط چشم دیگر نشان میگیرد
فاصله بین هدف و انگشت خود را تشخیص داده -
ضرب ده می کنیم حاصل ما فاصلهٔ مطلوب است .

۴ - مجاهدین برای پیدا کردن فاصله به اراضی

قدم میزند و راه میرونا ، قدم های خویش را حساب میگیرند و بعداً مجموع قدم های خود را ضرب سه و تقسیم چهار کرده فاصلهٔ ایکه بدست می آید فاصله مدنظر می باشد .

۵ - بخاطر پیدا کردن و پیدا نمودن فاصله چند نفر برادران را از نقطهٔ به نقطهٔ دیگر روان شوند و بعداً نظریات چند برادران در نظر گرفته شود نظریات نزدیک که باهم نزدیک باشد آنرا جمع می کنیم و بعداً تقسیم تعداد همان افراد می کنیم حاصل آن فاصلهٔ مدنظر است .

۶ - برای پیدا کردن فاصلهٔ ما فاصلهٔ اصلی را . نصف نموده و آنرا به نوبه نصف و نصف نصف نموده تا انیکه بیک واحد معلوم برسیم و بعداً تمام نصف ها را جمع می کنیم فاصلهٔ اصلی بدست می آید .

مسئولیت یک قوماندان مسلمان :

قوماندان مسلمان همه چیز را در برابر نام الله "ج" وحاکمیت بخشیدن قانون خداوند "ج" توسط خلق الله و تمام مزایای زندگی مادی بر خلق الله بی ارزش دانسته در درجه اول مرگ را بر زندگی ذلت بار ترجیح داده و افراد خویش را نیز باعین روحیه آماده فعالیت ساخته الگوی زار رهنمایی های اسلامی و انسانی میباید و زندگی را تلاش در راه معرفت الله جل جلاله و مسیر حق دانسته و باعقیده خود فیصله نماید که برای همین کار آفریده شده ام .

وظیفه قوماندان در حال عملیات :

قوماندان وظیفه دارد امر بالمعروف ونهی از منکر را بحیث یک اصل تکتیک در هر نوع فعالیت و اجرا آت

حالا تیکه در تعین مسافه با لای چشم تاثیر می کند

الف : هدف هائیکه از اصل مسافه نزدیک معلوم میشوند چند دلیل دارد :

۱ - اگر در بین ما و هدف فاصله پنهانی موجود باشد مانند : دریا ، پشته قول ، فاصله از اصل مسافه نزدیک معلوم می شود .

۲ - اگر اهداف در دشت و سطح هموار قرار داشته باشد هدف از اصل مسافه نزدیک معلوم می شود .

۳ - اگر روشنی پیش روی قرار داشته باشد هدف از اصل مسافه نزدیک معلوم میشود .

۴ - اگر هدف در بین اجسام خورد ، خورد قرار داشته باشد از اصل مسافه نزدیک معلوم می شود .

چرا هدف از اصل مسافه دور معلوم میشود :

جواب :

۱ - درصورتیکه در کوچه های تنگ موقعیت داشته باشد درین وقت هدف خوردتر و فاصله از اصل فاصله دور معلوم می شود .

۲ - اگر هدف در بین اجسام بزرگ قرار داشته باشد هدف از اصل مسافه دور معلوم میشود .

۳ - در حالت پروت هدف دورتر از اصل هدف معلوم می شود .

خوبی معلوم بودن مسافه :

۱ - درصورت تشخیص درست مسافه مرمی ما به هدف میخورد .

۲ - بواسطه تعین مسافه درست ، مرمی خوب

به هدف میخورد .

۳ - بواسطه تعیین فاصله درست دشمن بدون کدام خبر از بین میرود .

نوت : بخاطر بهتر تشریح کمین خصوصیات ذیل را در نظر می گیریم :

خصوصیات علاقه های خوب کمینگاه :

۱ - کمین از نظر قوای هوائی و زمینی دشمن پنهان باشد

۲ - در کمین از نظر دشمن خاطر جمع بوده و علاقه های دشوار انتخاب گردد .

۳ - کمین حداقل دو راه فرار و عقب نشینی داشته باشد و راه به پناه گاه نزدیک باشد .

۴ - کمین از مناطق آباد و راه ها دور باشد و در نزدیک راهی هدف نزدیک باشد .

۵ ـ کمین باید جای آرام و مصئون بوده باشد و از تعرض آنی دشمن برای دو الی سه ساعت می بدین توانسته باشند در حالت عادی جای خوب پناه گاه را دارا باشند .

۶ ـ کمینگاه باید در جوار نزدیک قوای دفاعی دشمن که به کمک قوای متحرک دشمن بظرف یک ساعت رسیده بتوانند قرار نداشته باشد ، دورتر از فرقه و میدان هوائی دشمن باشد

۷ ـ کمین گاه باید در یک جای بلند انتخاب شود و تا ساحه دید ما فراخی داشته باشد .

۸ ـ کمینگاه از هدف نه بسیار دور و نه بسیار نزدیک باشد بلکه حد وسط فیر مؤثر ما باشد .

۹ ـ کمین گاه قسمی راه آن انتخاب شود که زمینه فرار بصورت فوری و آنی آماده باشد و در وقت اضطراری و خطر صد فیصد ما تحت آتش دشمن همه از بین نرویم .

۱۰ - درکمین گاه کوشش شود که در وقت فیر و آتش ما سلاح در مقابل شعاع آفتاب قرار نگیرد تا از دید و تعرض قوای هوائی کمی مصئون بمانیم.

۱۱ - در وقت فرار قوای زمینی دشمن ما در دوالی سه نقطه کمین گرفته باشیم و در وقت نزدیک شدن قوای دشمن بطرف ما از نقاط دیگر کمین گاه از طرف ما فیر و آتش بالای قوای فراری و یا متعرض دشمن ضربه های متواتر شروع شود.

۱۲ - در گرفتن یک کمین حد اوسط باید دشمن در وقت فیر و آتش ما در وحشت و ترس قرار گیرند و نتوانند از قوماندان و سلاح دست داشته خود استفاده نمایند.

وظایف عمده در یک کمینگاه :

الف : انتخاب محل بلند برای گروپ اشاره بخاطر ترصد .

ب : نقاط بارز امنیتی برای جابجاشدن گروپ اشاره در وقت ترصد .

ج : تقسیمات وظیفوی ذریعه شخص قوماندان باید صورت گیرد و بهر گروپ فهمانده شود که هر گروپ بعد از ختم عملیات به جهتی که قرار دارند یک کیلومتر مسیر خویش را در صورت بودن راه طی کنند و بعداً از راه که کمی مطمئن باشد در محل تجمع خویش جمع شوند .

د : مجاهدین وقتی که در محل تجمع رسیدند با گرفتن مکمل راپور امنیت وخیریت ، باید از محل تجمع اول درجای مصئون تر بروند .

ه : در وقت کمین گرفتن مجاهدین ما هرفرد

وهر گروپ مسئولیت دارند که وظیفه خود را بطور احسن
وخوب بشناسند و در آنجا جدیت و بیداری از خود
نشان بدهند .

و : مجاهدین در کمین گاه قبل از اطلاع گروپ
اشاره وگروپ ترصد همه باید سلاح خود را مقابل
نمایند و داخل سلاح پاک ولته کش شود
وقید و یا ضامن سلاح بحال فیر و آتش قرار بگیرد
که بار دوم بارسیدن قوای وارخطا و پریشان نشوند

ز : گروپ اشاره در کمین گاه باید بیقرار بین وصبور
باشند که بدیگر کارها خود را مشغول نسازند
وهمه باید در نقاط بارز به ترتیب منظم جابجا شوند
وگوش به فرمانده باشند .

خ : در کمین گاه نشان حفاظتی باید بفاصله
پنجصد متر دورتر گذاشته شود و تمام افراد گروپ
قبلاً از آن باخبر باشند و در جریان جنگ
با دشمن مقاومت بر اران نقاط بارز خیلی مهم

وارزنده می باشد که سبب پیشرفت برادران در جنگ می شود

ط : در کمین گاه ارتباط بین برادران و قوماندان بسیار آگاهانه باشد و بشکل برق راپور خیریت وامنیت داده شود .

کارهای ممنوعه در کمین گاه :

۱ - در یک کمین گاه اگرچه محفوظ و بی امن باشد نباید از یک شبانه روز اضافه سیری گردد

۲ - در خریطه (نقشه) نباید محل و جای کمین گاه نشانی شود که کلیه بدست دشمن می افتد .

۳ - شکل طبیعی اراضی را نباید خراب کرد .

۴ - از سخن زدن و حرکات بیمورد اجتناب کرد

۵ - آتش قسمی باشد که دود نداشته باشد و باید سلاح لمبه پت داشته باشد و از مرمی بسیام در کمین گاه استفاده نشود .

۶ - در کمین گاه تبدیل عادات باید صورت گیرد .
۷ - از تبدیل کمین گاه جز معاون دیگران باید اطلاع نداشته باشند .
۸ - در کمین گاه از آمدن حیوانات جلوگیری گردد
۹ - در فرار از کمین گاه نشانه های حفاظتی همه از بین برده شوند .
۱۰ - اگر تعرض در کمین گاه صورت گیرد نباید بشکل دسته جمعی از یک راه فرار کرد اولاً برادران تثبیت و پراگنده شوند و بعداً منفرداً نه کمین گاه را تخلیه کنند .
۱۱ - اسم شب هر شب تبدیل شود و در وقت جنگ اگر گمان میرفت که اسم شب افشا شده فوراً عوض شود و در روز هم بدین ترتیب عمل شود
۱۲ - خبر رسان اشاره را فراموش نکنند و هم افراد اشاره او را فراموش نکنند در کمین گاه همه افراد زیرک و هوشیار باید جمع شده باشند .

راه گیری :

عبارت از یک حمله ناگهانی بالای کاروان قوه ها متحرک و اهداف متحرک می باشد و به مقصد ذیل اجرا می شود :

۱ - بغرض ترساندن و وحشت برای دشمن

۲ - بغرض تعین جهت و استقامت دشمن.

۳ - نیرو یا قوای زیاد دشمن را بخاطر حفظ کردن راه ها ، پل ها ، استیشن های رادیو ، تانک تیل ، مخابرات ، وغیره مصروف نگهداشته تا در مناطق دیگر از آن استفاده نمایند .

۴ - راه اکمالات را قطع نمودن یعنی آوردن خرچ و بعضی مهمات دیگر را بند ساختن .

۵ - جلوگیری از معلومات حاصل نمودن و کشف دشمن .

۶ - مانع شدن قوای دشمن را از تلاش های

خود دانسته و جزئیات عملیات و جنگ از حمله گرفته تا راه بازگشت و عقب نشینی به همه افراد خود قبلاً تفهیم نماید و افراد را آگاهانه و دانسته در اجرای برنامه جنگی بحرکت بیاورد نه خود او و نه افرادش کورکورانه حرکت نماید، از حرکات غیرمعقول بپرهیزد، اهمیت سرعت عمل و وقت را از نظر دور نداشته باشند.

مسئولیت افراد در حال جنگ:

همه مجاهدین مؤمن آگاه و با هدف موظف اند که از محل و سنگر سپرده شده، حراست نموده در نگهداری آن تا جان در تن دارند دفاع نمایند و برادران مجاهد تا آنجا حق دارند بسوی هدف پیش بروند که قوماندان برای شان تعین کرده و قدرت انانی خودشان برای شان اجازه میدهد و از قوماندان تا وقتی پیروی و اطاعت کنند که اعمال و هدایات او مطابق به اصول

ضرر رسانی آنها برای مردم منطقه .

۷ ـ مانع شدن سنگر بندی و موضع گیری دشمن برای وقت مؤقتی در نیمه راه .

نوت :

در حمله راه گیری دو چیز در نظر گرفته شود :

۱ ـ حمله فوری و منظم ، گروپکی و انفرادی بالای دشمن در حال حرکت به زمان معین با در نظر داشت اشاره ، اسم معرفت و پناه گاه به امن عمل نمائیم .

۲ ـ حمله ما روی شناخت و نقشه و پلان باشد که قوای مهم و ارزنده دشمن را در یابیم و بالای آنها ضربه ، فیر و آتش را شروع نموده تا هدفی که در نظر است در بالای آن موفق بگردیم .

اقسام هدف در یک حمله :

الف : بالای نفر پیادهٔ دشمن .

ب : بالای کاروان سوارهٔ دشمن .

ج : بالای کاروانهائیکه مواد را انتقال میدهند .

د : با داشتن نامنویسی قبلی دشمن بالای کاروان هائیکه سواری مردم عوام در نیمه راه حمله نمودن وکوشش شود که کسی از مردم عوام ولی گناه از بین نروند وبعد از بررسی تلاشی مکمل موترها وسواری کارت ها وشناسنامه های همه مردم سواری دیده شوند شاید به اساس راپور قبلی بما هدف ثابت شده و دریابیم .

انتخاب هدف درحمله :

۱ - رساندن خساره زیاد بدشمن .

۲ ـ بواسطه تعداد نفر کم خود را به هدف رسانده وخسارات زیاد را بدشمن رساندن وضرر کم را نسبت بخود متحمل شدن .

۳ ـ امکان موفقیت حتمی و راه برگشت خوب را انتخاب کردن .

۴ ـ بهم برادران سلامت وموجودیت آنها مهم دانستن .

۵ ـ باداون تلفات ضربه سنگین بالای دشمن واردساختن وبعد از آن معنویات را درنظر گرفتن

حمله درمراحل ذیل اجرا شود :

الف : اول آماده وتیار باشند برادران .

ب : دروقت فشار دشمن و یا فشار خود ما بالای دشمن حمله صورت گیرد . دشمن

نوت : وقتی درباره موضع ، سنگر ، وسایل

اطلاعات مکمل بدست آوردیم و انتخاب راه ها در
نظر داشت پلان ما برای از بین بردن دشمن ایجاد
گردد اینجاست که نوع هدف وجسامت آن درنظر
گرفته شود :

۱ ـ تشخیص عراده جات ، تعداد محافظین وجای آن

۲ ـ وقت حرکت بسوی هدف شب است یا روز

۳ ـ ساعات حرکت بطرف هدف .

۴ ـ عادات محافظین درحالت عامه و عادی
چه عادت دارند ، چرسی ، شرابی ، قمار باز ، عیاش
وغیره .

۵ ـ جای حفاظتی وانضباطی دشمن را معلوم کردن

تدابیر خردمندانه یا اخبار تکتیکی :

۱ ـ موقعیت اراضی را ملاحظه کردن .

۲ ـ زمین صاف بغرض انتخاب شود .

۳ - راه برگشت خوب و بهترین راه ها انتخاب شود

۴ - محدود کردن حرکت دشمن در مناطق کوه ها و دره ها و غیره .

۵ - خود را از نظر گروپ های بعدی پنهان کردن یعنی استفاده از عوارض طبیعی تا از آتش دشمن محفوظ بمانیم .

مرحلهٔ عملیات :

در مرحلهٔ عملیات نکات ذیل را باید بخاطر داشت :

۱ - موضع گرفتن و جابجا شدن در وقت تاریکی و شب صورت گیرد .

۲ - ممانعت طبیعی کوشش شود از بین برده نشود و از آن استفاده گردد .

۳ - در موضع از کشیدن چرس ، سگرت ، و سرو صدای بیمورد خود داری شود .

۴ ـ انتخاب موضع برای هرفرد از برادران قسمی باشد که در فیر و آتش همجوار خویش را از بین نبرند و پیش روی ما پاک و صاف باشد وکسی از ـ مجاهدین قرار نداشته باشند تا آتش مؤثر ما بالای دشمن اجرا شود.

۵ ـ نفرهای اشاره به نقاط حاکم موقعیت داشته باشند که با رسیدن قوای دشمن بما اطلاع بدهند.

۶ ـ در جریان عملیات هم وظیفهٔ سپرده شده و معین خویش را بفراموشی نسپرده و وظیفه فرد فرد است که صادقانه و شجاعانه بالای دشمن عمل کنند.

۷ ـ در موقع موسم اقلیمی هرفصل باید از خود مقاومت و استقامت نشان داده و با شرایط مشکل زندگی ـ آشنا بوده ناز پرور و نازک طبعیت نباشیم مرد ـ روزگار باشیم « دو صد مرد جنگی به از صد هزار ».

۸ ـ هرنفر برادران از سلاح که قبلاً برایش تعین شده استفاده نمایند و هرکس از برادران نمبر نوع

سلاح خود را بشناسند .

۹ - بعد از صدور فرمانده ، فرماندان هر فرد باشجاعت و دلیری با در نظر داشت تعلیمات وقوانین جنگ بصورت جدی کار و عمل نمایند .

۱۰ - بخاطر سپردن اشاره عقب نشینی قبلاً برادران از اشاره فهمیده باشند و با صدور اشاره عقب نشینی همه باید عمل نمایند .

۱۱ - اطاعت از فرماندان در هرحال در نظم و موفقیت برادران تاثیر مثبت دارد و موفقیت نصیب کسانی است که با اراده و منظم باشند .

۱۲ - بعد از ترک محل عملیات ما باید از خود هیچ نشانه بجای نگذاریم ، نشانه های اشاره قبل از حرکت برگشت از بین ببریم تا اراضی بشکل عادی در نظر بخورد

مرحلهٔ عقب نشینی :

۱ - در مرحله عقب نشینی اولاً همه به جهت خلاف مرکزیت پایگاه و قرارگاه مورد نظر عقب نشینی را شروع کنند و بعداً طرف مرکز اولی خود حرکت کنند .

۲ - در وقت عقب نشینی برادران کوشش کنند بطرف نقاط نیرنگی تحت آتش نروند .

۳ - برادران به راهی که دشمن همه وقت عبور و مرور دارند قوای کمکی برای افراد خویش هستند مجاهدین به آن راه نروند .

۴ - در عقب نشینی از راهی که حمله آوردیم در صورت افشاء دوباره به آن راه برنگردیم ، راه دومی را در پیش گیریم ، در شرایط اضطراری هر راه که بما آسان و نزدیک باشد به آن راه برویم

۵ - در وقت بازگشت از عملیات کوشش شود که همه برادران در محل تجمع جمع شوند و بعد از معلوما

تکمل و راپور خیریت از طرف همه سرگروپ ها محل تجمع را بگذاریم به جهت مرکزیت خویش برویم .

۶ - در وقت عقب نشینی کوشش شود - برادران زخمی و شهید در جای جنگ گذاشته نشوند ، برادران شهید و زخمی را به محل تحت تسلط خود برسانیم و اگر شرایط عقب نشینی بسیار خطرناک برما تمام میشد شهدای خویش را از محل راه دشمن یکطرف کنیم و مریضان را باخود تا صدیکه خود ما از بین نرویم باخود نقل دهیم .

چند چیز مهم و مفید در یک حمله :

الف : در جائیکه دشمن پناه گاه اشغال کرده میتواند باید ما قبلاً آنجای را تشخیص کرده مین گذاری نمائیم .

ب : حمله مجاهدین بالای کاروانهای معاونتی و امدادی دشمن کوشش شود زیاد اجرا شود .

ج : انتخاب موضع مجاهدین در نقاط حاکم محفوظ
تعیین شود تا دشمن با رسیدنش در ساحه نفوذ فیر
وآتش تحت فشار وآتش مجاهد قرار بگیرند وراه
فرار آنها گم شود .

د : برادران مجاهد کوشش کنند در وقت آمدن
با برگشت قوای دشمن مقابل آنها از سلاح های
دور زن بخاطر قوماندان ، قرارگاه ، مخابرات
وتانک های تیل کهکی آنها استفاده شود .

ه : اگر در وقت حمله دشمن وعقب نشینی خود
تان یک تعداد از قوای دشمن را تحت فیر وآتش
قرار بدهید و یک تعداد از برادران بم های دود
وغبار را منفجر بسازند تا یک مانع دید ومشاهده
مقابل قوای دشمن قرار گیرد واز تعرض قوای
متباقی دشمن به امن شوید .

و : در وقت حمله دشمن موضع وسنگر باید مخفی
گرفته شود وبرای هر فرد از برادران وظیفه مطابق

وارزشهای والای اسلام باشد ، افراد مکلفیت
ندارند که از اوامر نا جائز وخلاف شریعت کس در هیچ
حال اطاعت کنند .

وظیفه یك مجاهد در مقابل مردم :

مجاهد در شرایط کنونی افغانستان باید معنی کلمه
جهاد را بداند . جهاد عبارت از جد وجهد ، پیکار
وتلاش بجان ، مال ، زبان در راه خدا و برای
از بین بردن حکومت جباران و ملحدین کمونست
برمسلمان است تا برای حصول رضای پروردگار «ج»
و اعلای کلمه الله وحاکمیت بخشیدن عدل والصاف
برجامعه بدون درنظر داشت اهداف مادی
قیام نموده وهموازه مفهوم واقعی جهاد را برخود
ومردم خویش حاکم سازد

بسم الله الرحمن الرحیم

دشمن :

عبارت از قدرت و نیرویی است که هدف
از بین بردن ما و ارمان ما است و در هیچ صورت
با ما وجه اشتراکی ندارد و در هر زمان و مکان و شرایط
میخواهد تلاش و سعی نماید که عوض ما جانشین شود ،
و تمام امتیازات ، اختیارات ، موجودیت ، استقلال
و قدرت سیاسی ما را سلب نماید و از طرف دیگر توانسته
باشد در جای ما موجودیت حاصل نماید .

قدرت آنها داده شود و وظیفه هر گروپ در پلان قبلی تعین شود .

ز : در وقت حمله ما بالای دشمن ، دشمن کوشش میکند که اول قوماندان ما را خلع سلاح ، فلج و یا شهید نمایند تا ما بدون قوماندان و بی سرپرست شویم و اینجاست انارشی گری ، بی نظمی در بین ما خلق و پیدا می شود . بناءً ما در هر جنگی که قرار میگیریم قبلاً معاون جنگ ما تعین باشد که با از بین رفتن قوماندان ، قوماندهٔ را معاون بدوش خود بگیرد و - افراد از بی نظمی و پراگندگی در امان ما نند .

حمله از نگاه وقت بشرح ذیل میشود :

۱ - حمله و هجوم در روز .

۲ - تعداد نفر درین وقت زیاد و ساحه تسلط هم باید زیاد باشد و نفوذ سلاح ما دشمن را تحت فیر و آتش آورده بتواند .

۳ - از فاصله دور دشمن با فیرهای وقفه‌دار ما باید تحت فیر و آتش قرار بگیرند و با رسیدن قوای هوائی دشمن کوشش شود که بسیار حرکت نکنیم که موضع ما افشاء نشود و با گذشتن چند متر طیارات دشمن، آتش بالای قوای زمینی آنها ادامه داشته باشد.

۴ - در وقت حمله تمام گروپ‌های تحت یک فرمانده، ارتباط چشمی بین خود داشته باشند و بشکل متخاصم عمومی با دشمن، و با رسیدن قوای دشمن گروپ متعرض ما به تعرض خود شروع نمایند و با صدای فیر و آتش گروپ تعرض همه باید بالای دشمن تعرض کنیم و دشمن را از هر کنج و کنار ضربه بالای آنها وارد شود.

۵ - در وقت حمله موضع اول و یا اول مجاهدین آتش پرده را بالای دشمن طور مسلسل قبل از موضع گرفتن دشمن آغاز نمایند و اگر دشمن ناتوان شد

تقرب برادران شروع شود و در غیر آن جنگ به درازا می کشد ، طول جنگ زیاد میشود باید فیر ها منفرد و وقفه دار شود و با طول کشیدن جنگ مهمات و مرمی های خویش را زود تر تمام نسازیم و در هر حال وضع جنگ از طرف برادران تشخیص شود و مرمی های دفاعی با خود داشته باشیم تا در موقع خطر صد فیصد از خود دفاع کنیم .

حمله در شب :

الف : اگر تعداد نفر کم و ساحه تسلط ما هم کم باشد دشمن را از فاصله نزدیک تحت آتش و فیر های خود گرفته میتوانیم .

ب : در حملهٔ شب از سلاح ناریه و چراغ استفاده نکرده شود .

ج : در حملهٔ شب از روشنی و صدا جداً خود داری شود

وهرفرد با استقامت خود مقابل دشمن به تقرب
بپردازد تا برادران جناح ها برای شان ضربه
وارد نشود .

د : در حملهٔ شب از موقع استفاده کرده
حرکت صورت گرفته میتواند و به انواع مختلف
تقرب شود .

احکامات عمومی حمله :

۱ - در حملهٔ مجاهدین قوماندان آنها قبلاً نقاط
هدف یعنی جای دشمن را به افراد امین و رازدار
خود پیش از نیم ساعت بمیان بگذارد و افراد واقف
از راز قوماندان تحت نظر میدانسته باشد تا نشود
که راز را افشاء سازند .

۲ - قوماندان قبل حمله بالای دشمن را بپور خبر
و یا اطلاع موجودیت دشمن را حاصل کرده و بعداً

حمله بالای دشمن صورت گیرد .

۳ - برادران قبل از حرکت بالای موضع دشمن همه افراد را معلومات ، آنها را با خود داشته باشد و اگر معلومات قبلی ندارد فوراً همه برادران سلاح و مهمات موجود را بررسی کرده رابپور صحیح آنرا بدست قوماندان یا سرگروپ بدهد .

۴ - مقصد حمله برای برادران فهمانده شود که امشب ساعت ده بجه شب بالای تانک های قرغه فرقه ۸ قرغه در نزدیک سرک پغمان در منطقه گولائی حوض قرغه تانکها می آیند و ما بالای شان حمله می کنیم و دشمن را به شکست مواجه میسازیم اشیاء غنیمتی آنها را با خود می آوریم و راه عقب نشینی و پس آمد از دامنه سرتپه محمد خیل پغمان بدون تصادمات و بروزات حادثه ناگهانی صورت میگیرد و همه باید موضوع را در یافته باشیم و با آن عمل نمایم و در محل تجمع

سه گنبد یغمان یکجا می شویم و بعداً به پایگاه خود در دره پشه لی یغمان میرویم .

۵ - در صورت حمله بالای دشمن کوشش شود که برادران موضع خود را نگذارند و اگر کسی از ما فرار میکرد دوباره او را در بین خود جای نمیدهیم و او را بعد از جنگ تحت محاکمه قرار میدهیم .

۶ - برای یک قوماندان و همه افراد لازم است که با سپردن کار به کسی و یا کسی را در یک کار موظف کرد ، در ختم کار با در جریان کار از او باز پرسی صورت گیرد و نتیجه کار کردن و کار نکردن ، نتیجه صداقت و خیانت را بررسی نمائیم و افراد صالح را مطابق اعمال نیکویش پاداش نیک به او بسپاریم و افراد بدسرزنش شده و اگر جرم زیاد داشت برایش جزا داده شود .

۷ - در حمله مجاهدین سرعت و فعال بودن را

باخود داشته باشند و تنبلی وقت را تلف میکند و تنبلی ما سبب می شود که دشمن جرئت حاصل کند بناءً باید دشمن در وحشت قرار داده شود .

نوت : ما حمله را در چهار مرحله اجرا میکنیم :

۱ - در حمله از مرکز اصلی شروع حرکت و بمرکز فرعی رسیدن می باشد .

۲ - حمله و کار ضربه زدن ما بالای دشمن در مواضع حمله ما صورت میگیرد و بعد از مراجعت بمرکز فرعی می آئیم و جا بجا برای دفاع و حتی تعرض دوم می آماده می باشیم

۳ - از مرکز فرعی حرکت مینمائیم و بهمه به مرکز اصلی خود را می رسانیم البته بعد از دم گرفتن و آراسته شدن دم به پناه گاه اصلی خود را می رسانیم

۴ - در حمله ترتیب گروپ بندی ، طریقه راه رفتن

جا های معینه وگروپ گشف هم درنظر گرفته میشوند
و وقت برای طی کردن مسافه راه و رسیدن
به هدف سنجیده میشود و باندازهٔ وقت که داریم
عملکرد خودرا درنظر می گیریم .

هدایات برای ارتباطی :

۱ ـ برای گروپ ارتباطی و افراد ارتباط به محل
دشمن وقت رفتن آنها را قوماندان واشنخاص
مسئول تعین مینماید و بعداً به افراد فهمانده میشود
که از وقت تعین شده پیش نروند و از وقت تعین
شده زیاد وقت را سپری ننمایند تا پلان مدنظر
قوماندان واشنخاص مسئول مدنظر برهم نخورد .
۲ ـ افراد واشنخاص مسئول ارتباطی از واپس
آمدن از محل دشمن ، خودرا به مرکز فرعی که برادران
اخذ کرده اند برسانند و راپور واصلهٔ خود را

بمیان گذارند وخبریکه شنیده ودیده ، همان چیزرا بگوید ، درخبرزیاد وکم نسازد که اصل ازمیان میرود و نتیجه کارمنفی میشود .

۳ - بعداز بررسی کامل دشمن را ازمرکزفرعی همه برادران برآیند وموضع را اخذ کنند میشود که نفر ارتباطی ما درطول راه دستگیرشود و در اثرفشاردشمن رازمارا افشا نموده ومارا بدشمن نشاندهی نماید اینجاست که ما درمرکز فرعی بایدنباشیم تا ضربه بی خبر از طرف دشمن نخوریم .

۴ - پیش ازرسیدن نفرارتباطی هیچکس ازبرادران حق ندارند قبل از وقت تعین شده ازمرکزیت قیرهای بیجا نمایند وخودسرانه بدون معلومات هرطرف را دعا کنند که دشمن است درحالیکه قضیه مجهول است .

۵ - شروع حمله ازمرکزفرعی بارا پوربدست آمدن دشمن آغازشود و تدبیرتعرض ودفاع را بگیریم

و راپور ارتباطی را بی ارزش نبینیم و باید همه برادران جدی عمل نمائیم .

۶ - در مرکز فرعی با وجود بدست آمدن راپور برادران برای بیست دقیقه وقت دارند تا بخاطر اجرای کارهای بعضی دیگر خود معطل باشند و بعداً به اقدامات عملی دست زده شود .

انتظام وانسجام :

برای یک جمعیت مسلمان ، یک قطعه نظامی باهدف در زندگی اجتماعی آنها نظم و دسپلین مهم و ارزش دار بوده و ثبات آنها را با بقای شان مقابل دشمن مستحکم و با دوام می سازد و در کار و امور زندگی موفقیت نصیب آنها میباشد بناءً مجاهدین مسلمان از وسایل دست داشته خود برای درهم کوبیدن دشمن منظم و با اراده همیشه

وظیفه گروپهای مجاهدین در حال جنگ :

بخاطر پیشبرد عملیات چریکی گروپ های ذیل ضروری می باشد :

۱ - گروپ تخریب .
۲ - گروپ تعرض .
۳ - گروپ دفاع .
۴ - گروپ حمل ونقل .
۵ - گروپ کشف .

هرگروپ مجاهدین وظیفه دارند تا بوظایف سپرده شده خود آگاهانه و جدی عمل نمایند به وظایف خویش به بی تفاوتی ننگرند و در اجرای کار یک گروپ اطمینان و کامیابی برای همه برادران شامل عملیات است و بی توجهی یک گروپ سبب غفلت ، تنبلی یا ضربه خوردن تمام گروپ های شامل میگردد ، کار نکردن یک گروپ کامیابی و زندگی

کار بگیرند .

الف : نظم در یک قطعهٔ مجاهدین دیوار فولادین برای آنها بوده و در صورت منظم استعمال سلاح با معنویات زنده و قوی خویش قطعه را مستحکم تر میسازد و با داشتن اراده قاطع میتوانند در - اندرون قوای دشمن در آمد کنند و قلب دشمن را پاره کرده بنا بودی دشمن بیانجامد .

ب : مجاهدین که در جنگ قوماندهٔ پیشرفت بطرف دشمن را دارند و نقاط سپرده شده را مطابق هدایات قوماندان خویش تا لحظ مرگ نگهداری - مینمایند و گروپ های دیگر از قبیل گروپ تعرض گروپ دفاع ، گروپ حمل و نقل ، گروپ امبولانس وخود گروپ امنیت وحتی گروپ مترصدین همه با مراعات نظم ایجابی جنگ وصحنه جنگ بنفع مجاهدین تمام میشود .

ج : با گذاشتن جای تعین شده که از طرف

فرماندان جنگ برای برادران مجاهد وظیفه داده شده
گذاشتنش باعث شکست مجاهدین در جنگ و مقابل
دشمن است که تاریخ از بی نظمی های جنگهای
جهانی اول و دوم حکایت دارد ، مثال زنده
آن سنگر جهاد از طرف مجاهدین که در تکتیک
جنگ وارد نیستند سنگر ها را می گذارند و یا
فریب دشمن را میخورند درین وقت دشمن جنگ را
طولانی میسازد تا همه چیز مجاهدین تمام شود و بعداً
دشمن به تقرب خود شروع می کند .

د : مجاهدین قبل از دیدن دشمن بالای آنها فیر و
آتش ننمایند و با دیدن دشمن اگر نزدیک معلوم میشود
ضربه های متواتر بالای دشمن صورت بگیرد و کوشش
شود که در جنگ ما مقابل دشمن بین برادران بی نظمی
ایجاد نشود .

ه : نظم و اداره خوب تکامل در جنگ بوده
و قطعه منظم با اجرای همه حرکات جنگی خویش دشمن

قوی را با سلاح مدرن و اصلی اش که در حال بی اعتمادی و پراگندگی اند سرانجام شکست داده آنها خورد می شوند .

در یک حمله تعین سرگروپها و اشارات قبل از جنگ :

۱ - برای یک قوماندان مسلمان لازم است که قبل از جنگ معاون و معاونین خود را تعین و با برادران مجاهد خویش معرفی دارد تا در موقع اضطراری و خطر بعد از شهادت قوماندان برادران زنده و متباقی بی نظم و بدون سرنوشت نمانند و شخص معتمد و مسئول قوماندهی دادن را بشناسند تا از او اطاعت کنند و جنگ مقابل دشمن دوام داشته باشد .

۲ - قبل از جنگ اشاره مخصوص بین برادران

مجاهد تعیین و نقاط محل اشاره در صورت بودن نقاط مستحکم جنگی برای برادران نشانی داده شود

۳ - نقاط محل اشاره از نظر دشمن مستور باشد و برای مجاهدین قابل دید باشد .

۴ - اشاره ها قرار ذیل برای مجاهدین فهمانده شود :

الف : تعیین اشاره توقف با سه فیر تفنگ بلیت تکه و یا چیز دیگر .

ب : تعیین اشاره حرکت بطرف دشمن و یا خلاف دشمن ، در روز با بلند کردن یک شی جلا دار از یک نقطه بارز و در شب با سه فیر مرمی رسام خلاف جهت از محل بارز .

ج : تعیین اشارهٔ وقت رسیدن به اصل هدف با وقفه فیر های سه مرمی و یا چیز دیگر بدین ترتیب که سه مرمی اول پی در پی فیر شود و یکدقیقه بگذرد و سه مرمی دیگر فیر شود و یکدقیقه بگذرد و سه مرمی دیگر فیر شود با ختم (۹) مرمی و گرفتن وقت سه دقیقه ما در هر نقطه

نزدیک به شنیدن صدای مرمی تفنگ باشیم، در حالی که برادران و فرماندهان ما به محل جنگ رسیده اند و اکنون جنگ بین برادران مجاهد و دشمن شروع شده است.

د : تعیین اشاره خطر برای دفعتاً در بین جنگ برادران باید پنج مرمی و یا هر اندازه که خودشان تعیین مینمایند، در موقع شب مرمی رسام بطرف فضاء انفرادی فیر کنند و برادران با دیدن چنین وضع بدانند خطر است و در موقع روز پنج مرمی فیر کنند و یکدقیقه بگذرد، پنج مرمی دیگر فیر کنند بعداً برادران بدانند خطر است.

ه : تعیین اشارهٔ آتش بردشمن توسط سلاح اتومات مسلسل برای بار اول هر اندازه که فیر میکنند شروع شود و سه دقیقه بگذرد و باز مجاهدین فیرهای مسلسل دیگر با دوام فیر های انفرادی ادامه دهند.

و : تعیین اشاره آتش بس باشش فیر انفرادی

و یا چیز دیگر باشد .

ز : تعیین اشاره بازگشت و عقب نشینی از محل همه سر گروپ ها سه سه فیر شروع نمایند و اول از قوماندان فیر شروع شود و فیر های همه بترتیب محاسبه فیر شود که باندازه سر گروپ ها فیر شده میدانیم که برادران همه فهمیده اند که بازگشت شروع شده و بوجود فیر راپور موجودیت در حرکت ما از همه گروپ ها باید به قوماندان و معاونش رسیده باشد و مطمئن شده بازگشت ما صورت گیرد .

خ : تعیین اسم معرفت توسط شخص ، ارسال کردن و بی سیم و تیلفون و یا قبلاً شفر برای سر گروپ ها روی هدف حسابی تعین شود و شام روز فیر ها هر اندازه که صورت می گیرد تعداد مرمی فیر شده به هر عددی که رسید نام شب یا اسم معرفت قیمت حروفی همان عدد برای مجاهدین درین شب است .

ط : تعین اسم معرفت برای همه گروپ ها در وقت جنگ از نزدیک بدور رسانده شود .

ظ : تعین اسم معرفت روی ساعت قوماندان همه ساعت های سرگروپ ها باید همرایش برابر باشد هر عددی را که قوماندان برای سرگروپ های خویش رسانده که ساعت سه بجه بعد از ظهر است ، معنی سه قبلاً برای قوماندان و سرگروپ ها معلوم است که عدد سه تعرفه اسم معرفت شمشیر وجوابیه اسم معرفت شهادت است پس اسم معرفت شمشیر وجوابش شهادت برای همین شب است همه از همین اسم شب استفاده نمایند .

ع : تعین اسم معرفت بعد از افشا شدن فوراً عوض شود و اسم معرفت جدید تعین و به همه سرگروپها و اشخاص مسئول رسانده شود .

غ : در وقت افشا شدن اشاره ها و اسم معرفت از طرف ما بدشمن ، قوماندان و همه سرگروپها

افراد خویش را یکبار تحت تلاشی بازپرسی ، بررسی قرار
بدهند شاید نزد کدام یکی از افراد فریب خورده
بی سیم کوچک موجود باشد به نفع دشمن بکار
انداخته که درین وقت از بین خود ما را پور به
دشمن ذریعه بی سیم میدهد و یا راپورها را روی
کاغذ نوشته بدشمن ارسال میدارد و یا اینکه
خود نفر می رساند و بعد از تلاشی همه افراد شخص
خود قوماندان و همه سرگروپ ها از طرف افراد
تلاشی شوند ، شاید اینها خائن شده باشند .

ف : از مرکزیت مجاهدین هیچ کس حق ندارند که خود
سرانه و بدون اجازه قوماندان و سرگروپ مرکزیت
را ترک بگویند و بجای دیگر بروند ، گرفتن اجازه
از اشخاص مسئول برای همه شرط اعتماد در بین مجاهدین
می باشد که راز مجاهدین درین وقت افشا نشده
و دشمن در بین مجاهدین درآمد کرده نمیتوانند .

ق : در خود مرکزیت و پایگاه های مجاهدین

هیچکس حق ندارند بدون کار رسمی داخل شوند و در
پایگاه های مجاهدین حاضری و غیر حاضری موجود
باشد و در صورتیکه پدر ، برادر ، مادر و دیگر یکی
اقارب مجاهدین میخواهند نزد فرزند و یا دوست
خود بیایند ، مجاهد باید نزد پدرش و دیگر دوستانش
حاضر وصل مشکل را بنمایند و بعد از حل مشکل این
مجاهد را برادران پهره دار تلاشی و باز پرسی بنمایند .

ك : در وقتی که کسی به پایگاه مجاهدین داخل
و یا خارج میشوند قبل از داخل شدن باید تلاشی
شوند تا از درون صف مجاهدین اطلاع حاصل
کرده نتوانند و همه چیز های مجاهدین را خارج کرده
نتوانند .

ل : اشاره های نقاط بارز و نقاط مهم برای
جنگ به برادران تفهیم و فهمانده شود ، در وقت
جنگ همه برادران آن محل اشاره را ببینند و
روی اشاره های تعین شده عمل کنند .

معلومات عمومی راجع به تعین سرگروپ ها

۱ - برای شناخت یک نفر سرگروپ سابقه کار و شرط مهم و ارزنده بخاطر انتخابش به سرگروپی شده میتواند، بدین معنی که این برادر مهارت در جنگ دارد و شجاعت، فهمیدگی، تقوی و مردم داری نزدش دیده میشود و یا در آینده قدرت کسب مهارت جنگ را اخذ کرده میتوانند و از طرف دیگر اخلاق و مزایای شریعت اسلامی در پیش او موجود است در نظر گرفته شود.

۲ - برای تعین یک سرگروپ باید هدف مندی اورا پیدا کرده که به اندیشهٔ ما، اسلام ما، آگاه با ایمان، معتمد، مخلص، وفادار، باشهامت و دلیر باشد.

۳ - برای تعین یک قوماندان و سرگروپ در حصه سرگروپ و قوماندان مردم دانشمند متعهد مسلمان

همه مجاهدین را مواجه به خطر می سازد و پلان عملیات را ناکام می سازد وخود مجاهدین به شکست مواجه می شوند .

گروپ کشف :

متشکل از آنعده برادران آگاه ، تیز فهم ، باسواد و با حافظه اند که بخاطر دیدن جای ومحل دشمن ، نقاط نیرنگی و بارز دشمن ، مقدار سلاح و نوع سلاح دشمن تعداد افراد ومحل قوماندهٔ (قرارگاه دشمن) و خلاصه تمام باریکی های داخل وخارج منطقه مربوط دشمن را بررسی نموده راپور درست ومُوثق آنرا بدست آورده و بدون تغییر در آن به نفر اول مسئول قرارگاه خویش تسلیم داده و در حالت ضرورت به شرح آن بپردازد .

مسئلهٔ کشف برای مجاهدین ارزش حیاتی دارد

وصاحب مسئولیت ورای وهمردیفان قوماندان سرگروپ جدید باید راضی بوده ورای ونظریهٔ شرعی اش را باساس آیات خدا وندج، بشورای دایرشدگی مسلمان ها تقدیم کنند وصفاتی که آن شخص قوماندان دارد باید که از طرف مردم متعهد مسلمان بیان شود.

۴ - درانتخاب وتعین قوماندان وسرگروپ قدرت مردم داری شخص قوماندان وسرگروپ درنظر گرفته شود وقوماندان وسرگروپ روی چینل خاص اغراض تعین نشوند باید اصول اسلامی ومرام اسلامی تنظیم درنظر گرفته شود تا راه صواب طی شود.

۵ - درانتخاب وتعین قوماندان وسرگروپ واسطه ووسیله برای جذب افراد نافهم از طرف طرفداران نامزد به قوماندانی وسرگروپی ویا رهبری درکشور واسطه ووسیله غلط بوده وجائز

نمی باشد وراه صواب ومعقول باید درنظر گرفته شود

۶ ـ خدعه ونیرنگ وفریب برادران بخاطر به قدرت رسیدن خود ما گناه وجرم می باشد ما باید در انتخاب سرپرست، قوماندان، آمر و رهبر درکشور مجاهدین وهمه مسلمان های شریف درعیش وغم ما حصه داشته باشند وبا دانستگی ورضایت مردم مسلمان انتخاب شوند.

۷ ـ اشخاصی که در جهاد اسلامی افغانستان فریضهٔ خداوندی را از خود به نفع جهاد نرسانده وبانام پوچ وخیال بد پذیرفته شده است وقدرت مقامی را کسب کرده است اصلاً بدرد جهاد اسلامی ومردم مسلمان ما نمیخورند وتوجه بیشتر درآینده هم طفیلی است بجز مردم معذور که معرف اند.

۸ ـ برادرانیکه ادای فریضه خداوندی نموده اند ویا درآینده مینمایند کیفیت عمل آنها وکمیت عمل

مدار اعتماد ، اعتبار و ارزش آنها شده میتوانند
وحق دارند که در بین مردم قوماندان و خلیفهٔ
مردم باشند ، و در پیاده شدن احکام خداوند ج ،
حق شخصی کسی نیست همه مسلمانان میتوانند در
حصه احکام خداوند ج ، در حصهٔ خود و بهمنوع
خود تلاش نموده وحق دارند .

۹ - هر قوماندان ، رهبر و رئیس با کردن عمل
جنایات و خیانات که شریعت اسلام آنرا
تقبیح و حرام کرده است فوراً از طرف مسلمانهای
متعهد به اسلام و مسلمان های راستین از
کار برطرف شوند و شکایات و حیله گری های
خائن پذیرفته نشود ، در عوض خائن شخص صدیق
کارکن ، متعهد به اسلام را تعین و مقرر نمایند .

۱۰ - در هر کار و شغل فنی آن کار ، یعنی اهل کار
برای کار مخصوص بدانش و تجربهٔ او باید انتخاب
و تعین شوند ، کار به اهلش سپرده شود .

۱۱ - برای اجرای یک کار در یک زمان ، یک وقت لازم است ، باید در یک زمان و وقت واحد دو کار برای یک فرد سپرده نشود ، طور مثال صدارت ، ریاست دولت داؤد خان در زمانش که این کار نادرست بوده فرزندان میهن عزیز افغانستان استعداد ، دانش و لیاقت آنها در نظر گرفته نشده بود .

۱۲ - سپردن امور اسلامی به اساس حکم خداوند برای هر فرد متعهد به اسلام امانت است ، بناءً در امانت ها خیانت باید صورت نگیرد و حق به صاحبانش سپرده شود ، تا توازن عدالتی در بین اجتماع انسانی برقرار گردد ، بدین ملحوظ - شخص امین و عادل باید قوماندان مسلمان نهاشد .

۱۳ - در تعین و مقرر نمودن قوماندان از طرف صاحبان رای و نظر کوشش شود که راه تکامل بجهت اسلام طی شود و با عمل چنین کار رضای خداوند ج ،

حاصل شود ، موفقیت دارین مزد کار و نتیجهٔ عمل شخص
و دسته جمعی انسانها بوده و میباشد .

ومن الله التوفیق

B
14.82
11A
1615
ep.1

محمد بلال نسیم مسئول عمومی قرارگاه جند اللہ ولایہ

مجاهدین همه وقت کوشش نمایند که مردم را طرفدار خود نگهدارند تا آنها در شرایط تحت ضربه و فشار مجاهدین را کمک کرده و یا با ایشان همدردی نمایند و مجاهدین کوشش نمایند که در صف خودشان جاسوس ملحد در لباس مجاهدها ی نگیرد .

گروپ تخریب :

عبارت از آنعده مجاهدین و مبارزین جدی و آزموده نظامی می باشند که کار بهم زدن ، ویران نمودن ، نابود کردن ، آسیب رساندن ، از کار انداختن نقاط و پایگاه های مهم حساس و حیاتی دشمن را در وقت کم و با سرعت عمل به عهده میگیرند . آنها تا قدرت دارند دشمن را غافلگیر نموده ضربه می زنند ، مثلاً قبل از نیکه دشمن با تانکهای خود داخل منطقه شود مجاهدین در سر راه تانکهای دشمن مین گذاری مینمایند

که با آمدن تانک ها مین انفجار کرده و تانکها تخریب و از بین بروند و یا اینکه خس پوشک ها را ایجاد کنند، در خط السیر دشمن سنگ بریزند، پلها را قطع و تخریب کنند، و با انواع مختلف سلاح برای تخریب وسایل دشمن اقدام فوری را انجام دهند. مجاهدین اصلاً باید اوضاع را برای دشمن مغشوش بسازند و وقت او را ضایع نمایند، پلان های تائید شدهٔ آن خنثی و به ناکامی مبدل شود.

گروپ تعرض :

این گروپ وظیفه دارند که با مهارت کامل و تکتیک های خاص حربی بر مواقعین قرارگاه های قوماندان و سائر نقاط ارزنده و مهم دشمن حمله برده بتوانند دشمن را از صحنهٔ پیکار و برز اخراج کنند و اسلحه گروپ تعرض باید ماشیندار های اتوماتیک و سبک

و یا نیمه اتوماتیک و بم های دستی باشد .

گروپ دفاع :

این گروپ وظیفه دارد که امنیت قوماندان افراد و ساحهٔ جنگ را تا حد قدرت خویش حفظ و نگهداری نموده طبق نقشه های از قبل تعین شده که نزد خود دارند ، بتوانند در صورت برخورد با دشمن ، جاهای تعین شده و وظیفهٔ سپرده شده را حفاظت نمایند و نگذارند تا دست دشمن به نقطهٔ منظور ما برسد و ما را از صحنهٔ پیکار از میدان جنگ خارج نمایند ، بر هر فرد مجاهد لازم است که مرز خویش را با خون خود آبیاری نماید و نخل آزادی را تازه و بار ور نگهدارد .

جای گروپ دفاع باید حاکم و مخفی باشد و این گروپ باید ارتباط قوای دشمن را بتوانند

قطع نماید و در صورت لزوم با دشمن برخورد هم نماید. و جای گروپ دفاع رویت بدشمن نباشد، گروپ دفاع باید مجهز با ماشینداران، تفنگ دوربرد، بمبهای دستی، راکت لانچر، مین ها و ماشینداران های خفیف و یک تعداد ماشینداران های ثقیل باشند.

گروپ حمل ونقل :

عبارت از آنعده برادران مجاهد و مردان جنگی اند که وظیفه شان بدست آوردن اشیاء دشمن و آنرا به قرارگاه و پایگاه خود نقل دادن است، بدون اینکه بخواهند به تنهایی خویش وظیفه را در تحت اداره گروپ دفاع همراه باگروپ تعرض ادامه میدهند و برای گروپ های فارغ از جنگ لازم است که باگروپ حمل ونقل معاونت نماید تا کار به آسانی اجرا شود و یک روحیه زنده برادرانه را در صحنه

عمل نشان دهند

نقاط قابل توجه برای قوماندان و افراد گروپ :

۱ - اطاعت افراد از قوماندان مسلمان در حالات اضطراری و عادی لازم و ضروری است ، بر قوماندان لازم است تا افراد خویش را در شرایط تحت فشار و آتش دشمن رهنمائی کرده و برادران هم سنگر خویش را در آن حالت رنج و فشار نجات دهنده خوبی باشد افراد مؤمن و راستکار قدم های قوماندان آگاه و شجاع را که با اصول اسلام مطابقت داشته باشد پیروی کرده و درین حالت دلایل بی اساس و بی موردی را نیاورد که باعث ضعف و شکست همه شان می شود .

۲ - بیک قوماندان مسلمان لازم است که قبل از حرکت بطرف عملیات نظامی محل عملیات را

باتمام نقاط وخصوصیات نظامی آن کاملاً برای افراد آگاه و مسئول خویش تفهیم کرده ورسانده باشد ونقاط عملیات باتمام خصوصیات آن درنظر گرفته ، نقاط بارز ونیرنگی را خوب شناسائی کرده ومعلومات داشته باشد تا درموقع خطر راه رفتن وبرگشتن خویش را قبلاً تثبیت نماید و باآن عمل کرده راه فلاح ونجات خویش را درست داشته باشند .

۳ - برافراد یک قطعه لازم وضروری است که فرمانده وقوماندان خویش راکه قدرت تشخیص خوبی ها و بدی ها را دارد و باترد بدی ها بخوبی عمل کرده راه مثبت را پیداکرده میتواند همه افراد بدون دلیل های بی اساس او را دنبال کنند ، قوماندان درپیاده کردن عمل خویش نقطه عطف برای افراد ومجاهدین باشد ، یعنی قوماندان باید سرمشق ببرد ، پیکار ، اخلاق ، تقوا ، صبر ، اسلام دوستی ، شجاعت ومردانگی بالآخره همه نوع ادب بوده باشد .

۴ - برا فراد یک گروپ چریکی لازم وحتمی است که پلان قبلی که قوماندان نزد خود دارد ، در پیاده کردن همراه با قوماندان عقبش رفته یعنی هدایت قوماندان خویش را بی ارزش و بی اهمیت نبینند که باعث دچار مشکلات رنج ها وحتی شکست خواهند گردید و در آنوقت خورد شدن قطعه و افراد منسوب قطعه حتمی است .

۵ - در انتخاب قوماندان وسر گروپ رای اهل نظر واهل کار از نگاه علم ، تقوا ، شجاعت ، صبر ، تکتیک نظامی ، مردم داری وسیاست مورد نظر ، پیروی آن آیدیولوژی حتمی وضروری می باشد که هر یک از افراد خاصیت های فوق را داشته باشند ، لیاقت واهلیت قوماندانی وسر گروپی را دارد و در غیر آن ما مردم را دچار مشکلات میسازیم و یک دشمن قوی را در لباس دوست در میدان عمل تبارز داده ایم و دوستان و مردم مظلوم وحکوم خویش را از درون و از نزدیک ضربه می زنیم و نابود می سازیم که چنین تعین شدن افراد

مذکور خلاف اصول اسلامی ، بذات خود خدمت برای دشمن و کافران است .

۶ - در سنگرهای اسلامی ما بدرجه اول باید برقوماندان و سرگروپ لازم وضروری است که روح انقلابی و زنده را در بین همه افراد مسلمان ومجاهدین راه خدا «ج» خلق نموده وچهره درخشان آزادی را در وجود شریف انقلابیون مسلمان مشاهده کرده و اخلاق و مزایای جاوید انقلاب اسلامی را محک شناخته ، اسلام وانقلاب اسلامی بر اصول اصلی اش بالای خویش حاکم ساخته بتوانیم تا افراد در وقت غلبه وشکست از اصول اسلام وطرز فکر انقلابی منحرف وبیگانه نشوند واز مسیر اصول انقلابی اسلام به بیراهه نروند و ما از طرف دیگر توانسته باشیم که بخاطر احیای بقای انقلاب اسلامی کار ما مفید تمام شود .

۷ - هریک از افراد گروپ مجاهدین با داشتن قدرت و یا ضعف روح انسانی را درنظر داشته باشند

رقیب :

عبارت از قدرت و نیرویی است که هدفش از بین بردن ما و ارمان ما نیست و در عوض میخواهد که قدرت سیاسی ، امتیازات و اختیارات را خودش کسب نماید و با ما هدف مشترک دارد .

راز :

عبارت از چیزی خفیه در بین داشتن ، مخفی داشتن ، قرار دادبستن در بین دو جانب است که افراد مسئول برای بقای خود ، بقای دوست امنیت خود و دوست ، امنیت نقاط بارز ، امنیت پایگاه و قرارگاه و چیزی تعین شده را روشن و علنی نسازیم و یا افشاء نمودن قرارداد تعین شده وعهد و پیمان نابودی موجودیت ما ، وضعیفی ما بیار می آید .

مسلمان مبارز : عبارت از آن مجاهدی است

مطابق
میتوانند مقتضای فطرت سالم انسانی عمل وی ثابت کننده
احیای انقلاب اسلامی شده میتواند و روح انقلابی
را در فرد فرد زنده و با تحرک ساخته ادامه بقای انقلاب
اسلامی را از انقلابیون و پیروان انقلاب تضمین و خواستار
شده میتوانیم.

۸ - برادران مومن، مسلمانان و مجاهدین قهرمان
افغانستان شنیدن سخن سرمایه است، بنا اگر از
سرمایه استفاده کردن راه خوب بکار است، ما باید
سخن های همه برادران آگاه، روشن، صادق،
وفادار، مبارز و مجاهد را بدقت گوش کنیم، و خود
خواهی، و جاطلبی را از خود دور نمائیم و اغراض
مادیات درین مرحلهٔ آزمایش یکطرف گذاشته مسیر
راه خدا جل جلاله را از روی قرآن و هدایات مفید
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم به پیش گیریم سرانجام
آزاد و موفق می شویم.

تعرض چیست :

تعرض عبارت است از حمله بردن ، هجوم بردن بالای دشمن ، وسته نظامی و ملکیت دشمن بوده ، دشمن را بطریقی خورد کردن ، تخریب کردن و نابود و منهدم کردن است که جای بود و باش دشمن را با تمام امتیازات و اختیاراتش از وی گرفتن و او را مطیع خود و طرز فکر خود گردانیدن و سرانجام اطراف و دور و نزدیک را از تمام موانع فکری و جسمی پاک و تصفیه نمودن است و حق انسانی و قانونی آنرا به زور تجاوز در اختیار خود درآوردن تعرض است .

مثال زنده آن روسها بعد از فعالیت های زیر زمینی خود به تجاوز علنی خود بالای طرز فکرها ، عقیده ما اسلام ما ، موجودیت و هستی ما دست درازی و از حد خویش تجاوز کرده اند که این عمل غیر انسانی روسها تجاوز و تعرض است . بر ما و موجودیت ما ، ملیت

را در سراسر افغانستان برهم زده است که ما درین جنگ روس ها
را مسئول و مجرم درجه یک می شناسیم و گفته میتوانیم
تعرض از نگاه نظامی به پنج حالت در زمان و مکان
مناسب شکل خاص اجرا و عملی میشود :

۱ - تعرض از حال ولامد عبارت از تعرض روبرو
و یا مستقیم بالای دشمن بوده که درین حالت ما مقابل
خود مانع یا سد ایجاد شده گی باندازه قدخود داریم
که از ضربه دشمن و آتش دشمن مارا محفوظ امید ارد و یا
انیکه ما قدرت از بین بردن و فلج کردن دشمن را داریم
و با آن روبرو یا مستقیم می جنگیم و در غیر آن از جنگ
روبرو استفاده کردن دارای نتیجه منفی بوده و نابودی
ما امکان دارد، درین نوع تعرض پیروزی کم بوده امکان
خورد شدن میرود .

۲ - تعرض از حال نیم قد یا خم خم بسوی دشمن رفتن
درین نوع تعرض ما دشمن را در حالت بی خبری از بین
می بریم و در مقابل ما مانع ایجاد شده نصف قد مارا

در بردارد یعنی مانع مکمل و سد مکمل مانیست که ما را از ضربه هوایی و زمینی دشمن محفوظ دارد بلکه با نیمه قد خویش بالای دشمن حمله ور می شویم البته جنگ ما در حالت اراضی قرار دارد ، سپر بما حکم می کند که از او پیروی کنیم یعنی نیمه قد بجنگیم .

۳ - تعرض از حال چارغوک : درین نوع تعرض ما به چهار اندام بسوی دشمن در حال ادامه جنگ و آتش می شویم ، این نوع جنگ در دامنه های صعب المرور و کوه های مرتفع و پستی ها و بلندی های اراضی و جنگل های غلو و دلدل زار ها که درین مردم ما بنام چارغوک یاد میشود ، انجام میشود البته درین تعرض مشکل دیگری موجود است که در اثر آن به دو پای مستقیم مقابل دشمن حمله برده نمیتوانیم و مجبوریم بشکل چارغوک در بین قطعه دشمن ، قرارگاه دشمن ، مراکز مهم نظامی دشمن در آمده دشمن را در وجود خود فریب میدهیم مثلاً بشکل پشک ، روباه ، شغال ، بز و گوسفند

میتوانیم از زیر سیم خاردار ، دیوار های امنیتی ، سوراخ های آب برآمده قرار گیریم و دشمن را در غفلت از شناخت خود قرار دهیم .

۴ - تعرض از حال پروت : این تعرض بشکل دراز کشیدن روی اراضی صورت می گیرد که این نوع مقابله و جنگ با دشمن وجود مانع و سه طور نسبت که باید خود را خورد بسازیم که تا با فیر و آتش دشمن از بین نرویم ، بناءً خود را روی اراضی دراز کشیده که این حالت را پروت می نامیم و بالای دشمن از آنجا آتش وضربه می نمائیم و در حال افشا شدن بجناح راست یا چپ در حال غلطیدن جای خود را تغییر میدهیم و ارتباط نظری با دشمن را از خود دور و فراموش نمی نمائیم و با همجوار خود ارتباط نظری میداشته باشیم و در هر جنگ ما تابع اراضی و شرایط جوی می باشیم که به هدایات طبیعی و کسبی اراضی جنگ های پیاده را مجبوراً عمل می کنیم ، این حرکت محاربوی روی فشار زیاد صورت

و در اجرایش موفقیت زیاد است .

۵ - ترابله : تیز تیز و کوتاه کوتاه قدم گذاشتن و برداشتن است . ما وقتی تیز تیز با عجله قدم برمیداریم و بعداً قدم میگذاریم که وقت کم داشته باشیم فشار زیاد بالای ما وارد باشد که در صورت معطلی و تنبلی ما نابود می شویم درین حالت فشار و وقت کم بما حکم می کند که در تحت آتش و ضربه های دشمن بطرف دشمن اراضی را در نظر گرفته با قدم های کوتاه کوتاه و سرعت زیاد خود را بسوی دشمن نزدیک بسازیم و قبلاً جای پروت و آتش کردن را بهر حالتی که قرار میگیریم درنظر داشته باشیم بشکل مار پیچ (زیگزاگ) خود را بدشمن نزدیک می سازیم که درین حالت نشان دشمن بما خوب عیار شده نمیتوانند و ما را مورد آتش قرار داده نمی توانند که این عمل ما خطرناکترین راه نزدیک شده بدشمن است زیرا با آن از حلقومش خونش را می نوشیم .

الف : کوتاه کوتاه بخاطری قدم میگذاریم که استتار و محکمی داشته باشیم ، تیز تیز بخاطری قدم می گذاریم که وقت کم را در برگیریم و سلاح دست را با مهارت جنگی استعمال کرده بتوانیم و درین نوع عمل شجاعت و بی باکی ما رول عمده پیشرفت ما است .

ب : قبل از ترا بله در جناح راست یا چپ امنیت گرفته می شود و بالای دشمن برادران امنیتی ما آتش وفیر های ضربوی خویش را پی در پی و مسلسل شروع می نمایند و دشمن را در شرایطی قرار می دهند که درین موقع از فرصت استفاده کرده خود را بدشمن می رسانیم .

ج : تعرض یک شکل اساسی محاربه بوده که بواسطه آتش سلاح دست داشته خویش دشمن را نابود ساختن و دشمن را اسیر گرفتن ، سلاح مالزمه آنرا بغنیمت گرفتن و یا از بین بردن است .

د : برادران مجاهد نسبت نداشتن سلاح ثقیله

همیشه بحال دفاع باشند و زمانی به تعرض دست بزنند که دشمن را غافل ببینند مثلاً در وقت وزمان حرکت دشمن که آنهم پیش از پیش نزدیک راه کمین و یا موضع خود را اشغال کرده باشند .

ح : مجاهدین بالای دشمن بشکل گروپ وار که هر گروپ آن از پنج نفر زیاد نباشند و فاصله بین هر گروپ از صد متر کم نباشد بتوانند هجوم ببرند ، درین حالت منځ بین هر نفر شش متر باشد که دشمن قوای آنها را تشخیص کرده نتواند .

خ : مجاهدین بعد از جا بجا کردن گروپ های خویش سلاح ضد تانک ، راکت لانچر (آر ، پی ، جی ۷) آر ، آر ۸۲ را (درصورتیکه داشته باشند) آماده ساخته بمجرد رسیدن قوای دشمن در ساحه نفوذی سلاح اولین فیر و آتش از طرف قوای ضد تانک مجاهدین بالای تانکهای دشمن شروع شود .

د : برادران مجاهد و انقلابی ما با چنان ضربت

وقوت بالای دشمن ضربه وارد کنند که دشمن معنویات
خود را ببازد و جرئت آنها سلب شود، و درین
وقت سلاح جابجای ما باید بفاصله پنجاه یا صد متریک
تانک و زرهپوش و وسایط دشمن را تخریب کنند.

ه : تانکها و یا زرهپوش ها و یا وسایطی که بین وسایط
تخریب شده می مانند عمله و متباقی افراد دشمن تحت
تاثیر آمده رو بفرار می نهند و درین وقت با سلاح
های خفیفه و ماشیندار آنها را تحت فیر و آتش گرفته
واز بین برده شوند.

ذ : باید مجاهدین برای دشمن وقت ندهند که سلاح
ثقیله خود را عقب موترها بسته (جر) نمایند خلاصه
باز و بسته نکنند و سلاح هائیکه دافع هوا است و
بالای موترها نصب و یا جر گردیده است مجاهدین
کوشش کنند که دشمن داخل موضع و سنگر نسازد
و در حال جر و نصب سلاح های دشمن از دست
آنها سلاح برآید ها یا نابود سازند و یا به اختیار ما

قرار بگیرد ، و اگر سلاح های دشمن جابجا و اخذ موضع کردند مقاومت دشمن بسیار قوی میشود باید از اخذ موضع دشمن قبلاً بصورت جدی وحتمی جلوگیری گردد .

ر : مواضع مجاهدین طوری باید انتخاب شود که ترسم آن به هوا نباشد و از طرف دیگر در یک نقطه بارز و برجسته برای دشمن که از دور معلوم می شود نباشد که چنین موضع خطرناک بوده و امکان از بین افراد و موضع در اولین فیر دشمن میرود .

ز : در وقتیکه جنگ بین مجاهدین و کافران ادامه دارد تانکها و زرهپوش های دشمن آتش و فیر خود را آغاز می نمایند ، مجاهدین باید با قدامات جدی و رزمی خود بپردازند و قوای دافع تانک با سلاح های دافع تانک و راکت های خود به فیر و آتش شروع نمایند دو دیکه در اثر تخریب و انفجار تانکهای دشمن بوجود می آید اسباب پریشانی قوای دشمن را بار آورده لا جرم از پیشروی خود می ماند یا پیشروی

که رضای پروردگارش را هدف خویش قرار داده و
بخاطر برتری نام الله (ج)، و حاکمیت بخشیدن قانون
خداوند (ج)، برخلق الله مرگ را زندگی دانسته و
مرگ با شرف را در پرتو هدایات خداوند (ج)،
و نبرد حق را علیه کفر، ظلم و ستم بر زندگی ذلت بار
ترجیح داده و مرگ و زندگی آگاهانه درین آزمایش
گاه دنیا انتخاب کرده باشد و مسیرش همانا راه
خدا (ج)، که راه نجات، فلاح و کامیابی دارین
است، قرار شرح ذیل تشریح میشود :

الف : یک مجاهد مبارز سلاح را کورکورانه
بدست نمی گیرد و یا برای خودنمائی سلاح را بدوش
خود حرام میداند .

ب : مجاهد با ارمان مقدس سلاح را آگاهانه
برای رشد و زمینه خوب زندگی اسلامی و بخاطر
گسترش عدل و داد برداشته تا پای مرگ می رزمد
و سلاح را تا دم مرگ از خود دور نمی سازد

آنها بلطی می‌شود و برای ما وقت مناسب پیدا می‌شود که تدا
تعرض را خوب دنبال نمائیم و بدشمن بار دیگر فرصت
ندهیم .

س : وقتی که مجاهدین برقوای دشمن تلفات آوردند ،
دشمن معنویات خود را از دست میدهد و روبفرار و گریز
می نهند ، یا در مقابل ما استادگی می نمایند که در اثر آن
تلفات سنگین را متحمل میشوند و در تحت فیر و آتش ما خویش را
از ما دور یا نزدیک می سازند ، درین اثنا مجاهدین
باید از بم های دستی حد اکثر استفاده نمایند و همین جاست
که دشمن به تسلیم شدن مجبور میشوند .

برادران مجاهد ما باید از فیر های ضربوی و مسلسل
خود داری نمایند ، زیرا مرمی های شان در وقت کم
تمام می شود و اگر جنگ طولانی شود ضربه های دشمن
شدت می یابد و ما مجبور می شویم از خود دفاع کنیم
مرحلهٔ حساس فرا میرسد که تسلیمی دشمن می باشد
بنا اً باید قبلاً ما در حصه مصارف مهمات خود احتیاط

تا در وقت ضرورت د چار مشکلات نشویم و هم توانسته باشیم با دشمن تصفیه حساب نمائیم .

ش : گروپ های مجاهدین کوشش کنند با ضربه های متواتر افراد باقیمانده دشمن را از بین ببرند ، باید درگرفتن غنیمت همه مصروف نشوند و به مرام جهاد که عبارت از خورد کردن ، تخریب کردن و نابود کردن کامل دشمن است توجه جدی داشته باشند .

ص : مجاهدین قبل از نیکه به حل مشکل بپردازند ، کوشش نمایند دشمن و قوای آنرا در نظر گرفته و فرهای شان بصورت منفرد و وقفه دار نخاطر انیکه آتش شان دوامدار و وقت زیاد را در برگیرد ادامه دهند تا مقصد اصلی شان بدست آید ، یعنی دشمن به شکست مواجه شده و فرصت برای ما دست دهد تا آخوبتر بالای دشمن در حال ضعف آن وارد کنند .

ض : مطلب مهم و قابل توجهی را که مجاهدین باید در نظر داشته باشند حمله های ناگهانی طیارات

بلند پرواز و با سرعت دشمن است که بخاطر حمایه و محافظت
طیارات پست پرواز آنها یعنی هلیکوپتر های جنگی
صورت میگیرد ، ما درین وقت باید با سلاح دافع هوا
از قبیل : موشک ها ، راکت ها و متباقی سلاحهای
زمینی دافع هوای موجود خویش به آتش وفیر مسلسل
شروع نمائیم و پیش روی طیارات دشمن پرده آتش
را تشکیل کنیم تا طیارات دشمن موفق به بمبارد مان
اساسات نقشه وی خود نگردیده ، بمبارد مان آنها
بی اثر باشد .

ط : وقتیکه طیارات پست پرواز و بلند پرواز
دشمن می خواهند بالای مواضع ما بمبارد مان نمایند
مجاهدین پیاده و توپچی باید همه تام سپر نمایند
و درین وقت از شور خوردن بیجا جداً خودداری
شود و برای موضع های دافع هوا کار و وظیفه
خویش انجام دهند و در صورت تعرض زمینی دشمن
همه برادران مجاهد پیاده و توپچی بالای دشمن

فیر و آتش را شروع کنند و نگذارند که برادران مجاهد
ما در اثر بمباردمان و تاثیر آتش قوای هوائی دشمن
از طرف قوای متعرض زمینی آنها از بین بروند، ضمن
وارتباط نظری به قوای هوائی و زمینی شرط دفاع
مجاهدین از موضع وخود آنها در موقع جنگ می باشد
که بدین لحاظ مترصدین و همه برادران در ارتباط به موضع
آتش دشمن مسئولیت مشترک دارند .

ظ : برادران مجاهد در تعرض قوای هوائی و زمینی
دشمن باید از خاکریزها ، بالای قوای زمینی دشمن
انداخت و آتش را اجرا کنند و درین وقت اگر
امکان داشته باشد از عقب نشینی صرف نظر
شود ، زیرا درینصورت تثبیت و پراگنده و پاشان
دشمن معنویات خود را از یافته و بفکر اشغال سنگر
های مجاهدین می افتند ، مجاهدین درین وقت باید
بخاطر بقای خود مقاومت نمایند تا قوای تثبیت
و پراگنده دشمن وقت پیدا نکنند که جمع شوند باید در

همان حالت اولی بمانند تا از بین نروند .

ع : لازم به یاد آوری است که شرط مهم به موفقیت رساندن جنگ با وجود داشتن سلاح دافع هوا و سلاح زمینی ، فقط صبر و مقاومت و پشتکار می باشد مقابل قوای دشمن توسط سلاح دافع هوا و سلاح زمینی خویش آتش متقابل نمائیم ، آنها را هم بمرگ تهدید کرده و از عقب نشینی گروپ های خود صرف نظر کنیم ، چنانچه مرد های جنگدیده گفته اند : معنویات عالی مجاهدین مؤثریت سلاح را بالا می برد و در جنگ پیروزی را نصیب شان می سازد .

الف : بلی در عقب نشینی که تلفات می بینیم باید در جنگ با دشمن همان تلفات عقب نشینی را متحمل شویم و دشمن را هم نیمه جان و هلاک و اسیر کرده به آن تلفات جانی و مالی وارد نمائیم .

ب : برادران مجاهد ما وقتی که در میدان جنگ کدام راه عقب نشینی ندارند باید از مساعی همه گروپها

مجاهد استفاده کنند و بالای دشمن ضربه وارد کنند و
درصورتیکه قدرت برادران به پایان رسیده باشد
یعنی مرمی های سلاح پیاده، بم های دستی، مرمی
های راکت لانچر، مرمی های سلاح دافع هوا، مرمی
های سلاح ثقیله زمینی تمام شده باشد و یا رو باتمام
باشه حق دارند عقب نشینی نمایند وخویش را بیک
نقطه امن برسانند.

ج: درصورتیکه اراضی کوهستانی باشه مجاهدین میتوانند
به ترتیب نوبت عقب نشینی نمایند درعقب صخره های
کوه ها خود را پنهان نمایند و درآنوقت نوبت به نوبت
ترصد نموده و ترصد دوام داشته باشد و یا همه
ترصد نمایند تا دشمن آنها را غافل ویکجا اسیر
نسازد.

د: درصورتیکه دشمن بشکست مواجه شد، مجاهدین
درین اثنا احتیاط را از دست ندهند، دشمن را
دنبال کنند و تلفات سنگین به آنها وارد سازند

تا دشمن مجبور به تسلیم شود و یا از آخرین قدرت خود کا
بگیرد تا سرانجام از طرف برادران مجاهد ما نابود شو
وسلاح و مهمات آنها به غنیمت بدست ما آید و دوبا
نتوانند با ما مقابله نمایند .

ه : نیروهای مجاهد باید بالبسیار دقت و هوشیاری
با تکنیک ها و اصول نظامی در میدان نبرد جنگ و مقا
با دشمن عمل نموده هرکس به استقامت خود و حد نفوذ
سلاح خود بطرف دشمن حرکت کند و همه در یک نقط
جمع نشوند ، زیرا یک فیر و آتش دشمن چندین تن شان
از بین میرود و کوشش زیاد شود که برادران معنویات
خود را در وقت خطر جانی از دست ندهند مرگ
و زندگی را هردو زندگی بدانند و مطمئنانه بجنگند .

و : برادران مجاهد ما وقتی غنائم را جمع کنند
که دشمن اسیر یا نابود شده باشد یا توان انداخت
و فیر را بالای ما نداشته باشند و باید بسیار احتیاط
نمایند که مبادا از زیر آتش سلاح ها و دیگر مهمات دشمن چون

مین ، بم دستی ، بم های ساعتی ، بم های فشاری قرار گیرند .

نوت :

معلوم کردن و از بین بردن بم های تعبیه شده از جانب دشمن :

الف : اول مجاهدین پیش از آنکه سلاح خفیه دشمن را از زمین بردارند باید از فاصله دور که برای خود مجاهد ضرر نرسد یک فشار بالای سلاح که در زمین افتاده وارد سازند که سلاح از زمین بیجا شود و اگر بم گذاشته شده باشد درین حالت گمان اغلب انفجار می نماید و درینصورت مجاهد پروت کند تا ضرری برایش نرسد .

ب : مجاهدین قبل از آنکه سلاح خفیه دشمن را بالا مینماید لازم است در فاصله ۲۰ متر دور از سلاح پروت نمایند بعد مشاهده نمایند که آیا در زیر

سلاح بم است و یا نی درصورتیکه بم باشد بالای سلاح
فشار وارد نمایند تا با پارچه شدن توته های بم نه مجاهد
تلف شود و نه سلاح از بین برود و اگر بم نبود سلاح
باید از جای خود بیجا شود و بعد از حصول اطمینان
سلاح گرفته شود .

ج : برادران مجاهد ما در وقت جمع نمودن غنائم کوشش
انضباط ، نظم و دسپلین اسلامی و نظامی را از دست
ندهند و به قوماندان و یا سرگروپ خود گوش
داده و هدایاتش را پیروی نمایند و هیچکس از برادران
مجاهد ما مثل دزدان و چپاول گران در حصه مال غنیمت
عمل ننمایند ، غنیمت ها مطابق اصول اسلامی جمع
آوری شود و بعداً باشخاص مستحق آن سپرده شود
در حصه تقسیم غنائم بین برادران مجاهد عدالت
در نظر گرفته شود تا درصورت عدم مراعات عدالت
از یکطرف خداوند جل جلاله قهر نشود و از جانب دیگر
در بین برادران اختلاف ایجاد نشود و ازین طریق

رضایت همه برادران مجاهد، تقویت و استحکام نظام اسلامی یعنی خلافت حاصل شود، تقویهٔ بیت المال مسلمین جهت پیشبرد جهاد اسلامی باید همیشه در نظر برادران باشد.

د : برادران مجاهد وقتی که دشمن خدا جل جلاله و رسول صلی الله علیه وآله وسلم را اسیر میگیرند باید با آنها مطابق هدایات خداوند جل علی شانه و احادیث پیمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم معامله و اجرآآت صورت بگیرد و از برادران مجاهد مسلمان کس حق ندارد که بدشمن جزای خلاف احکام شریعت بدهند زیرا چنین روش نه تنها سبب حزم و ننگ برای مسلمان ها میگردد بلکه عدول از احکام شریعت، ظلم و تعدی را در قبال میداشته باشد و این بزیان مسلمانها و نفع دشمن منتج می شود بنا آ از جزا های خلاف شریعت جداً دست کشیده شود ولازم است که با در نظر داشت کرامت انسانی با دشمن برخورد صورت گیرد

وارمان متعالی انسانی را در وجود ناشناخته خویش تقویت می بخشد .

ج : مجاهد به مسلمانان خویش خیررسان بوده و از آزار دادن آنها جداً خودداری می کند .

د : مجاهد از برخورداری مردم مسلمان بخاطر هدف مشترک و یا پیاده نمودن اخلاق و عملکرد اسلامی توده های بی حرکت مسلمان دنیا را با خود همگام و بسیج می سازد .

ه : مجاهد مسلمان با همه مردم مسلمان وطن عمل مخلصانه و اسلامی خویش را پیش گرفته و از دشمنی های شخصی مغرضانه جداً خودداری مینماید و حق را بخاطر نفع مادی خود پایمال نمی سازد ، از اصول برحق اسلام اطاعت و به آن عمل مینماید .

و : مجاهد مسلمان زرنگ ، هوشیار و مدبر کار خویش بوده در تمام حالات زندگی به نیرنگ و اغوای دشمنان مسیر خود را ترک نگفته و خود را آلوده نمی سازد و به ظلم تن نمیدهد ، همیشه حق گو ، حق شنو و با مردم

ه : برادران مجاهد در وقت گرفتن غنیمت و جمع آوری آن باید امنیت منطقه را خوب بگیرند ، همه باطراف غنایم جمع نشوند چه بسا اوقات دیده شده که وقتی مجاهدین حین جمع آوری غنایم امنیت خود را نگرفتند بنابرآن از طرف دشمن ضربه خورده اند ، لذا کوشش نمائیم با چنین بی احتیاطی ها از طرف دشمن باید ضربه نخوریم و تحت فیر ، آتش و تعرض دشمن قرار نگیریم و برما لازم است که امنیت منطقه را منظم و با قوماندهٔ واحد بگیریم و در ختم جمع کردن غنایم همه بیک قوماندهٔ منطقه را ترک بگوئیم و در صورت داشتن قوت از منطقه دفاع کنیم .

۱ـ برادران مجاهد گروپ امنیت در وقت گرفتن و جمع آوری غنایم حق ندارند ، امنیت منطقه و برادران را رها نمایند چون وظیفه معین گروپ امنیت فقط امنیت برادران و امنیت منطقه است ، افراد این گروپ چون در جریان حملهٔ مشترکاً با دیگر برادران خود جهاد

وپیکار کرده اند ، بنا آ آنها در غنایم مثل برادران دیگر خود حق دارند ، لذا مطمئن بوده و وظیفه خود را انجام بدهند .

۲ - برادران مجاهد حق ندارند که غنایم را مخفی و پنهان سازند و در آن تصرف ناجائز نمایند ، غنیمت مال همان مجاهدینی است که در جهاد عملی با دشمن جنگیده اند و از آنها مال وسلاح و دیگر چیزها بدست آورده ، حق شرعی مجاهدین سهیم در عملیات است که باساس حکم خداوند جل علی شانه ورسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم اول غنیمت بین شان تقسیم شود تا بنیه اقتصادی مجاهدین تقویت گردد و با اطمینان خاطر جهاد نمایند .

۳ - برادران مجاهد وقتی اسیر را میگیرند باید خیلی کوشش نمایند که برای اسیر چون انسان است دشنام ندهند ، لت وکوب نه نمایند ، اسیر را باید تحت محاکمه اسلامی قرار دهند که آنجا باید انضباط اسلامی

استوار باشد . اسیر به محکمه اسلامی و دادگاه اسلامی نزد قاضی ، قوماندان و آمرین مسئول در وظیفه اسلامی تسلیم شود تا اشخاص مؤظف بعد از تحقیق و بررسی فیصله شرعی را مطابق فرمان خدا جل علی شانه و حدیث حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم صادر نمایند و اگر عفو در حصه اش آمد عفو و بخشیده شود و اگر جزا بالایش آمد جزا داده شود .

۴ - قبل از فیصلهٔ شرعی هیچکس از برادران مجاهد حق ندارند که خودسرانه در حصهٔ اسیر اجراآت و عمل کنند .

محاصره :

عبارت از حلقه گرداگرد است که در اطراف دشمن توسط فیر و آتش و قدرت ایجاد می شود و درین وقت دشمن در سخت ترین حالت جنگ قرار

میداشته باشد و اگر برعکس ما از جانب دشمن درین
حلقه محاصره قرار بگیریم در حلقه محاصره معنویات
افراد حفظ و مورال افراد بالا و از تجارب خوب جنگی
کار گرفته شود، طبق ذیل رفتار شود :

الف : در محاصره مجاهدین سه قسمت یا دو قسمت شوند
بعد از آن همه با هم مقابل دشمن آتش را شروع کنند
تا دشمن در مواضع خود سر خود را پائین کنند و از
جهتی که مجاهدین میخواهند برآیند قدرت یک پوسته
و گروپ خویش را تقویت کنند یعنی از دو گروپ
مجاهدین کم شوند و بگروپ سومی بپیوندند .

ب : دو گروپ دیگر مجاهدین متواتر بالای دشمن
فیر و آتش کنند و گروپ سومی به جهتی که میخواهد
برود به تقرب خویش بشکل ترا بله پیش شوند و با
فیر های متواتر بالای دشمن از تحت تأثیر نفوذ
آتش سلاح دشمن خارج شوند و بعداً برای معاونت
به مجاهدین از عقب و پشت سر دشمن غافلگیرانه

ضربه وارد کنند که دشمن متوجه گروپ سومی شود و دو گروپ دیگر بتوانند بشکل ترابله و اجرای آتش از حلقه محاصره بیرون آیند .

ج : در محاصره مجاهدین همچو گرگ گرسنه ای که خود را بدیده شیر میزند از هیبت و خشم انقلابی خود کار گرفته با فیرهای پی در پی و با انداختن بم های دستی با صدای الله اکبر بطرف یک جناح دشمن یورش و حمله ببرند و در صف باطل ضربه وارد نمایند تا دشمن تخریب و نابود شود و راه برآمدن از حلقه محاصره باز شود .

مجاهدین با ادامه تأمین امنیت خود از ساحه نفوذ دشمن دور ساخته به نقطه امن برسانند

د : وقتی ما در محاصره دشمن قرار می گیریم که در اجرای وظیفه غفلت کرده باشیم ، اسم معرفت را بدشمن داده باشیم ، پهره را بصورت درست و کامل انجام نداده باشیم و در نقاط بارز و مهم

پهره ایستاده نکرده باشیم و آنجا خالی باشد ، دشمن نقاط مذکور را از ما بگیرد و قوای خود را جا بجا کرده از آن نقاط بالای ما بتواند آتش نماید و در نتیجه ما تحت تاثیر دشمن قرار بگیریم و محاصره شویم .

د : و یا زمانی در محاصره دشمن قرار می گیریم که قدرت ما کم شود ، یعنی مرمی های ما تمام شود و افراد برجسته و جنگی ما شهید شوند ، معنویات مجاهدین رو به ضعف باشد .

بهمین ترتیب مجاهدین ما زمانی در محاصرهٔ دشمن قرار می گیرند که قدرت فرماندهی از آنها سلب شود ، ارتباط بین افراد قطع شود ، فرماندان شهید شود ، و یا فرماندان اسیر گردد و در همین وقت در بین مجاهدین کسی دیگری نتواند که فرماندهی و فرمانده را بدست گیرد .

خ : زمانی ما در محاصره دشمن قرار می گیریم که راه عبور و مرور پیادهٔ دشمن را قبلاً مسدود نکرده

باشیم و از طرف دیگر راه تانکهای دشمن و زرهپوشهای آنرا قطع و بند نساخته باشیم ، اینجاست که ما تدابیر قبلی دفاع و امنیت را ترک نموده ایم و برای دشمن وقت و راه داده ایم در نتیجه به محاصره دشمن قرار می گیریم و ابتکار عمل را بدست خود بدشمن میدهیم .

ط : وقتی برادران مجاهد ما در محاصرهٔ دشمن قرار میگیرند که از پنج جهت تحت آتش قرار گیرند و چهار طرف مجاهدین توسط قوای زمینی دشمن گرفته شود و از طرف هوا نیز توسط قوای هوائی دشمن یعنی طیارات جنگی تحت آتش قرار بگیرند .

ظ : وقتی مجاهدین در محاصرهٔ دشمن قرار میگیرند که جاسوس و راپورچی دشمن در بین مجاهدین نفوذ کرده و به لباس خودشان داخل فعالیت گردد راپورهای مجاهدین را یکایک بدشمن بدهد و مجاهدین او را نشناسند .

ص : مجاهدین وقتی در محاصره قرار می گیرند که از

منطقه تحت نفوذ خود از موضع ها و سنگر های خود
از مرکزیت و پایگاه خود بدرستی آگاهی نداشته باش
و دشمن را پور مؤثق را بدست آورده ، نقشه
گروکی سنگر ها ، نوعیت و تعداد سلاح مجاهدین
را کشف کرده باشد .

ض : مجاهدین وقتی در محاصره دشمن قرار میگیر
که قوای دشمن بسیار زیاد و منطقه بود و باش می
بدشمن نزدیک و قوت مجاهدین کم باشد و مجاهدین
مسئولیت داشته باشد که از منطقه خود حفاظت
و نگهبانی نمایند و دشمن درین حالت جنگ ر
دوامدار می سازد و از عقب قوای تازه د
می فرستند و با قوای سابق دشمن یکجا شده و
قدرت دشمن می افزاید و از جانب ما نظر به ند
مهمات و تمام شدن مرمی ها ، جنگ ما با دشمن
بطی میشود و دشمن پیش می آید ، می شود در محا
دشمن قرار می گیریم و حلقه محاصره به تدریج بر

تنگ میگردد .

ع : پیش از آنکه مجاهدین در محاصرهٔ دشمن قرار بگیرند باید مرمی های ذخیره وی و مواد ارتزاقی داشته باشند تا در موقع محاصره از آن استفاده نمایند تا با نبودن مواد ارتزاقی و مواد نظامی از بین نروند

غ : وقتی که مجاهدین ما در محاصرهٔ دشمن قرار بگیرند کوشش نمایند که موضع و سنگر را در جائی بگیرند که عقب مجاهد قوای دوست باشد و در حالت فشار بتوانند نزد آنها پناه ببرند و آنها بتوانند با مجاهدین ما کمک نمایند ، هر سنگر و موضعی که راه کمک رسانی و معاونت داشته باشد مجاهدین آن هیچگاه محاصره نمیشوند ، شاید برای چند ساعت در محاصره بمانند ولی با رسیدن معاونت از جانب دوست خود حلقه محاصره را می شکنند .

ف : مجاهدین وقتی که در محاصرهٔ دشمن می افتند کوشش شود از هوای بارانی ، هوای گرد و غبار ، استعمال مرمی های توان ، تاریکی شب استفاده کرده بالای صف باطل

حمله ور شوند باچنان فشار بالای دشمن آتش نمایند که
مجبور شود برای مجاهدین راه بدهد و در شب بدشمن
نزدیک شدن به ترتیب ذیل می باشد :

۱ - مجاهدین سه پوسته شوند یک پوسته آنها
یکطرف و یک جناح دشمن بروند و در تاریکی شب
ایستاده یا به چارغوک و یا بهر ترتیبی که مناسب
باشد و موقعیت شان برای شان اجازه دهد
بطرف دشمن تقرب کنند .

۲ - دو گروپ باقی مجاهدین آهسته آهسته
از جناح راست و چپ پیش بروند و فیر نکنند
شروع جنگ و رسیدن بالای دشمن تنها وظیفه
گروپ اول است .

۳ - دو گروپ مجاهدین به انتظار رقو مانده آتش
گروپ اول باشند ، وقتی که آتش گروپ اول
شروع شد این دو گروپ هیچ فیر نکنند آهسته
آهسته خود را بدشمن نزدیک سازند و به وقت

مظلوم همکار بوده یاری و معاونت خویش را از آنها دریغ نمی ورزد و بخاطر نجات بیچاره گان کار می کند

ز : مجاهد جز بخداوند «ج» به هیچ قدرت دیگر سر تعظیم را پائین نمی نماید و جز خدا «ج» بکسی دیگر تسلیم نمی شود ، راهش راه الله «ج» بوده مرام و مطلبی غیر از خدا «ج» را نمی پذیرد ، قاطع و جدی می باشد .

س : مجاهد کامل و مبارز اصیل مسلمان کسی است که اول جهاد و مبارزه را با نفس خود آغاز میکند بدرجه اول خود را در صراط المستقیم برابر دستور شریعت غرای محمد صلی الله علیه وآله وسلم آراسته می سازد و بعداً دیگر مردم را براه حق دعوت می کند .

ش : مجاهد و مبارز مسلمان تا نابودی مطلق باطل کفر و رسیدن بسوی تکامل و الیه راجعون آرام نشستن را بر خود حرام میداند و همیشه در کوشش ، تلاش ، جد و جهد و کار می باشد و از غفلت ، بیکاری

معینه که قبلاً بین پرسه گروپ تعیین شده از دو طرف
از فاصله نزدیک فیر را شروع و قوماندهٔ تسلیم شوید
را بدشمن بدهند، گروپ سومی هم به فعالیت خود
جدی شود، دشمن را تحت آتش خود قرار بدهند.
۴ ـ فعالیت و عمل نمودن برادران طبق وظیفه
محوله و سپرده شده سرانجام دشمن را به شکست مواجه
می سازد، بدین معنی که پهره دار پهره خود را بدقت
انجام دهد، گروپ امنیت محافظت برادران را بصورت
جدی در نظر بگیرد، گروپ تعرض و تخریب بوظیفه خود
ادامه بدهند، قوای منظم و کثیر دشمن را با بسیار
خوبی و آسانی میتواند خورد، تخریب و نابود بسازند.
۵ ـ وقتی که قوای مجاهدین و دشمن جنگ را
آغاز می نمایند باید مجاهدین احتیاط را از دست
ندهند و بگذارند که دشمن سیل آسا بداخل منطقه
بیاید و مجاهدین در کمین خویش آماده فیر و آتش
باشند، همینکه دشمن در ساحه آتش مجاهدین رسید

مین ، راکت لانچر ، بم های دستی همه استعمال شود
و مجاهدین در پوسته های تقسیم شدهٔ خود در فاصله
های مناسب و معین جابجا باشند و با یک فرماندهٔ
واحد شروع به جنگ نمایند و با شروع شدن
جنگ کوشش شود مرکز فرماندهی دشمن از بین برود
وارتباط بی سیم و مخابره دشمن هرچه زودتر قطع شود
تا افراد دشمن سراسیمه و پریشان در هر حصه تحت
فیر و آتش مجاهدین خورد شده به مجاهدین تسلیم شوند
و یا در اثر مقاومت از بین بروند .

۶ - وقتیکه مجاهدین در عملیات خود مقابل دشمن
قرار می گیرند باید جهت و سمت را بشناسند
و حرکت با شناخت جهت ، مجاهدین در حال جنگ
مشکل راه یابی را آسان کرده ، راه هیچگاه گم نمیشود

آنچه برای یک مجاهد ضروراست :

مجاهد باید بالای سلاح دست داشته خویش فوق العاده حاکمیت داشته باشد و بطرز مؤثر آنرا استعمال کرده بتواند یعنی خواص تخنیکی و تکتیکی سلاح ، منزل مؤثر ، منزل اعظمی سلاح ، صورت انداخت ، و نوعیت سلاح را با اندازه مقاومت آن به خوبی بفهمد و بطور خلاصه تکتیک استعمال سلاح را یاد داشته باشد .

تکتیک عبارت از روش خاص ، عمل خاص طرز برداشت خاصی می باشد که مجاهدین در جنگها طبق آن عمل می نمایند و به طرز معین و خاص اجرا میدارند .

به مجاهدین لازم است که قبل از جنگ و در زمان جنگ موارد آتی را در نظر بگیرند :

الف : امنیت : عبارت از تدابیر قبلی است

که ما بخاطر حفظ خود ، مهمات و سلاح خود ، پایگاه و مرکزیت خود ، قرارگاه و بسته مرکزی و کدر رهبری خود و همه هستی و موجودیت خود در نظر می گیریم و برای دفاع از خویش و همه چیزها آنرا مورد تطبیق قرار میدهیم و با احساس بروز خطر و حادثات ناگهانی از طرف دشمن حاضر بوده و قدرت تعرض را هم باید داشته باشیم و جواب بالمقابل برای دشمن و یا بالاتر از آن نزد ما وجود داشته باشد .

۱ : امنیت یکی از شرایط بسیار مهم برای تمام امور زندگی مخصوصاً در صحنه های جنگ و جهاد محسوب می شود ، در یک کتله ، یک جمعیت ، یک ملت و دولت اگر امنیت نباشد ملت و جمعیت مذکور بتدریج ضعیف گردیده محکوم به نابودی خواهد شد

۲ : یک گروپ ، یک اجتماع و بالآخره یک دولت اگر از دور و پیش داخل و خارج خود غافل و بی خبر می باشد خودسری ها و بی پروالی ها بر آن

حکمفرما میگردد و هیچیک از افراد مسئول وظیفه محوله را بدرستی انجام نمیدهد ، امنیت آن کنده و اجتماع برهم میخورد و از بین می رود .

۳ - گروپ و یا افرادیکه برای امنیت یک قطعه تعین می شوند حق ندارند که بوظیفه محوله خویش سرسری نگاه نمایند و آنرا بی اهمیت جلوه دهند ، محافظت مراقبت دقیق و نگهبانی اشیاء ، محلات و موضع هائیکه برای شان سپرده می شود از وظائف نهایت عمده و با ارزش آنها می باشد .

۴ - تأمین خود ، مرکزیت ، پایگاه ، هیئت اداره کننده نظام قراول ، قرارگاه مجاهدین ، نقاط مهم سوق الجیشی و منابع ارزش مند اقتصادی مملکت از قبیل فابریکه ها ، استیشن رادیو تلویزیون ، مخابرات بند برق ، استیشن برق ، منابع گاز و پطرول و دیگر مواد خام و پخته از کارهای حساس مجاهدین است ، تا آنزمان مسئولیت دارند در حفاظت

ونگهداری آنها کوشش بخرج دهند که قدرت وتوان
شان برای شان اجازه میدهد . مرآنها یراست
که مملکت را با همه چیزهایش مال وحق خود بدانند
ودفاع از آنرا وظیفه اسلامی خود این وقت
است که در حصه امنیت ونگهداری آن احساس
مسئولیت کرده اند ، مکلفیت خود را در برابر آن
بصورت صحیح شناخته اند وتا آخرین دم از آن
دفاع میدارند .

۵ - امنیت خود مجاهد وساحه تحت نفوذش
بسیار مهم وضروری بوده و باید تمام نقاط بارز
ومهم سوق الجیشی وعسکری اش را که ارزش
حیاتی دارد درنظر گرفته شود تا خالیگاه ها بدون
امنیت نماند واز آنجا دشمن درخود منطقهٔ مجاهدین
نفوذ کرده نتواند ومجاهدین را ضربه نزند ، مجاهدین
آمادگی قبلی دفاع از خود را باید داشته باشد

۶ - برادران مجاهد انقلابی ومسلمان ما میدانند

که در نگهداری وحی فطرت دین اسلام ، ناموس و وطن همه افراد وطن بجز خائنین که خود و وطن را به روسیها فروخته اند سهیم هستیم بنا آنهمه باهم در امنیت اسلام و وطن کمر همت بسته وسعی مشترک اسلامی و انسانی را بخرج دهیم زیرا انسانهائیکه دین و وطن ندارند دیگر چه موجودات بی ارزش و آواره از یکسو بدیگر سو با کمال ذلت بخواری بسر خواهند برد

نوت :

قبلاً گفتیم که ترابله عبارت از مارش مارش های کوتاه و تیز است که در تحت تاثیر آتش دشمن اجرا میشود و به اشکال آتی اجرا می شود :

۱ - ترابله از حالت ولاد ، زمانی ازین حالت ترابله اجرا می شود که از طرف دشمن دیده نشویم و ما بتوانیم ولاد بجنگیم .

۲ - ترابله از حالت خم ، خم رفتن درصورتی اجرا

که سپر ما را در حالت ولا در پنهان کرده نتواند ، ما
از اراضی استفاده کرده بشکل خم خم ترابله میکنیم
وبطرف دشمن پیش می رویم .

۳ - ترابله از حال چارغوک وقتی اجرا می شود
که بشکل خم خم بطرف دشمن نزدیک شده نمیتوانیم
سپر کوچک است درین وقت چارغوک را شروع
وبطرف دشمن پیش میرویم .

۴ - ترابله از حالت پروت وقتی صورت میگیرد
که سپر کاملاً خورد باشد و یا هیچ سپر موجود نباشد
بطرف دشمن پیش میرویم که بشکل لولیدن اجرا
می شود .

۵ - زمانی که انسان از حالت ولا در از طرف
دشمن دیده می شود از حالت خم خم ترابله اجرا
می شود و درین وقت تفنگ را از حصه مرکزی
آن بدست گرفته و به بسیار سرعت به موضع جدید
خود را می رسانیم وبعداً از آن آتش متقابل را

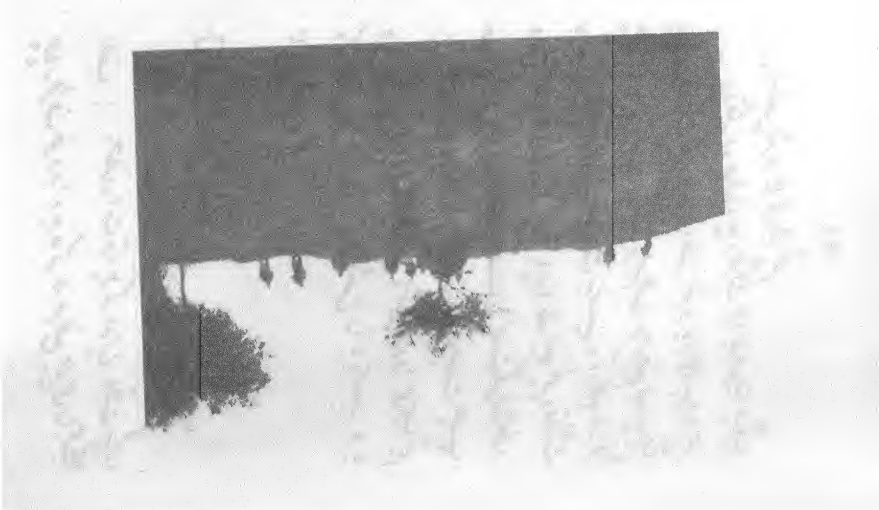

بالای دشمن شروع می نمائیم .

۶ - زمانیکه در حالت چارغوک ترابله صورت میگیرد باید بند تفنگ بگردن انداخته شود بالای هردو سر پنجهٔ پاها و دست به بسیار سرعت به موضع جدید برسانند

۷ - ترابله از حالت پروت به سینه و آرنجها و زانوها وقتی اجرا می شود که اولاً ما پروت مینمائیم و تفنگ خود را از زیر بند توسط دست راست گرفته خود را به پهلوی چپ خوابانیده توسط دست چپ و پای چپ لغزانده به موضع دشمن خود را می رسانیم و کوشش بخرچ میدهیم که دشمن را یا اسیر و یا نابود سازیم .

تکتیک ترابله :

الف : احضارات ترابله که درین وقت هرکس چهار طرف خود را دیده که در موضع چیزی را بجا

نگذاشته باشد ، مرمی ، چاقو ، ریسمان ، تپانچه وغیره لوازم خود را معاینه مینماید و بعداً به ترابله می پردازد البته قبلاً با خود می سنجد و فکر میکند که موضع جدید خود را در کجا انتخاب کند و بموضع جدید از کدام راه برود و بچه ترتیب برود و بعداً ترابله آغاز می شود ، البته از طرف راست و یا چپ موضع خود حرکت مینماید ، اگر دشمن ما را دیده و موضع ما را نشانی کرده باشد ما بحالت ولامد از موضع خود حرکت را شروع نمی کنیم ، زیرا در آنصورت به فیر اول دشمن از بین می رویم .

ب : اجرای ترابله وقتی است که انسان به عمل ترابله آغاز می کند و عملی می نماید و بطرف دشمن و یا خلاف آن پیش میرود .

ج : مرام از ختم و انجام ترابله آنست که انسان خود را بموضع جدید که انتخاب نموده برساند طبعی است که موضع عقب یک سپر که بشکل سه یا مانع

عیاشی ، بوالهوسی ننگ میداشته باشد و از اسراف های
بی مورد و تجاوز بحقوق دیگران خود را نگاه میدارد

ابتکار :

چیزی نو بمیان آوردن ، طرح ارزنده جدید
وحیاتی را کشف و بشکل تکنیک خاص نظامی از آن
در موقع برخورد با دشمن استفاده کردن است و بشکل
مصمم با مستکبرین جهانخوار از نو آوری خویش کار گرفتن
مثلاً در کوه های افغانستان شرایط عبور و مرور از
جنگل ها را برگزیدن نادرست است بلکه باید مطابق
به شرایط کوه ها روش خود را انتخاب کنیم .

چریک :

عبارت از نیروئی می باشد که بخاطر
از بین بردن حاکم ظالم و صاحب اقتدار بیشتیبانی
از اتباع آن مملکت به پا خواسته باشد . یا چریک

بوده باشد انتخاب می شود و درین وقت انسان
اولاً از طرف چپ و یا راست موضع بطرف
دشمن دیده تا هدف خود را تعیین نماید و ارتباط
نظری را با دشمن استوار می سازد و بعداً مسافه
را تخمین نموده انداخت را شروع می نماید و با
افشاندن موضع مکرراً خود را از موضع لغزانده
عقب موضع دیگر میرساند و آنجا تفنگ خود را
پر و مسافه تخمین شده را در نشانگاه بسته نموده
به فیر و آتش خود ادامه میدهد .

د : زمانیکه امر ترابله از طرف قوماندان داده
می شود اجرای ترابله بین همه گروپها و افراد
مراعات شود تا از طرف برادر خود ضربه نخورد
بطور مثال مجاهدانی باسم عبدالصمد و نورالدین
جوشی میخواهند ترابله نمایند ، عبدالصمد برای
نورالدین می گوید : که هدف مرا تحت تأثیر
فیر و آتش خود بگیر که من ترابله می کنم ، نورالدین

میگوید من هدف شما را تحت تأثیر فیر و آتش خود
گرفتم شما ترا بله نمائید به همین ترتیب نورالدین
بدیگر برادران می گوید و نورالدین هم بنوبۀ خود
ترا بله می کند و مثل عبدالصمد ترا بله خود را اجرا
می نماید ، برمجاهدین لازم است که بصورت
دسته جمعی ترا بله ننمایند که از طرف دشمن یکجا
از بین برده می شوند .

ه : مجاهدین بخاطری که آتش بالای دشمن
قطع می شود و دشمن درین وقت موقع را
مناسب دیده و اوضاع را به نفع خود یافته
و از موضع سر خود را بالا کرده بیک ضربه همه
ما را تیت و پراگنده ساخته و نابود می کند ،
بناءً ترا بله باید منفردانه ، منظم با حمایه آتش
مجاهد اجراء شود .

و : آنچه مهم و قابل توجه میباشد اینست که
قبل از ترا بله مواد آتی باید در نظر گرفته شود :

۱ - هدف کجا جا بجا است ،
۲ - موضع جدید مجاهد در کدام جای باشد
۳ - از چه راه خود را بدشمن نزدیک بسازد .
۴ - فاصلهٔ چند متر را ترا بله کند .
۵ - چند دقیقه و ثانیه ترا بله کند .

دفاع چیست :

دفاع عبارت از دور ساختن و دفع کردن ضرر است که از سوی دشمن متوجه ما گردیده و یا به عبارهٔ دیگر تدابیری است از نگاه نظامی که در وقت برخورد با قوای دشمن مجاهد میتواند مانع پیش آمد دشمن بطرف سنگرهای خود - منطقه خود میشوند که درین حالت مجاهد میتواند از خود نگهداری کرده و از همه چیز خود حمایه و نگهداری مینماید که درین حالت قدرت ما

نسبت به قدرت دشمن کم و ضعیف است و قدرت تعرض را نداریم .

۱ - دفاع وقتی صورت می گیرد که مهجوم و حمله دشمن باشد و ما را متضرر بسازد ، بنا" ما بخاطر طرد ضرر خود حاضر به جنگ شویم .

۲ - در دفاع تلفات کمتر است نسبت به تعرض .

۳ - در حالت دفاع مجاهدین کوشش نمایند که جای خود را بدشمن نشان ندهند و مرمی های خود را بدون تثبیت هدف فیر نکنند .

۴ - در دفاع مجاهدین باید بالای دشمن متحرک از حال سکون فیر و آتش کنند و نگذارند دشمن را که حالت سکون را با خود بگیرند ، باید دشمن متعرض پا در هوا باشند ، موضع ثابت و ساکن اخذ کرده نتوانند .

تقرب :

عبارت از نزدیک شدن است که از اراضی هموار ، پست ، بلند ، جنگل ، کوه ، دریا و یا مانع یاسد استفاده کرده دشمن را در نظر داشتن ، ارتباط را از دشمن از دست ندادن و به قسمی خود را بدشمن رساندن است که قبل از رساندن از بین نرویم و تحت آتش دشمن قرار نگیریم و ما توانسته باشیم پلان خودش را به مجرد رسیدن بدشمن عملی و پیاده کنیم این نزدیکی به اشکال مختلف شده میتواند :

۱ - ما باید دشمن را فریب بدهیم .

۲ - غافل بسازیم .

۳ - ازجناح راست و یا چپ و یاسمت دیگر قوای اصلی ما پیش بیایند که آن سمت را دشمن نقاط امن و بی خطر میداند و هیچ فکر نمیکند که

از آنطرف خطر پیش می شود .

۴ - و هم با دریافت اسم شب یا روز و شفر آنها ، ارتباط را خوبتر در بین دشمن برقرار ساخته باشیم تا بخوبی در بین دشمن نفوذ کرده و قلب دشمن را زخم زده پاره سازیم و اسم شب و یا اسم روز یا اسم معرفت که کلید باز کردن راه دشمن برای مجاهدین است به هر ترتیبی که ممکن باشد بدست آریم البته بهمان اندازه موفقیت ما بیشتر می باشد .

۵ - ما خود را بدشمن بدون اضطراب و با قدم های متین غافلگیرانه با استفاده از ابتکار های جدید که مربوط فهم و تدبیر مجاهدی باشد نزدیک می سازیم .

۶ - در بین آب پیش آمدن ، از ستر و اخفاء زمین استفاده کردن ، برای دشمن صدا های مانند صدای حیوانات ، پرندگان ، بقه ها و دیگر

چیزهائیکه در گوشها عادی باشد خلق کردن و دشمن را متوجه آن ساختن و بعداً پیش رفتن .

۷ - در نقاط دور از محل پهره داری ، محل ترصد یک حادثه را بدشمن خلق کردن و دشمن را متوجه آن ساختن و از نقطه مورد نظر بشکل پشک ، حیوانات چار پای در بین قوای دشمن ، قطعه دشمن در آمدن و پیش رفتن .

کمین :

کمین عبارت از موضع و حالیست که ما در آنجا خود را جا بجا می کنیم و بشکل پشک که برای گرفتن موش خود را آماده ساخته ، قابو دارات ما نیز خود را برای دشمن آماده می سازیم و قبلاً بخاطر حمد خود را مخفی مینمائیم و با رسیدن دشمن در ساحه نفوذ فیر و آتش ما عملیات خویش را

شروع مینمائیم و نقاطیکه در یک کمین ضروری است آنرا در نظر می گیریم .

۱ - ما کمین کنندگان خویش را از نظر دشمن پنهان کرده زیاد کوشش می کنیم که غافلگیرانه - بالایش از حال سکون خود ضربه و آتش نمائیم .

۲ - بالای دشمن قوی هیکل و زیاد باچنان هیبت وخشم انقلابی و نظامی خویش آتش کرده وحمله ور می شویم که دشمن در تحت تاثیر آتش پی در پی ما معنویات خود را کاملاً از دست بدهد و در اثر فشار ما مجبور بقبول امر و قوماندهٔ ما گردد بفرمان ما تسلیم و گردن بگذارد .

مطلب از کمین :

الف : مقصد از کمین اسیر گرفتن و یا نابود کردن دشمن است که یک و دو و یا چندین

نفر مسلح در یک منطقه و یا در یک جای مناسب تعین شده جا بجا می شوند و وظیفه مورد نظر را که برای شان سپرده شده منظم اجرا مینمایند .

ب : نفر ها یا گروپیکه برای کمین انتخاب و تعین می شوند باید بالای خود حاکمیت داشته باشند و صفات مخصوصه باالیشان باشد :

۱ - شجاع و جسور .

۲ - با اعتماد و مطمئن .

۳ - پشت کار و مقاومت .

۴ - فهمیده و تعلیم یافته باشد .

۵ - چست و چالاک و فعال در جای کمین وظیفه

۶ - باسلاح عصری و مدرن مجهز باشند تا بتوانند با یک ضربه کوتاه در یک زمان کم دشمن را از پا انداخته و به بدف برسند .

مالزمهٔ نفرهای کمین :

۱ - قبل از کمین گرفتن ما باید خود را مجهز و آماده برای کمین گرفتن بسازیم .

۲ - سلاح و مهمات جنگی را با خود داشته باشیم

۳ - شارژور پر ، شارژور خالی ، اضافگی و فالتو

۴ - تیک ، چانته و ادویه لازم .

۵ - بیلچهٔ پورتاتیف .

۶ - بی سیم در صورت امکان .

۷ - مین ضد تانک و وسایط مین ضد پرسونل

۸ - سلاح ضد هوائی در صورت امکان .

۹ - سلاح ضد تانک و وسایط .

۱۰ - مالزمه تدابیر کیمیاوی در صورت قدرت و امکان

۱۱ - قیچی برای بریدن سیم خاردار .

۱۲ - نان و خوراکه و تمام چیزهائیکه در کمین به آن ضرورت می افتد .

عبارت از عنصر رزمنده و جنگی السیست که در هر نوع شرایط
با هر نوع سلاح آماده جنگ و نبرد باشد و قدرت
نفوذ و جذب را دارا باشد و در منطقه ایکه هیچ دوستی
نداشته باشد نسبت به روش نیک خود با مردم محل
بتواند برای خود جای بود و باش را پیدا کند و از
طرف دیگر اخلاق چریک او را در انظار مردم نمونه
بکیث یک انسان نمونوی جلوه دهد . باید چریک
دارای خصوصیات ذیل باشد :

اخلاق اسلامی ، صبر اسلامی ، صدق ، پشت کار
شجاعت و وفا بعهد و پیمان و ایمان بحق ، عدل و
انصاف در نزد چریک موجود باشد .

الف : جنگ چریک : چریک جنگ طولانی
در پیش دارد ، بنا ً از همدردی مردم در هر آن و
شرایط به نفع خویش از طریق مثبت باید برخوردار شود
اگر چریک همکاری مردم را با خود داشته باشد
پیروز است ، در غیر آن به شکست رو برو می شود

الف : هدف ما خورد نمودن دشمن، تخریب نمودن دشمن، اسیر گرفتن دشمن و سرانجام نابود کردن دشمن می باشد که نفرهای کمین ما همیشه در امتداد راه های عبور و مرور که دشمن خود را از آنجا اکمال می کند و یا قوای تازه دم را جهت تقویه جبههٔ خود از آن راه ها میفرستند جابجا می شوند .

ب : پرسونل کمین باید در جائی کمین اجرا کنند که از آتش سلاح ثقیلهٔ دشمن محفوظ باشند بطور مثال در یک گودالی، دره و یا تنگی و یا جر کلان که بین ایشان و سلاح ثقیلهٔ دشمن یک سپر، یک بلندی و یا کدام موانع دیگر موجود باشد که از آتش مستقیم سلاح ثقیله دشمن محفوظ باشد و هم چنین راه عقب نشینی و راه اکمالات از عقب داشته باشد .

ج : در کمین افراد و پرسونل ما باید در یک نقطه

و یا محل جا بجا نشوند نظر به امر قوماندان و هدایات
مناسب نظامی وی نقاط مهم و استراتیژیکی
در نظر گرفته شود و افراد و پرسونل منفرداته باید
جا بجا شود و بصورت دسته جمعی داخل موضع
نشوند زیرا خطر آن بیشتر است اگر از طرف دشمن
کشف شدیم با یک ضربه از بین میرویم و نابود
می شویم .

د : ما در کمین بصورت انفرادی و یا دو نفری
وقتی داخل موضع می شویم که اول از آتش
دشمن محفوظ شده بتوانیم و ساحه آتش ما جای
زیاد را در بر بگیرد و با یک فیر دشمن چندین نفر
ما از بین نمیرود و در صورت اصابت مرمی دشمن
تلفات کم میدهیم و دشمن را زیاد تلف می سازیم

ه : برادران کمین گیرنده ما اول باید که در
چندین جای راه که چندین خط قطار دشمن
را در بر گیرد خود را مخفی و جا بجا کرده و موضع اخذ

نمایند و از موضع خود با وارد شدن قوای دشمن ، آتش وفیر آغاز کنند ، درین اثنا دشمن وارخطا و دست و پاچه شده ومعنویات خودرا می بازد وکنترول قوماندان آنها ضعیف می گردد .

و : مجاهدین کمین کنندهٔ ما خیلی کوشش نمایند که ارتباط بی سیم دشمن با ارتباط افراد آنها قطع واز بین برده شود که هر واحد قوای دشمن درجای خود بدون قوماندهٔ و هدایت باقی بماند درینوقت زمینهٔ سقوط آنها حتماً فراهم میگردد .

ز : وقتی ما در کمین گرفتن واجرای برنامهٔ جنگی ، دشمن را ضعیف ساختیم شرایط قوای خود و قوای دشمن را در نظر گرفته بشکل ترابله نظر به هدایت وامر قوماندان ، گروپ وار منظم ، بشکل ایجابی ، ترابله با احتیاط کامل خود را بدشمن نزدیک ساخته و پرسونل بمبهای

دستی ایکه دارند همه با یک صدای « الله اکبر »
بالای دشمن پرتاب نموده و با آتشباری خود
دوام داده بطرف دشمن تقرب و پیش
میرویم تا دشمن مجبور و ناکام شده تسلیم
شوند و یا کاملاً از بین بروند .

خ : درحال جنگ و کمین گرفتن چیز مهم
و ارزشمند برای مجاهدین ارتباط بین گروپها
و افراد می باشد که البته سبب موفقیت
شان در جنگ شده خواهد توانست .

ط : درختم کمین بعد از اجرای برنامهٔ جنگی
برقوماندان و سرگروپ لازم و ضروری است
که محل و جای کمین را بررسی کرده تا کدام برادر
شهید ، زخمی و مریض باقی نماند ، در صورت
بودن مریض ، شهید و زخمی آنها را بجای دیگر
نقل بدهد و برای شان یاری و معاونت
نماید تا در چنگ دشمن اسیر نشوند .

ظ : در وقت کمین گرفتن و دیگر اوقات جنگ
قبلاً باید اشارات پرواز های قوای هوایی
دشمن ، اشارات حمله پیاده دشمن ، اشارات
حمله بالای تانک های دشمن ، اشارات عقب
نشینی برای خود ما ، اشارات قطع آتش
اشاره شروع آتش ، اشارهٔ شروع گرفتن
غنیمت ها و اشارهٔ موفقیت ها تعین شود
و به افراد قطعهٔ منسوبه ما تفهیم و تلقین شود
تا در بین ما سکتگی و نقصان رخ ندهد .

ص : در وقت کمین و در وقت جنگ های
دیگر اول باید که اشاره ها تعین شود و بشکل
های مختلف اشاره تصویب شود :

۱ - ذریعهٔ بی سیم با تعین شفر خاص در صورت
امکان بی سیم .

۲ - ذریعهٔ تیلیفون در صورت امکان .

۳ - ذریعهٔ اشاره دست از یک نقطهٔ نیرنگی .

۴ - ذریعهٔ فلاهه .

۵ - ذریعهٔ خبررسان و تثبیت شدن اشاره های افراد کمین باید دانسته شده باشند و در وقت اجرا دچار مشکل نشوند و با آسانی حل مشکل کرده بتوانند .

ض : برای قوماندان و افراد کمین گیرنده لازم است که اعاشهٔ (۴۸) ساعته را با خود داشته باشند و افراد قسمی تربیه شوند که در هر نوع شرایط اراضی رفت و آمد کرده بتوانند و یا مقابل نداشتن غذا صابر باشند ، در راه رفتن مقاومت داشته باشند و با یک روحیهٔ بلند برای پیدا کردن غذا در همان منطقه از نباتات و حشرندگان وحیوانات استفاده نمایند و از خوردن چیزیکه خلاف شریعت نباشد خودداری نکنند تا بتوانند همان وظیفهٔ محوله که برایشان

سپرده شده با عزم متین ، ایمان کامل و پشت کار قوی اجرا کنند .

ع : برادران مجاهد ما باید در زمین های هموار و دشتها از گرفتن کمین جداً خودداری نمایند و اگر قدرت قوای دشمن کم باشد وضعیت را بررسی و عمل نمایند .

ع : کمین درحقیقت یک نوع محاربهٔ تعرضی است و وقتیکه جزء و تمام ، تعرض اجرا میکنند باید قوای آن سه چند و یا دو چند قوای مدافع باشد ، حالانکه قوای کمین بسیار کم و ناچیز می باشد ، با آنهم اگر در اراضی هموار باشد زود از بین میرود ، پس حتمی است که در اراضی هموار کمین گرفته نشود و در صورتیکه در جنگ دشمن در دشتها و زمین های هموار قرار گرفتیم درین حالت اضطراری از آخرین قدرت خود به هر ترتیبی که شده میتواند استفاده

کرده مجبوراً از خود دفاع می کنیم .

ف : وقتیکه مجاهدین کمین میگیرند کوشش بسیار باشد که در اراضی ای کمین بگیرند که چقری و بستاً بلندی باشد و راه قطارهای اکمالات دشمن را مسدود نمائیم و یا مستقیماً بالای قطارهای تعرض دشمن حمله نمائیم ، باید به بسیار آگاهی و احتیاط به ترتیبی خود را داخل کمین گاه کنیم که بمجرد رسیدن قوای دشمن خود را منظم و با قوماندهٔ واحد آتش را بالای قوای دشمن شروع کرده و آنها را نابود سازیم .

ق : برای مجاهدین ضروری است که بعد از ختم اجرای برنامهٔ کمین همه باهم از کمین گاه یکجا بطرف پایگاه حرکت نمایند و بشکل منظم و با تدبیر امنیتی گرد و پوار کمین گاه را تخلیه و به پایگاه خود بروند تا در معرض خطر هوائی دشمن قرار نگیرند . بسا اوقات ما دیده ایم که مجاهدین

بعد از ختم کمین ، دسته جمعی حرکت کرده اند ، ضایعات
بسیار از خود داده اند و تلفات را بعد از موفقیت
اجرای برنامه کمین متحمل شده اند ، بنا بر
مجاهدین لازم است در صورت کامیابی
و یا شکست دسته جمعی حرکت نکنند ، فرمانده
و نظم را در نظر داشته باشند .

ك : گروپ مائیکه در اثنای جنگ
با کمین خوب جنگیده اند ولی در بین خود
انضباط ، نظم و دسپلین نظامی مراعات
نکرده اند ، در ختم کار مغرور شده
اند سرانجام با برخورد آنی دیگر شکست
میخورند و بقای قدرت خود را حفظ نمیتوانند .

شرایط کمین :

ا ـ کمین در جائی گرفته شود که راه رفتن

به کمین و برگشتن از آنجا امکان داشته باشد
مانند گولائی ها ، دره های پرخم و پیچ ، درختان
بزرگ و غلو ، کوچه های پرخم و پیچ ، دیوارهای
لب سرک ، دریاچه های لب سرک ، دامنه
های کوهای پیش برآمده بطرف راه .

۲ - کمین جائی گرفته می شود که جای ترصد
و دید خوب برای کمین گیرنده باشد و دشمن
را از آنجا بخوبی ببینیم و دشمن ما را بدید اول خود
دیده نتواند .

۳ - کمین برای کمین گیرنده مستور و پوشیده باشد
زیرا در موقع خطر و تغییر وضع مجاهدین صد در صد
در تحت آتش دشمن قرار میگیرند در آنصورت بتوانند
خود را از جای کمین بیک جای امن و مطمئن برسانند
و از خطر دشمن خود را نجات دهند .

۴ - مجاهدین در جائی کمین بگیرند که راه رساندن
مهمات و جبه خانه باشد ، هم چنین آب و نان

حرکت چریک سریع است و زمان کم بکار دارد و با قوه
کم قدرت زیاد دشمن را ضربه میزند و اکثر وقت
فعالیت چریک مخفی (زیر زمینی) می باشد، سازش
کاری با داشتن قدرت در شهرها، قریه جات و مناطق
نظامی برای کسب قدرت نمایانگر خوبی و رسیدگی
یک چریک است تا بدینوسیله بتواند قدرت دشمن
را درهم شکند.

چریک از راه تبلیغ رهنمود های اسلامی، مردم
را بخود جلب می کند تا به هدف خویش که اعلاء کلمه الله
است برسد.

ب : پیشرفت چریک در جنگ :

چریک ها از گروپهای ساده و ابتدایی شروع
بکار می کند و آهسته آهسته با تکتیک های دقیق
خویش به فعالیت های پیچیده و مغلق پیش میروند.
هر اندازه عمل چریک دقیق و با اساس پروگرام
باشد بهمان اندازه تجربه و پختگی حاصل می کند

قبلاً با خود داشته باشند

۵ ـ موجودیت گروپهای ذیل در وقت کمین گرفتن در مقابل دشمن ضروری می باشد :

الف : گروپ ترصد یا گروپ کشف بدست آوردن و معلومات و دیدن دشمن .

ب : گروپ امنیت یا گروپ محافظ یا دفاع .

ج : گروپ تعرض ، هجوم و یا حمله .

د : گروپ حمل و نقل که همهٔ این گروپ ها در وقت حملهٔ کمین بالای دشمن وظیفه دارند که وظیفه سپرده شده خویش را با جدیت ، صداقت پشت کار و صبر هرچه تمامتر بخاطر هدف مشترک انجام وظیفه و ادای وظیفه نمایند .

۶ ـ در وقت بازگشت از عملیات از کمین گاه مجاهدین قبل از افشاء شدن خویش را از دیدگاه دشمن برای یک الی دو ساعت مخفی نمایند به موفقیت ایشان می انجامد .

۷ - کمین در نقاط نیرنگی و بارز که بدید اول دشمن آنجا را برای خود خطر دانسته و دیده می شود و همین نقاط بارز را هدف خود قرار میدهد و تحت فیر و آتش میگیرند ، مجاهدین از گرفتن کمین در نقاط نیرنگی و بارز افشا ، شده جداً خود داری نمایند زیرا ضرر مجاهدین تمام میشود .

۸ - مجاهدین در جائی کمین گیرند که در اثر یک برخورد دو الی سه ساعته در محاصرهٔ دشمن قرار نگیرند و مجاهدین بعد از اجرای عملیات که طول عملیاتش نیم ساعت الی یک ساعت باشد زیاد به عملیات خویش ادامه ندهند . و بعد از یکساعت جای عملیات را بگذارند و بیک جای امن مخفی شوند .

تاخت :

عبارت از یک حملهٔ ناگهانی و بی خبر

بالای دشمن جابجا و در حال سکون باشد حمله نموده
آنرا خورد و نابود ساختن است .

حل تاخت :

الف : درعملیات شبانه وروزانه مجاهدین باید سعی
آوردن همه معلومات های همه جانبه بالای قرارگاه
دشمن ، غند دشمن ، کندک دشمن ، ولسوالی دشمن
محل تینگ های دشمن ، مراکز مهم مخابراتی دشمن
راکت های هوائی دشمن ، دافع هوای دشمن ، میدان
هوائی دشمن ، رادیوی دشمن ، تلویزیون دشمن
دستگاه برق دشمن ، فابریکه های تولیدی دشمن
مرکز هواشناسی دشمن ، سینما وتیاتر دشمن ، مجلس
شادمانی دشمن ، حوزه های حزبی ومنطقوی دشمن
حمله می نمائیم تا دشمن خورد و نابود شوند ، هشتاد
فیصد خطرناک و یا در صورت ضربه فنی ماصه فیصد

بدشمن خطرناک تمام می شود .

وسایل تاخت :

ب : عبارت از تفنگ های اتو ماتیک ، تفنگ های دورزن ، تفنگچه های اتو ماتیک ، دشکه های خفیف دافع هوا ، بمبهای آتش زا ، مین ضد پرسونل ، مین ضد تانک ، پلاس وقیچی آهن بر چکش و مواد غذائی . مخابره های کوچک تیپ های صدادار ، بوت های کف رابری ، لباسهای هم رنگ اراضی ، چراغهای دستی ، راکت لانچر با مرمی اش ، داکتر و دوا ، کارد و یا شمشیر که از وسائل ضروری درصورت توان و قدرت ضروری می باشد تا نتوانسته باشیم دشمن را از پا بیندازیم و این عمل تاخت مجاهدین با روحیه همچو شیرغران و با عمل کردن پلنگ و با ویران

نمودن گرگ شباهت داشته باشد تا همه دشمن را در یک محل ، در یک جای در تحت ترس و وحشت قرار داده و از دشمن برای خود و وسایل مورد ضرورت ، مهمات و مواد ارتزاقی را باندازه قدرت خود اخذ نمائیم و بالای دشمن سکون دفعتاً ناگهانی حمله نموده عملیات خویش را بانجام رسانیم تا دشمن غول پیکر را بوحشت انداخته سرنگون سازیم و یا از صحنه فعالیت و میدان جنگ اخراج نمائیم .

پهره یا پاسداری :

عبارت از نگهداری ، محافظت از محل یا چیزی سپرده شده است که ما در آنجا مامور میشویم و وظیفه داریم که تا آخرین قدرت و آخرین رمق حیات خویش از همان جای سپرده شده

و یا شی سپرده شده نگهداری و دفاع کنیم و به کس
حق ندهیم تا آنجائی که شی را از اختیار ما بیرون نمایند

شرائط پهره داری :

۱ - پهره دار در وقت نگهداری و پهره خویش
عملی را اجرا ننمایند که باعث افشا شدن پهره
دار شود .

۲ - چراغ روشن نشود ، صدا و غالمغال صورت
نگیرد .

۳ - ارتباط پهره دار از نزدیک بطرف دور
و از دور بطرف نزدیک بشکل دیدن و گوش
کردن باشد و ارتباط نظری و گوش کردن را با
دیگر پهره داران دایم برقرار داشته باشد .

۴ - پهره دار جز به پهره دار مابعد خود بدیگر
کسی سلاح خویش را تسلیم ندهد .

۵ - پهره دار بدون شناخت قبلی و فوری شخص نو وارد را بداخل ساحهٔ پهره داری خود حق ندهد که داخل شوند و یا خارج شوند تا انیکه با جازه پهره دار صورت نگیرد دیگر کس حق ندارد اجازهٔ دخول و یا خارج را بکس بدهند .

۶ - بدون اسم معرفت هیچکس حق ندارد داخل منطقهٔ پهره داری پهره دار شوند اگرچه صاحب منصبان و آمرین خود پهره دار باشند باید اسم معرفت داشته باشند تا اجازهٔ دخول و خروج را اخذ کرده بتوانند .

نوت :

پهره دار هیچگاه در موقع روشنی قرار و آرام نگیرد و در محل نیرنگی و افشا شده به پهره ایستاد نشود ، جائیکه ایستاده میشود ، پهره دار موضع مستحکم داشته باشد .

۷ - نزد شخص پهره دار وقتی که شخص نو وارد

داخل منطقه میشود از فاصله شش متر در حال عادی
ایستاده باش (درلیش) گفته شود و در حالت
اضطراری، وخطر از فاصله سه صد متر شخص نو وارد
بطرف قرارگاه مجاهدین نزدیک نشود .
۸ - تفنگچی پهره دار قبلاً در حالت اضطراری
پُر کردگی و مرمی تیر شده گی بداخل میل باشد و تفنگچی
حاضر به فیر بطرف شخص نو وارد و یا دشمن آماده
باشد .
۹ - شخص نو وارد بدفعهٔ اول قوماندهٔ پهره دار را
باید قبول کند و ایستاد شود و اسم معرفت از
طرف پهره دار خواسته میشود ، شخص نو وارد
اسم معرفت را بدهد .
۱۰ - اگر شخص نو وارد بدفعهٔ اول اسم
معرفت را برای پهره دار نداد ، پهره دار در
مرتبهٔ دیگر با گرفتن موضع که سد و سنگر محکم
باشد برای شخص نو وارد اسرار کند ، اسم

معرفت را بدهد ، اگر اسم معرفت را داد شخص
نو وارد خوب و در غیر آن جا بجا زده شود .
۱۱ - پهره دار از شخص نو وارد اسم معرفت را
آهسته بخواهد و شخص نو وارد آهسته جواب
بدهد که بجز همین دو نفر کس دیگر آگاه نشود تا
اسم معرفت افشاء نشود ، بخاطر یکه اسم معرفت
کلید راز همین شب قطعه منسوبه می باشد و با افشاء
شدن اسم معرفت خطر برای همه افراد قطعه
موجود می شود .
۱۲ - پهره داران در جائی پهره کنند که چهار اطراف
خود را بخوبی دیده بتوانند و از جای پهره داری
خود آتش و فیر هم بالای دشمن کرده بتوانند .
۱۳ - پهره داران در حفاظت اسم شب امین
باشند به کسی حق ندارند اسم شب را بگویند به
جز کسیکه در وظیفه با پهره داران شریک
هستند ، در موقع خطر لزوماً برای همکاران

دیگر هم داده شود و در دیگر وقت ها به پهره دار ما بعد
اسم معرفت توزیع و داده شود نه بکس دیگر .

۱۴ - پهره داران انفرادی در وقت پهرهٔ
خویش با تفنگ و یا دیگر سلاح خویش حق
ندارند کسی را تلاشی کنند شخص مازاد و اضافه
از پهره دار باید شخص نو وارد و دیگر چیز های
تحت نظر را تلاشی نمایند و بررسی کرده از شخص
نو وارد معلومات بدست بیاورند و بعداً اجراآت
قانونی که ایجاب می کند بنمایند .

۱۵ - پهره دار جز نگهداری محل سپرده شده
اشیای سپرده شده ، حق ندارد که در عوض چیزی
دیگر را طور امانت در اختیار بیاورد و یا رشوه ستانی
صورت گیرد و تبادله شی سپرده شده و جای سپرده شده
ناجائز و غیر قانونی بیباشه پهره دار این را ننماید
و جرم را مرتکب نشود .

۱۶ - پهره دار در وقت پهره و نگهداری خود

و نوآوری و ابتکار جدید را به فنون جنگی خود می افزاید
جنگ چریکی طرق جدید تولید می کند و جنگ منظم
راه گذشته را طی می کند، بنا اً چریک ها قبل از
حمله دشمن باید تکتیک های سابقه را یاد داشته
باشند و فورمول خویش را که قفل نمره دار است
بدست کس دیگر ندهند.

ج : عملیات چریکها :

چریکها هیچ گاه از جنگ روبرو با دشمن کار
نمیگیرند، صرف در موقع اضطراری و در هنگام خطر
صد در صد از بین رفتن است که چریکها امکان دارد
اینجاست که جنگ فیل و پشه را سرمشق قرار میدهند
پشه وار بالای فیل حمله می برند و فرق فیل را می گزند
و پرواز می نمایند. عملیات چریکی یک جنگ متحرک است
و مواضع ثابت ندارند، چریک ها در حال حرکت

آنچه از مسلمات است اثرگذاری هرکدام از اصولمندی مربوط بهر ساحهٔ زندگی .

اگر ما هر بعد از زندگی خود ما ترا با همان اصول و قوانین وضع شده و مربوط به آن وفق دهیم بدون شک آن نتیجه را میدهد که از قبل پیش بینی و تعین گردیده .

از نگاه عقیده و جهان بینی ما که البته یک نگاه حقیقی و یک درک مطابق به واقع هست . هر آنچه تا امروز کشف شده و یا بعد از امروز کشف گردد مخلوق پروردگار جهان است ، هیچکس ، هیچ قانونی را نمی تواند بسازد و با ساس آن حرکت نماید بلکه همه ساخته شده و آماده بهره برداری و استفاده و در انتظار استفاده کننده است انیکه از آن استفاده درست و جائز می گردد و یا عکس آن این مربوط به استفاده چی است برق را کسی نه ساخته و قانونی وضع نکرده که با تطبیق آن برق تولید شود . برق قبلاً وجود داشته در جمله مخلوقات خداوند بوده اما تحقیق و مطالعه در حد امکان بالآخره بشر را قادر به استفاده از آن گردانیده انیکه از آن چه استفاده

و در چه جهت استفاده میگردد باز هم مربوط به انسان وجهان بینی انسان و موضع گیری مطابق به جهان بینی آن است .

برای خوب انسانی زندگی کردن بشر هم در زمانها و دوره های مختلف بشر قانون فرستاده شده و از انسانها دعوت گردیده تا زندگی شانرا در هر ساحه مطابق به همان قانون عیار سازند . انسان فطرتاً طوری خلق شده که بسوی علم و دانش جد وجهد نماید و البته این یک استعداد است در وجود او ، ومساعدت وزمینه سازی از جانب خداوند .

بعد انسان باز هم مورد لطف وبخشش قرار گرفته وبزرگترین سرمایه دیگر یکه نظم وبهبودی زندگی بآن مربوط است و با استفاده از آن برای جهت یابی بسوی هدف ومقصود از خلقت و زندگی می توان استمداد نمود وتعین راه کرد عطیه داده شده وآن عبارت از خرد وعقل است . علاوتاً بخاطر هدایت وراهنمائی بیشتر همین انسان

قانون نهایت کامل و سازنده برایش ارسال داشته
شده قانون کلی در رابطه با همه مسائل چه جزئی و کوچک
و چه کلی و بزرگ . چه فردی و خانوادگی و چه قبیلوی
و اجتماعی ، چه مادی و چه معنوی هدایات روشن و عالی
دارد هرگاه در هر ساحه از زندگی از آن هدایت
گرفت و برطبق رهنمود های آن حرکت نمود یقیناً در راهیکه
در همان قانون بنام صراط المستقیم خوانده شده
قرار خواهد گرفت .

در قانون آسمانی (قرآن) برای انسانهای
مؤمن بآن دستور داده که طلب علم نمائید و همه
کارها و همه مسایل را در روشنائی علم مورد بررسی
و تحلیل قرار دهید و هرآنچه همان علم مربوط بهمان کار و
یا موضوع ، راهنمائی می نمود باساس آن عمل نمائید .
هم چنانکه طبیعت و جهان و هم انسان و زندگی آن
متشکل از زوایا ، ابعاد و ساحه های مختلف میباشد ،
دانش و معرفت هم از شعبات و شاخه های متعدد تشکیل

گردیده شامل و در گیرندهٔ تمام پدیده ها و موجودات جهان هستی می باشد .

معلومات و بینش یعنی راه مطالعه حقیقی و صحیح هر پدیده از جهان هستی یگانه وسیله شناخت پدیده هاست .

یکی از خطرناکترین منابع زشتی ها و مشکلات بشر عدم معلومات از همان پدیده ها و یا غلط و غیر حقیقی دیدن آنها است .

آنچه از زمرهٔ فریضه های بسیار ارزنده اسلامی برای مسلمان شمرده شده کسب دانش و معرفت در بارهٔ جهان و پدیده های متشکله آن در حد توان است .

لهذا هم بحکم نیاز بشر به علم و دانش و هم بخاطر پیروی و اطاعت از عالم حقیقی (خداوند ج) و هم بخاطر گریز از گزند و آزار ناشی از جهل و بی دانشی انسان است تا با خواسته فطری اش (تمایل بسوی علم) هم آهنگ گردیده نیاز خود را به هر شعبه از دانش و علم تعین و در همان ساحه ایکه در درجه اول به آن احساس ضرورت

میگردد در قدم اول و بهمین ترتیب در قدمهای دوم وسوم و ... کسب معلومات نموده و بوسیلهٔ آن زندگی دو جهانی خود را تنظیم بخشد .

چنانچه همه میدانیم این چندین سال است که مردم مومن افغانستان بخاطر دفع تجاوز یکی از بی رحم ترین دشمنان بشریت (روس جنایت کار و پلید) قیام کرده و مصروف پیکار هست قیام و پیکاری که بدون دسترسی و برخورداری از شعب مختلف دانش مربوط به آن، نمیشود همان مسیر اصلی و مطلوب را طی نماید و به نفع این ملت تمام شود این کار ملاً از بدیهیات است (البته درنزد صاحبان بصیرت) تا سحاب های جهل و نادانی با تشعشع و درخشش آفتاب درخشنده و تابناک علم و دانش نسوزند، تا این همه ظلمتهای ویرانگر ناشی از جهل در دریای کتم و عدم پرتاب نگردد ، تا تمام کدورتها و ملالتهای ناشی از آن از صحنهٔ وجود جامعه پاکسازی نشود رسیدن به هدف و ارمان اسلامی ما نهایت دشوار است .

امروز این ملت در حالتی بسر می برد که نقشه های پلید شوم
دشمنان اسلام (استعمار جهانی) صحت و سلامتی جسمی
و روانی نه تنها مردم افغانستان بلکه تمام جهان
اسلام را از دستش ربوده و پیکرش را علیل و بیمار
گردانیده امروز ما به امراض و بیماری گوناگون اجتماعی
مصاب هستیم مگر بیماری جهل و نادانی در صدر آنهمه
رنجها قرار دارد. امروز همگی ادعا داریم که مجاهد
و مبارز هستیم و از یک ناحیه حق بجانب هم می باشیم
زیرا همه قیام کرده ایم مگر به این موضوع کمتر توجه
گردیده که چه چیز قیام ما را منظم می بخشد و به هدف
و غایت اصلی نزدیکش می گرداند ، آنچه چراغ راه
حرکت جهادی و مبارزاتی ما شمرده می شود چیست
آیا در راه بدست آوردن وحصول آن اقدام کرده ایم
آیا برای دستیابی آن برنامه داریم ، اگر چنین
باشد تا چه حد از اجرای این امر خطیر بدر شده ایم
برخورداری کافی از آن داریم و یا ایجاب کار بیشتر

بسم الله الرحمن الرحیم

وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ

(توبه - ۵)

دشمن را محاصره کنید

نویسنده: محمد بلال نسیم

نشر و پخش: شعبه فرهنگی قرارگاه جند الله ولایت کابل

۱۳۶۵

و حرکت سریعتر را می نماید .

امروز نظر یکعده از مبصرین و افراد خبیر بیشتر روی این موضوع تکیه و تاکید میدارد که هرکدام ما قبل از توجه به مسایل دیگر همّ و زحمت کشی خود را بسوی مسائل تعلیم و تربیه و رشد فکری جامعه معطوف بداریم .

دشمن هم نسبت بهر موضوع دیگر بیشتر در رابطه با همین مسئلهٔ فعالیت می کند دشمن سخت تلاش داشته و میدارد تا نه تنها همین اکنون دور از دانش و معرفت باشیم که در آینده هم باید بین ما و علم و دانش فاصلهٔ بعید وجود داشته باشد .

امروز که قرن بیستم و از نظر یکعده قرن تمدن ، قرن علم و دانش است دیگر این تصادفی نیست که ۹۸ فیصد مردم افغانستان حتی از نعمت سواد و خواندن هم محروم هستند این حاصلهٔ کار بسیار قدیمی دشمن است .

هرگاه ما از موجودیت چنین یک بیماری رنج نمی بردیم هرگاه ما از فرهنگ و مکتب مان آگاهی و شناخت می داشتیم

و هرگاه مطابق به نهاد های مکتبی مان تربیت شده می بودیم
دیگر امروز با چنین یک تفرقه و پراگندگی سر نمی بردیم
دیگر پیکر خود ما را به چندین پارچه و قسمت تبدیل نمیکردیم
و باز هر پارچهٔ آنرا به پارچه های دیگر .

هرگاه ما در فرهنگ و دانش خود حل می بودیم ، هرگاه
ما چراغ علم و معرفت را در هر ساحهٔ از زندگی خود روشن
ساخته می بودیم دیگر از دیدگاه های تنگ و ضیق گروه
بازی موضوعات را مورد تحلیل و بررسی قرار نمی دادیم
دیگر به موجودیت گروه های متعدد در یک جامعه اسلامی
تن در نمیدادیم ، زیرا مکتب ما ، دانش و معرفت
از مکتب ما و تعهد در برابر مکتب ما ، ما را می گفت
که مسلمانان یک حزب دارند و آن حزب ، حزب خدا است
و هر معتقد به مکتب اسلام اعضای آن و مسئول یکی
در برابر دیگر .

قبلاً تذکر رفت که علم هم صنف های مختلف دارد ، معلومات
و دانش هم به شاخه های متعدد تشکیل شده امروز -

به حالت موجوده ما یکی از شاخه های بسیار عمده و ضروری علم، دانش و معلومات نظامی است که برای مبارزه و جهاد سالم ایجاب آگاهی به آموزش های نظامی تکتیک ها و نظریات حربی و مسائل مربوط به فعالیتهای نظامی مخصوصاً به شکل چریکی و گروهانی را مینماید.

ما نه تنها باید یک دانش کلی و کافی درین زمینه داشته باشیم که بصورت مطلق باید هرکدام درین رشته و شعبه مسلکی شویم اهل خبره گردیم به تمام رموزات و پرنسیب هایش از نظر آگاهی و معلومات تسلط داشته باشیم و به اساس آن تمرین های فنی نظامی ببینیم.

زیرا هم چنانکه بدون بینش های سیاسی ایدیالوژیکی مکتب اسلام جزئی ترین کار مثمر و مطلوب انجام نمیگیرد بدون آموزشهای نظامی هم نمی شود مسائل نظامی را بوجه احسن پیش برد.

لهذا طوریکه ملاحظه می شود هستند برادرانیکه در پهلوی سائر مصروفیت های سنگر متوجه این مسائل عمده

نیز گردیده برای پر کردن هریک از کمبود ها مطابق توان و قدرت شان کار های انجام میدهند .

رسالهٔ تدوین شده هذا که در دسترس مطالعهٔ شما انشاءالله قرار دارد اثر یکی از برادران آگاه و همیشه در سنگر ما آقای محمد بلال «نیرم» می باشد .

برادر مجاهد بلال این رساله ارزشمند را زیر عنوان «دشمن را محاصره کنید» را با در نظر داشت بسیاری از جوانب و پهلو های جنگهای چریکی و گروللائی ، با استفاده از تجارب چندین ساله سنگری شان و با استفاده از مطالعات که در زمینه کرده اند تدوین داشته اند و مطمئن هستم که برادران نهایت محترم و گرانقدر و مجاهدان در هر کجای از افغانستان که تشریف دارند و مصروف جهاد و پیکار هستند از این اثر برادر هم سنگرشان استفاده های خوب و شایانی بدارند و از خداوند «ج» برای همه مسلمانان بویژه ملت مبارز و مجاهد افغانستان آرزوی -

پیروزی های زود رس واشکوهمند را می بریم .

ومن الله التوفیق

ضیاء الحق

محمد بلال نسیم مسئول عمومی قرارگاه جند الله ولایت کابل

مشخصات

نام کتاب : دشمن را می‌شناسیم

مؤلف : محمد بلال نیرم

ناشر : دارگاه جند الله ولایت طالب

تیراژ : ۵۰۰۰ جلد

تاریخ چاپ : ۱۳۶۵/۱۰/۱۰ هـ ش

مقدمه

تطورات وگوناگونیهای متعدد و نهایت زیاد ساحات، زمینه ها
وجوانب زندگی ومعشیت انسان درروی زمین بمطالعات
بررسی ها، تحقیقات وکشفیاتیکه درارابطه باآن تا امروز
صورت گرفته ویک جریان ممتد ودوامدار را دنبال میکند
وهم توجه ودقت ویاکوشش وتلاش آنعده ازانسانهاییکه
به خواسته ها واقتضاءات فطری وطبیعی شان ـ
(فرار از مجهولات بسوی معلومات) لبیک گفته اند،
منتج به معرفی یک سلسله ارزشهای شده که حقیقتاً بدون

وصلت و توسل به آنها پشت سرگذاشتن زندگی ندامت
و پشیمانی را برای انسان بجا خواهد گذاشت و آه و فریادی
را در سینه اش جا خواهد داد که حاصله اش باز هم جز
خود خوری و دلهره چیز دیگری نمی باشد .
«شناخت و معرفت هریک از ارزشهای پوشیده و مکنون
در لابلای ناآگاهی ها و عدم معلومات انسانهای
نامتجسس ، کسانیکه برخلاف گرایشهای متعالی و بخشیده
شدهٔ الهی حرکت کرده اند و بدون تفحص و پویائی بسر
برده اند تفکر و تعقل را کنار زده اند ، خرد و عقل را
بدون استفاده و غیرفعال گذاشته اند » بوسیلهٔ رو
آوردگان و خوانندگان کتاب طبیعت و کتب انفس
نه تنها روشن گر و راه گشای راه های پرخم و پیچ خود
آنها گردیده که مردمان دور و پیش و محیط زیست همان
راه یابان و حقیقت شناسان را هم متمتع گردانیده و طعم
و لذتهای گوارائی از آن چشانیده .
امروز اگر بشر از نظر برخورداری از وسائل و ابزار

مترقی و پیشرفتهٔ زندگی یک سلسله نیاز های این جهانی اش را
رفع کرده و دسترسی های در زمینهٔ اکتشافات و قوانین
خلقی پیدا کرده و بدان جهت خویش را از انسانهای
پیشین متمایز میداند که با کشف یک چند قانون از قوانین
موجود در جهان خود را صاحب آلات و ابزاری می بیند
بدون معنی نیست که انسانهای خارق العاده پیدا شده
و از نظر ساختمانی فزیکی و امثال آن از دیگران فرق دارند
وچیزهای دیگر بلکه همه اشیاء و پدیده های مادی ومعنوی
درصحنهٔ هستی از جانب پروردگار و آفریدگارشان به
ودیعت گذاشته شده .

استعداد های نیرومند و نهایت با ارزش فکری از یکسو
وقوانین و اصولمندی های طبیعی ومعنوی از سوی دیگر
پیوسته با انسان همراهی دارد مگر آنکه بخواهد برای
استفاده خود از هریک آن کار بگیرد کاربرد واستعمال
صحیح هریک آن بالطبع همان نتیجه مطابق به مختصات
خودش را میدهد .